

کتاب پنجم

هشتاد به یک

ناصر کاوه

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدای ایران اسلامی از صدر اسلام تا شهدای جبهه ی مقاومت

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل‌های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بینند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد و آن ثبت خاطرات برای دیگران است... ((امام خامنه ای))

کتاب هشتم به یک؟! (جلد پنجم)

مدیر پروژه و نویسنده: ناصر کاوه

هوش مصنوعی، گرافیک و طراح: علی کربلائی

رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه

تایپ و حروف نگار و مشاور طرح: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: اول

فهرست مطالب

مقدمه/۹

کمک های کشورهای عربی به صدام/۱۶
کمکهای اردن به عراق در طول جنگ تحمیلی/۲۲
ابعاد حمایت های عربستان از رژیم بعثی صدام/۳۲
کمک های کویت از رژیم بعثی صدام /۵۸
کمک های سودان به صدام/۱۱۸
کمک های لیبی و یمن به صدام/۱۱۹
کمک های امارات و قطر به صدام/۱۲۱
کمک های مراکش و تونس به صدام/۱۲۴
کمک های مصر به صدام/۱۴۷
نقش چین در جنگ ایران و عراق /۱۷۵
کمک های سنگاپور به صدام/۲۰۳
روابط آفریقای جنوبی و عراق در جنگ ایران و عراق/۲۰۷
روابط شیلی و عراق در جنگ ایران و عراق/۲۱۳
روابط برزیل و عراق در جنگ ایران و عراق/۲۲۲
کمک های سنگاپور به صدام/۲۰۳
روابط آفریقای جنوبی و عراق در جنگ ایران و عراق/۲۰۷
نقش اسرائیل در جنگ ایران و عراق /۲۳۱
نقش ژاپن در تسلیح صدام و کاهش قدرت دفاعی ایران/۲۳۵
کمک های کشور های جهان به رژیم بعث عراق /۲۳۸
کشورهای اصلی حامی عراق/۲۴۶
سال شمار جنگ/۲۵۱
آمار شهدای دفاع مقدس/۲۷۱
دلیل برتری ارتش بعث عراق در ماه های پایانی جنگ/۲۷۳
به ما سیم خاردار هم نمی فروختند/۲۸۵
مروری بر تعداد قطعه نامه های صادر شده توسط/۲۹۲
اعلام آتش بس توسط شورای امنیت سازمان ملل/۲۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا تُسَبِّحُوا لِلَّهِ حُفُوفَ غُولٍ أُولَئِكَ أَكْثَرُ مُبْغِضِينَ



امام خمینی (رحمة الله علیه)

بدخواهان ما گمان نکنند که جوانان ما از مردن از شهادت
باکی دارند! شهادت ارثی است که از اولیاء به ما می
رسد. آنهایی باید از مردن بترسند که بعد از مرگ، موت را فنا
می دانند. ما که بعد از موت را حیات بالا تر از این حیات می
دانیم، چه باک داریم؟



کتاب هشتم به یاد ناصر کاوه

بسم الله الرحمن الرحيم والله اعلم بالصواب



امام خامنه ای (مد ظله العالی)

آن عالم است که می تواند محتوای ذهن انسانی را تبدیل به چیزی کند که از این جسم، به اصطلاح رایج امروز، از این سخت افزار وجود بشری، یک انسان متعالی، یک انسان پیشرو و یک انسان فعال و پیشرو بسازد. یک عالم می تواند این کار را بکند



هفت کتاب مقدس

کتاب هفتاد به یک — ناشر گامی

حامیان عراق در جنگ با ایران



کتاب هشتم به یاد ناصر کاوه

مقدمه

... این نوشته جات را قدر بدانید. این پدیده‌ها و این فرآورده‌های تاریخ انقلاب را، تاریخ دفاع مقدّس را قدر بدانید؛ این‌ها را باید خیلی قدر دانست و بین مردم هم منتشر بشود... «امام خامنه ای»

۸۰ کشور تجهیزکننده صدام در جنگ با ایران

هنگامی که عراق در شهریور ۱۳۵۹ حمله به ایران را آغاز کرد، شرایط دو کشور با یکدیگر کاملاً متفاوت بود؛ با آغاز جنگ ایران از هرگونه حمایت خارجی بی‌نصیب بود ولی رژیم بعثی عراق با پشتیبانی‌های جهانی وارد جنگ با ایران شده بود و کشورهای متعدد غربی و عربی به صدام هواپیما و امکانات راداری و پدافندی می‌دادند و مدرن‌ترین وسایل و تجهیزات را در اختیارش می‌گذاشتند.

علاوه بر این کمک‌های نظامی، انواع کمک‌های اقتصادی نیز عراق را پوشش می‌داد. در این نوشتار حامیان اصلی عراق در جنگ با ایران را در دو گروه حامیان غربی و پشتیبانان عربی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بر اساس اسناد ارائه شده در کتاب «جنگ ایران و عراق»، نوشته «پیرازوکس»، که توسط «انتشارات دانشگاه هاروارد» منتشر شده است، مجموع کمک‌های نظامی خارجی در دوره جنگ هشت ساله به عراق ارزشی در حدود ۸۰ میلیارد دلار و مجموع کمک‌های نظامی خارجی به جمهوری اسلامی در حدود ۲۴ میلیارد دلار بوده است. منظور از کمک نظامی معادل ارزش دلاری کلیه کمک‌ها و مساعدت‌های نظامی اعم از، تدارکاتی و مستشاری، آموزشی و خدماتی، فروش مستقیم و غیرمستقیم سلاح و تجهیزات نظامی و تعمیرات و قطعات یدکی آن، کالاهای غیرنظامی که به نوعی در جنگ و در پشتیبانی از نظامیان از آن‌ها استفاده می‌شود (مثل امکانات درمانی و بیمارستانی)، کمک‌های نقدی و اعتباری و هر گونه تسهیلات مشابه دیگر مثل وام برای خریدهای مورد نیاز نظامیان است که در جریان جنگ به دولت پذیرنده ارائه می‌شود.

جنگ ایران و عراق، مبتنی بر قاعده هژمونی و رویارویی مستقیم نبود و رویکرد توازن قوا (در کنار دو رویکرد برخورد مستقیم یا هژمونی و رویکرد چندجانبه گرایی) از اصول انکارناپذیر این جنگ خصوصا در حمایت از طرف عراقی برای مهار انقلاب بود.

اتحاد جماهیر شوروی در راس کشورهای کمک‌کننده به عراق در جنگ با ایران قرار داشت. ارزش مجموع کمک‌های نظامی شوروی به عراق دست کم ۳۰ میلیارد دلار بوده که در برخی از منابع تا ۴۰ میلیارد هم تخمین زده شده است. این رقم نشان می‌دهد نیمی از همه کمک‌های خارجی که صدام برای جنگیدن با ایران دریافت کرده، از سوی شوروی تامین شده است.

پس از شوروی، فرانسه با ۱۷ میلیارد دلار، چین ۶ میلیارد، ایتالیا نزدیک به ۴ میلیارد، مصر ۳ میلیارد، برزیل ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار و یوگسلاوی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، در ردیف‌های بعدی کمک نظامی به عراق هستند.

کشورهایی که کمتر از یک میلیارد دلار به صدام در زمان جنگ با ایران کمک کردند عبارتند از رومانی، لهستان، چکسلواکی، اتریش، مجارستان، آفریقای جنوبی، آلمان غربی، اسپانیا، سوئیس و سوئد. بر اساس کتاب جنگ ایران و عراق، نوشته رازوکس، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات، بحرین، قطر و عمان کمک‌های بسیار ناچیزی به صدام کردند که رقم آن‌ها کمتر از ۵۰ میلیون دلار بوده است.

از طرف دیگر با وجود اینکه کشورهای حوزه خلیج فارس، خصوصا عربستان سعودی یکی از تامین‌کنندگان مالی عراق در جنگ با ایران معرفی می‌شوند. بر اساس آرشیو اسناد ملی عراق پس از سقوط صدام حسین و تطبیق با اسناد وزارت دفاع آمریکا مشخص می‌شود که، کمک‌های مالی کشورهای خلیج فارس به صدام در حدی است که در مقایسه با کمک عظیم شوروی، می‌توان از آن‌ها صرف نظر کرد.

اما در ۲۴ میلیارد کمک خارجی به ایران در زمان جنگ چه کشورهایی نقش اصلی را داشته‌اند؟ چین و کره شمالی با کمک مالی هریک به ارزش تخمینی ۳ میلیارد دلار (در مجموع ۶ میلیارد) در بالای فهرست کمک‌کنندگان به جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند. لیبی با ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، شوروی ۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار، کره جنوبی ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیارد دلار، دیگر کمک‌کنندگان اصلی به ایران بوده‌اند.

بلغارستان، سوریه، پرتغال، اسپانیا، بریتانیا، سوئد، ایتالیا، فرانسه، اتریش، برزیل، سوئیس، یونان، آفریقای جنوبی و اتیوپی، در ردیف کشورهای هستند که کمتر از یک میلیارد در طول جنگ هشت ساله به ایران کمک کرده‌اند.

سوریه مهم‌ترین هم‌پیمان جمهوری اسلامی در این جنگ معادل ۸۰۰ میلیون دلار کمک کرد که کمتر از کمک کره جنوبی محسوب می‌شود که رابطه نزدیکی هم با جمهوری اسلامی ندارد.

ارزش مالی کمک‌های ایالات متحده به ایران در این جنگ هشت‌ساله معادل ۶۵۰ میلیون دلار بوده است. در مقابل کمک آمریکا به عراق ۲۵۰ میلیون دلار بوده است؛ یعنی ارزش مساعدت‌های نظامی آمریکا به ایران، تقریباً سه برابر ارزش کمک به عراق بوده است. بر خلاف آنچه تبلیغات رسمی جمهوری اسلامی می‌گوید ارزش کمک‌های نظامی ایالات متحده به ایران بیش از عراق بوده است و اتحاد جماهیر شوروی که جمهوری اسلامی وارث آن؛ یعنی روسیه را، «متحد استراتژیک» خود می‌داند، بیشترین مساعدت‌های نظامی به عراق را بر عهده داشته است؛ مساعدت‌هایی که به معنی نیمی از کمک‌های خارجی به عراق بوده‌اند.

از نکات بسیار قابل توجه تاریخ جنگ ایران و عراق این است که در جریان این نبرد هشت ساله، بیش از ۶۰ درصد از کمک‌های خارجی به عراق را کشورهای بلوک شرق به رهبری اتحاد جماهیر شوروی تامین کردند، در حالی که کمک‌های مالی و مساعدت‌های نظامی این گروه از کشورها به ایران در حدود ۱۰ درصد را تشکیل می‌دهند و آمریکا سهم بیشتری در کمک مستقیم و غیرمستقیم به جمهوری اسلامی دارد تا عراق تحت رهبری صدام که در نهایت توسط ایالات متحده سرنگون شد.

آمریکا در ابتدای جنگ گفت که مستقیماً از صدام حمایت نمی‌کنم، ولی امام (ره) از همان اول گفتند صدام یک دیوانه است که مهره آمریکاست و بعد با او رفتن پایگاه‌های آمریکا در عراق و مصر معلوم شد که همین‌طور بوده است. در کربلای ۴ و ۵ شوروی ۱۵۰ تانک در اختیار عراق قرار داد؛ فرانسوی‌ها نخستین هواپیماهای دور پرواز خود را به عراق دادند و آلمانی‌ها در حوزه شیمیایی و هسته‌ای هم سلاح و هم تکنولوژی‌اش را به عراق دادند.

کویت، امارات و عربستان هر سه با هم ۸۰ میلیارد دلار به صدام کمک کردند در حالی که ما در دوران جنگ سالانه فقط ۷ میلیارد دلار درآمد داشتیم و این در مقام قیاس نشان می‌دهد که ما در مقابل آن‌ها در چه وضعی بودیم و تنها با ایستادگی و جهاد و تلاش بود که در برابر این‌ها ایستادیم و پیروز شدیم.

باحول وقوه الهی، باتوسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک امام زمان (عج) و با رمزی زهرا (س) نوشتن «**کتاب هشتماد به یک؟! جلد پنجم**»، را شروع می‌کنیم تا انشاءالله مورد رضایت و خشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه

خمینی روح خدا

و خدا می داند که راه و رسم شهادت کورشدنی نیست

و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود...

They Stood So That We Could Remain

نقاوم النبقی

ایستادند
تا بمانیم

کمک های کشورهای عربی به صدام

در طول سال های جنگ، کشورهای عربی منطقه با نام نهادن صدام به عنوان «سردار و فاتح قادسیه»، «افتخار عرب» و «صلاح الدین ایوبی زمان»، میلیاردها دلار به حکومت صدام و رژیمش کمک کردند. خود صدام حسین پس از دستگیری، طی یک بازجویی در فوریه ۲۰۰۴ میلادی اعتراف کرد که بسیاری از کشورهای عربی در طول جنگ، عراق را از لحاظ مالی مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دادند.

تجاوز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم صدام به ایران و آغاز جنگی که طولانی ترین جنگ کلاسیک قرن بیستم لقب گرفت، صرفا یک درگیری نظامی میان دو کشور یا دو ارتش نبود. شرایط درگیری ها و یورش های که هدف آن تسخیر تهران در مدت زمان کوتاه بود به مرور علیه عراق پیش رفت و نهایتا در سوم خرداد ۶۱ با آزادسازی خرمشهر، توازن به نفع نیروهای ایرانی برگشت و نگرانی ها از نقش و نفوذ ایران در منطقه نه تنها برخی کشورهای عربی بلکه قدرت های جهانی را نیز به تکاپو انداخت. موضوع کتاب حاضر، حمایت های کشورهای عربی حاشیه

خلیج فارس در طول هشت سال از رژیم صدام است. این کشورها هر چند در اعلام مواضع رسمی، خود را بی طرف جلوه می‌دادند، اما در عمل هر آنچه در توان داشتند را به پای دیکتاتور عراق ریختند.

طبق گفته کارشناسان، نگرانی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس که آن‌ها را به سرازیر کردن انواع کمک‌ها به عراق واداشت؛ در وهله‌ی اول نفوذ معنوی انقلاب اسلامی ایران و احتمال وقوع خیزش‌هایی در این کشورها و در وهله‌ی دوم، روایت آمریکا از آن جهت که پیروزی ایران در جنگ می‌توانست موازنه قدرت را به شدت تغییر دهد؛ بود. یعنی آن‌ها پیروزی ایران در جنگ را یک خطر موجودیتی برای خود می‌پنداشتند و از زاویه دیگر آمریکا به هیچ وجه به برتری ایران در منطقه رضایت نمی‌داد. انگیزه‌های ناسیونالیستی برخی کشورها در حمایت از رژیم صدام را نیز تا حدودی می‌توان لحاظ کرد.

«میسر الشمری» روزنامه‌نگار عربستانی که مراحل مختلف جنگ ایران و عراق را پوشش داده است، به شبکه بی بی سی در این باره می‌گوید: «همراه با انقلاب ایران در ۱۹۷۹، علی‌رغم سخنان رهبر انقلاب ایران

(امام خمینی) در خصوص ضرورت آزادسازی قدس و مبارزه با اسرائیل، در رسانه‌ها و افکار عمومی کشورهای خلیج [فارس] به شدت در خصوص خطر ایران تبلیغ شد.»

وی معتقد است که حمایت کشورهای عربی خلیج فارس از عراق، پس از سال ۱۹۸۴ که نیروهای ایرانی توانستند بغداد را در تیررس سلاح‌های خود قرار دهند، به شکل رسمی افزایش یافت.

«مصطفی العانی» مدیر پژوهش‌های امنیتی و دفاعی مرکز پژوهش‌های «الخلیج» امارات نیز در مقاله‌ای مدعی است که پس از ورود ایران به خاک عراق و سنگینی توازن جنگ به نفع تهران، کشورهای عربی خلیج فارس به شدت احساس خطر کرده و کمک‌های خود به عراق را آغاز کردند. به گفته‌ی وی **کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مجموعاً در طول هشت سال ۵۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. (این رقم در منابع دیگر تا ۲۰۰ میلیارد دلار نیز ذکر شده است).**

یکی از فرماندهان جنگ در همین رابطه می‌گوید: «در بسیاری از عملیات‌ها نظیر خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵، حقیقتاً ماشین نظامی عراق

از هم پاشیده شد؛ اما به چند ماه نمی‌کشید که صدام پس از هر کدام از این عملیات‌ها، با امکانات بیشتر و جدیدتر وارد منطقه می‌شد. این مسأله حاصل نمی‌شد جز با پول عرب‌های منطقه و حمایت‌های غرب و شرق». در ادامه خواهید خواند که کمک‌های این کشورها طیف وسیعی را شامل می‌شد، از وام‌های بلا عوض تا پشتیبانی لجستیکی و تلاش‌ها برای افزایش تولید و پایین آوردن قیمت نفت جهت ضربه به اقتصاد ایران در مجموعه حمایت‌ها جای می‌گیرد.



حجم کمک‌های مالی کشورهای جنوبی خلیج فارس به عراق، با توجه به ذات این کمک‌ها هیچ زمانی به طور رسمی و ثبت شده مشخص نخواهد بود. اندیشکده گلوبال سکيوریتی، حجم کمک‌های مالی سه کشور عربستان، کویت و امارات را تقریباً ۴۶ میلیارد دلار ذکر کرده است. این رقم جدای از کمک‌های بلا عوض محاسبه شده است و به عنوان بدهی عراق به این کشورها محسوب می‌شود.

کارشناسان هزینه جنگی عراق را ماهانه بین ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد می‌کردند؛ در حالی که ارز حاصل از صدور روزانه ۸۹۳/۱ میلیون بشکه نفت به قیمت متوسط ۱۲ دلار برای هر بشکه، در سال‌های پایانی جنگ رقمی در حدود ۶۸۱ میلیون دلار در ماه بود و این حتی تکافوی هزینه جنگی عراق را نمی‌کرد؛ از این جهت نقش حمایت کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان در جنگ تحمیلی از عراق به خوبی آشکار می‌شود. منبع: به گزارش گروه سایر رسانه‌های دفاع پرس

اینجا مدرسه عشق است ...

گرفتند بهر شهادت

عشق و خوی

بسیجیان عاشق



کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

کمکهای اردن به عراق در طول جنگ تحمیلی

اردن که از پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابطه حسنه‌ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روز به روز نزدیکتر و عمیق‌تر شد؛ تا آنجا که ملك حسين صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده و با کمکهای سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان‌اش از جمله اعطای وامهای چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام کرد. در طول جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، تنها سیستم حمل و نقل به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چهارچوب شبکه‌ی حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد و بندر عقبه این کشور برای حمل و نقل سلاح و تجهیزات نظامی سبك و سنگین در اختیار عراق قرار گرفت. به علاوه ملك حسين که نظامیان اردن را برای سرکوبی مردم مسلمان ایران به عراق گسیل داشته بود، در نطقی اظهار داشته بود: "اگر ضرورت ایجاب کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام خواهیم کرد."

بی شک تنها توجه به گوشه‌هایی از اظهارات ملک حسین در جریان برگزاری جلسه‌ی عادی کابینه‌ی اردن در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲ (۱۹۸۰) موضع آن کشور را در قبال جنگ در حال وقوع بین ایران و عراق، نشان می‌داد: "وظیفه‌ی اعراب است که برای وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطرات، هرکجا که باشد همکاری کنند، ما وظیفه داریم که جهان اسلام را آرام و قرین همبستگی داشته باشیم؛ ما به عنوان کشوری عربی نباید اجازه دهیم هیچگونه تجاوزی از هر مصدر که باشد به هیچ جزیی از خاک عراق صورت گیرد." منبع : سایت اینترنتی خبرگزاری دانشجویان ایران _ تاریخ: ۱۳۸۲/۰۶/۲۴، ساعت: ۱۰:۴۱:۴

اصلی‌ترین حامی عربی عراق در ابتدا اردن بود. اردن که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رابطه حسنه‌ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روزبه‌روز نزدیک‌تر و عمیق‌تر شد تا آنجا که ملک حسین صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده و با کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان از جمله اعطای

وام‌های چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام کرد. روزنامه «گاردین» چاپ انگلستان، به نقل از منابع فلسطینی در بیروت به چاپ کیهان در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۵۹ می‌نویسد: «ملک حسین پادشاه اردن، حدود پنج‌هزار از نیروهای خود را به عراق اعزام داشته تا وظایف امنیت داخلی را به‌عهده بگیرند تا سربازان عراقی برای رفتن به جبهه جنگ با ایران آزاد باشند.» این روزنامه همچنین خاطرنشان کرد که ملک حسین نخستین رهبر یک کشور عربی بود که در جنگ ایران و عراق به طرفداری از عراق برخاست تا جایی که در جریان عملیات بیت‌المقدس، تعدادی از داوطلبان اردنی ارتش عراق نیز به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. بی‌شک تنها توجه به گوشه‌هایی از اظهارات ملک حسین در جریان برگزاری جلسه عادی کابینه اردن در فروردین ۱۳۵۹، موضع آن کشور را در قبال جنگ در حال وقوع بین ایران و عراق نشان می‌داد: «وظیفه اعراب است که برای وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطرات، هرکجا که باشد همکاری کنند، ما وظیفه داریم که جهان اسلام را آرام و قرین همبستگی داشته باشیم؛ ما

به عنوان کشوری عربی نباید اجازه دهیم هیچ گونه تجاوزی از هر
مصدری که باشد به هیچ جزئی از خاک عراق صورت گیرد.»



اردن که از پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابطه حسنه‌ای با ایران
نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس
سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روز
به روز نزدیکتر و عمیق‌تر شد؛ تا آنجا که ملک حسین صراحتاً به نفع
عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده و با کمکهای سیاسی، اقتصادی و
نظامی فراوان‌اش از جمله اعطای وامهای چند میلیون دلاری به عراق،
حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام کرد. در طول جنگ هشت

ساله بین ایران و عراق، تنها سیستم حمل و نقل به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چهارچوب شبکه‌ی حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد و بندر عقبه این کشور برای حمل و نقل سلاح و تجهیزات نظامی سبك و سنگین در اختیار عراق قرار گرفت. به علاوه ملك حسين كه نظامیان اردن را برای سرکوبی مردم مسلمان ایران به عراق گسیل داشته بود، در نطقی اظهار داشته بود: "اگر ضرورت ایجاب کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام خواهیم کرد." بی شك تنها توجه به گوشه‌هایی از اظهارات ملك حسين در جریان برگزاری جلسه‌ی عادی کابینه‌ی اردن در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲ (۱۹۸۰) موضع آن کشور را در قبال جنگ در حال وقوع بین ایران و عراق، نشان می‌داد: "وظیفه‌ی اعراب است كه برای وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطرات، هر كجا كه باشد همکاری كنند، ما وظیفه داریم كه جهان اسلام را آرام و قرین همبستگی داشته باشیم؛ ما به عنوان كشوری عربی نباید اجازه دهیم هیچگونه تجاوزی از هر مصدر كه باشد به هیچ جزیی از خاك عراق صورت گیرد." (منبع: ایسنا ۱۳۸۲/۷/۱)

۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰، ملک حسین پادشاه اردن نخستین کسی بود که به آغاز جنگ واکنش نشان داد و به طور تمام‌عیار در جبهه صدام حسین قرار گرفت. وی همزمان که اصل یکپارچگی اعراب را خاطرنشان می‌کرد، موضع‌گیری‌اش مبتنی بر سیاستی واقع‌گرایانه بود. شکست عراق، اردن را در موقعیتی به شدت نامطمئن و بدون عمق استراتژیک کافی برای مواجهه با اسرائیل قرار می‌داد. اردن همچنین از طرف سوریه و عربستان سعودی که هر دو به دنبال گسترش نفوذ خود در پادشاهی هاشمی بودند، در تنگنا قرار داشت. شاه حسین همچنین مظنون بود که روحانیون ایران بخواهند سلطنت وی را بی‌ثبات ساخته و آن را به یک جمهوری بنیادگرا تحت حکمرانی فلسطینی‌ها تبدیل کنند. به همین سبب به بغداد نزدیک شد.

حکومت عراق، در قبال دسترسی دائم به بندر عقبه اردن، امنیت و نفت ارزان را برای ملک حسین تضمین می‌کرد. در این راستا جاده میان عقبه و بغداد که با هزینه گزاف توسط صدام حسین مدرن‌سازی شده بود، به یک مسیر اصلی برای گذر مایحتاج عراق بدل شد.

اردن کشوری فقیر بود و ملک حسین نمی‌توانست کمک مالی چندانی به عراق کند، اما با تمام قوا به پشتیبانی دیپلماتیک از این کشور برخاست. به طور مشخص در شرایطی که ایالات متحده به طور مستقیم با صدام حسین در ارتباط نبود، وی نقش فرستاده آمریکایی‌ها را نزد صدام ایفا می‌کرد. در امور کمک‌های نظامی، ملک حسین به نیروی هوایی عراق اجازه داد هواپیماهای خود را در پایگاه هوایی H-5 اردن در حوالی مرز ایران مستقر و از آن برای سوخت‌گیری مجدد استفاده کند. وی همچنین خلبان‌های جنگنده‌های عراق را تشویق به نبرد آزمایشی در حریم هوایی اردن و با جنگنده‌های F-5 این کشور کرد که به جنگنده‌های ارتش ایران شباهت داشتند. به مهندسان عراقی نیز اجازه داد سیستم‌های دفاع موشک هاوک را که عیناً مشابه سیستم دفاعی ایران بود، بررسی و بهترین تاکتیک‌های گریز از آن را اتخاذ کنند. از سوی دیگر وی امکان تحویل تسلیحات به عراق را از طریق اردن میسر ساخت. پس از آنکه عراق نخستین جنگنده‌های میراژ F-1 را از فرانسه تحویل گرفت، ملک حسین بخشی از ناوگان جنگنده‌های F-1

خود را نیز در اختیار عراقی‌ها قرار داد؛ حدود ۱۰ فروند از جنگنده‌های اردنی با رنگ پرچم عراق به پرواز درآمدند، ۱۵ خلبان اردنی نیز در طول جنگ میراژهای عراق را به پرواز درآوردند. سرانجام از لحظه‌ای که ایرانی‌ها قدم به قلمروی عراق گذاشتند، ملک حسین تیپ مکانیزه «الیرموک» را به منظور کمک به صدام برای حفظ خط مقدم به عراق گسیل کرد.

در طی دوران تخاصم وی به چندین هزار داوطلب اردنی اجازه داد تا در ارتش عراق ثبت‌نام کنند. تعهد بی‌دریغ ملک حسین به عراق موجب شد، او مزایای اقتصادی گسترده‌ای را درو کند؛ عقبه به بندری موفق، ثروتمند و قلب اقتصادی پادشاهی اردن بدل شد، با گسترش تعداد کثیری از شرکت‌های حمل‌ونقل، شبکه جاده‌ای اردن پیشرفتی چشمگیر کرد و حق‌وحساب‌هایی که بابت قاچاق به عراق دریافت می‌شد به «امان» پایتخت اردن ظاهری شکل‌تر بخشید.

به گزارش ایسکانیوز - ۱ مهر ۱۳۹۹ - باشگاه خبرنگاران دانشجویی ایران

منبع: تاریخ ایرانی

در مجموع بسیاری از آمارها و گزارشها در خصوص حمایت جهان عرب و برخی از کشورها از جمله کویت، عربستان و اردن از عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران، به روشنی نشانگر آن است که عراق از جنبه‌های چشمگیر نظامی و اقتصادی از حمایت بی‌دریغ بسیاری از این کشورها، بهره‌مند بوده است.

یادآور می‌شود که در کنار حمایت‌های مالی و نظامی که این کشورها از عراق داشتند؛ حمایت‌های بسیار سیاسی نیز در ارگانه‌های بین‌المللی و همچنین از نظر تبلیغاتی دولت‌های عرب از عراق صورت می‌دادند که خود نیازمند يك بررسی مستقل و مجزا می‌باشد. همچنین تعدادی از کشورهای منطقه‌یی نیز حضور مستقیم در جنگ داشتند و با اعزام نیروهای خود به عراق رژیم بعثی را در مقابل ایران حمایت می‌کردند به گونه‌ای که با گذشت بیش از يك دهه از پایان جنگ، چند روز پیش حسنی مبارك، رئیس‌جمهور مصر اعتراف کرد که ۱۸ هزار سرباز مصری در کنار بعثی‌ها در مقابل ایران می‌جنگیدند. منبع : سایت اینترنتی خبرگزاری دانشجویان ایران - تاریخ: ۱۳۸۲/۰۶/۲۴، ساعت: ۱۰:۴۱:۴

کمک های عربستان به رژیم بعث



نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار کمک مالی به عراق کرد همراه با تمام امیر نشین های خلیج فارس از این ۳۰ میلیارد به نقل از رویترز ۲۷ میلیاردش کمک های عربستان بود که شامل ۵ میلیارد دلار اعتبار، ۶ میلیارد دلار کمک به صورت تولید نفت از جانب عراق در اثنای جنگ با ایران، ۹ میلیارد دلار وام بدون بهره و ۲ میلیارد دلار تجهیزات نظامی و حمل و نقل بود. کمک های عربستان به عراق به حدی زیاد بود که حتی وزیر دفاع عربستان گفت: عربستان حتی نوشابه های ارتش عراق را هم تامین میکرد.



ابعاد حمایت های عربستان از رژیم بعثی صدام در دوران جنگ تحمیلی

۸ فوریه ۱۹۸۰ (بهمن ۱۳۵۸) صدام حسین ملبس به یونیفورم زیتونی رنگ سنتی اش، بر صفحه تلویزیون ظاهر شد تا به منظور مقابله با آنچه «اقدامات تحریک آمیز ایران» می خواند، یکپارچگی همه ملت های عرب را برای کمک به خویش و با هر ابزار ممکن طلب کند. درخواستی که در عرض یک سال مورد حمایت اغلب کشورهای عربی و راس آن ها عربستان سعودی تحت خلافت ملک خالد (خالد بن عبدالعزیز آل سعود) قرار گرفت.

جنگ ایران و عراق واپسین جنگ تمام عیار در قرن بیستم بود. جنگ کلاسیک به مثابه نبردی خونبار میان دو کشور که بدون هیچ محدودیتی و با به کارگیری تمام ظرفیت و قوای انسانی، اقتصادی، سیاسی و مادی برای هشت سال ادامه یافت. در جنگ میان ایران و عراق مجموعاً دو میلیون سرباز مشارکت کردند و ایران به شکلی تراژیک حدود دویست هزار نفر شهید داد. همچنین اقتصاد ایران در یک بازه هشت ساله با خسارت بهت آور به ارزش ۶۵۰ میلیارد دلار مواجه شد.

پس از آتش مرگبار جنگنده‌های نیروی هوایی ایران به مواضع و زیر ساخت‌های عراق در هفته‌های نخستین پس از آغاز جنگ، ادامه نبرد صدام علیه ایران بدون کسب اطمینان از اینکه عربستان سعودی هزینه‌های این جنگ را در قالب کمک‌های چشمگیر نقدی و تامین ترانزیت تسلیحاتی برعهده می‌گیرد امکان‌پذیر نبود. بنابراین هرچند می‌شود به این ادعا که لشکرکشی صدام به مرزهای کشورمان با تحریک و تشویق اولیه عربستان سعودی صورت گرفته با دیده تردید نگریست، اما تقریباً هیچ تردیدی وجود ندارد که از ابتدای سال ۱۹۸۱ (زمستان ۱۳۵۹) به بعد عراق بدون استفاده از کمک‌های مالی سخاوت مندانه ملک خالد و دیگر شیخ‌نشین‌های نفتی به هیچ روی امکان پیشبرد حملات هولناک و خونین خود علیه خاک ایران را نداشته است. عراق در مجموع ۸۰ میلیارد دلار (چهار برابر ایران) برای تجهیز ارتش خود هزینه کرد و عربستان سعودی به تنهایی از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ (زمستان ۱۳۵۷ تا پایان جنگ) ۶۰ میلیارد دلار به صدام حسین کمک مالی کرد.

پیر رازو (PIERRE RAZOUX)، رئیس مؤسسه تحقیقات استراتژیک در پاریس در کتاب خود «جنگ ایران و عراق» که متکی بر حجم عظیمی از نوارهای ضبط شده در دفتر صدام حسین است، از جمله به نقش پررنگ عربستان سعودی در تامین مالی و لجستیک ارتش صدام برای هجوم به خاک ایران پرداخته است. در ادامه ترجمه بخش‌هایی از این کتاب منتشر شده است:

«با آنکه گزارش‌های بسیاری سفر صدام حسین به ریاض در تاریخ ۵ آگوست ۱۹۸۰ را تأیید می‌کند، همه توافق نظر دارند که این سفر نه به جهت دریافت چراغ سبز از دستگاه آمریکا که برعکس، برای مطلع کردن ملک خالد از برنامه خود برای یورش به ایران و دریافت حمایت‌های مالی بود. پادشاهی سعودی در ظاهر شرط و شروط خود را با رئیس جمهور عراق در میان گذاشت. گفته می‌شود که شاه سعودی هراس داشت که رویارویی با ایران ممکن است تهران را به سمت بی ثبات سازی پادشاهی‌های نفتی منطقه سوق دهد، حمله تازه‌ای که در آن زمان در مکه رخ داده بود، چنین باوری را در وی تقویت می‌کرد. گفته

می‌شود وی همچنین بر ضعف ارتش خود در صورت رویارویی مستقیم عربستان با ایران و همچنین خطر مداخله نظامی شوروی در منطقه تاکید کرده بود، امری که هم برای حکومت‌های خلیج فارس و هم برای ایالات متحده فاجعه‌بار محسوب می‌شد؛ اما چنانکه ادعا می‌شود وی بیش از هر چیز مصرانه توجه صدام را به خطراتی جلب کرد که جنگی بزرگ میان ایران و عراق، برای صنعت نفت به بار می‌آورد، مهمترین منبع درآمد پادشاهی آل سعود که صدام هم از آن طلب کمک داشت. چنین جنگی عربستان سعودی را به اتخاذ سیاست افزایش بهای نفت وادار می‌کرد. درست بر عکس استراتژی نفتی عربستان که استوار بر پایین نگاه داشتن بهای نفت بود. چنانکه ادعا می‌شود ملک خالد که قادر به تغییر رای صدام نبود، موافقت تاکتیکی خود را با او اعلام می‌کند، به این شرط که ارتش عراق از حمله به صنعت نفت ایران پرهیز کند تا چرخه تلافی‌جویانه‌ای که زیرساخت‌های نفتی کل منطقه را هدف قرار می‌داد، تشکیل نشود. **گفته می‌شود شاه سعودی به طور خصوصی به مشاوران خود گفته بود: «اگر صدام جنگ را ببرد، پیروزی اوست. اگر بیازد، تقصیر ما خواهد بود.»** منبع : به گزارش ایسکانیوز - ۱ مهر ۱۳۹۹

۲۰ نوامبر ۱۹۷۹، گروهی از زائران بنیادگرا چند صد تن از نمازگزاران را در مسجد اعظم مکه به گروگان درآوردند. آن‌ها خواستار جهاد علیه فساد حکومت سعودی شدند و سازشکاری عربستان سعودی را با دولت آمریکا محکوم کردند. پس از چند روز محاصره، نیروهای سعودی سرانجام دست به حمله زدند.

گروگانگیری به حمام خون بدل شد و ۱۳۵ کشته بر جای گذاشت. این تراژدی زنگ خطر را برای پادشاهی‌های خلیج فارس به صدا درآورد؛ احساس می‌کردند به آن‌ها حمله شده است، دیوهای قدیمی ضدشیعه درونشان به هوش آمد، موضوعی که صرفاً در خدمت سخنرانی‌های تندوتیز مقامات ایران قرار گرفت.

وضعیت زمانی بیشتر از کنترل خارج شد که ارتش شوروی ۲۶ دسامبر ۱۹۷۹ به یک‌باره برای برگرداندن ببرک کارمل، رئیس‌جمهور مارکسیست افغانستان به قدرت، این کشور را اشغال کرد. کاملاً روشن بود که کرملین آماده است از ضعف ظاهری ایالات متحده برای نقش‌آفرینی قدرتمند در خاورمیانه بهره گیرد. شیخ‌نشین‌های خلیج فارس از اینکه

شوروی به طور خطرناک به چاه‌های نفت آن‌ها نزدیک شده بود
بیمناک بودند. به محض شروع جنگ ایران و عراق، رهبران کشورهای
عربی دریافتند که باید دست به اتخاذ موضع بزنند. این موضع‌گیری به
ویژه از این جهت که بر مبنای یکی از سه جریان تبیین‌کننده روابط
بین‌الملل امکان‌پذیر نبود، دشوار به نظر می‌رسید: اولاً این جنگ در
ابتدا هیچ ارتباطی به رویارویی شرق و غرب نداشت.

ثانیاً ارتباطی به نزاع میان اسرائیل و اعراب نداشت تا به اعراب اجازه
دهد زیر یک پرچم گردهم آیند و ثالثاً هیچ دخلی هم به جنگ‌های
علیه استعمار نداشت؛ چراکه حکومت‌های عراق و ایران هر دو ادعای
ضداستعمارگرایی، ملی‌گرایی و جهان‌سومی داشتند. این جنگ دو ملت
مسلمان را به جان هم انداخته بود.

از این رو دشواری تعریف یک موضع‌گیری ایدئولوژیک که گزینه رهبران
عرب را جهت‌دهی کند، به قدری شکننده بود که جهان عرب در چندین
صف‌بندی اشتباه، کاملاً از هم منفک شدند: پادشاهی‌های محافظه‌کار
در برابر جمهوری‌های مترقی، رژیم‌های سکولار در برابر حکومت‌های

اسلام‌گرا، حکومت‌های حامی غرب در برابر حکومت‌های اسلام‌گرا و کشورهای ثروتمند علیه کشورهای تهی‌دست.

این شکاف‌های بعضاً ریشه‌ای و عمیق به موازات چهار موضوع اساسی که به انشقاق اتحادیه عرب منجر شده بود، پدیدار شد:

مساله فلسطین،

نزاع در یمن (میان مارکسیست‌های جنوب و شمالی‌های حامی آل‌سعود)،

نزاع صحرای غربی (میان مراکش و جبهه پولیساریو تحت حمایت الجزایر) و تعریف اوپک از یک سیاست مشترک نرخ‌گذاری.

رهبران عرب در مواجهه با جنگ ایران و عراق که فرای خطوط جداکننده مذکور قرار داشت، بر اساس منافع کشورهای خود دست به موضع‌گیری زدند، ذات روابط دوجانبه آن‌ها با بغداد و تهران و به طور ویژه رقابت‌های آن‌ها در این موضع‌گیری‌ها تاثیرگذار بود.

منبع: تاریخ ایرانی



شهید سید مرتضی آوینی:

شهدا همگی اصحاب آخرالزمانی سید الشهداء هستند.

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

حمله غافلگیرانه عراق به جمهوری اسلامی ایران

حمله غافلگیرانه عراق به جمهوری اسلامی ایران در شرایطی صورت گرفت که ایران به دلیل تحولات انقلاب، در شرایط نامناسبی به سر می‌برد و صدام در خیال خود می‌اندیشید که می‌تواند با استفاده از این شرایط، تهران را سه روزه فتح کند. در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی، بسیاری از کشورهای عربی و غربی دنیا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، با کمک‌های مالی، اطلاعاتی، لجستیکی و حتی نظامی خود از تجاوز نظامی صدام به ایران پشتیبانی کردند؛ برخی از کشورهای عربی آنچنان کمر همت در حمایت از صدام بسته بودند که مرور برخی اسناد و گزارش‌ها نشان می‌دهد آنها در ارائه کمک‌های مالی، نظامی و...

از یکدیگر سبقت می‌گرفتند، تا حدی که افتخار شلیک اولین گلوله به سوی ایران، نصیب ملک حسین شاه اردن شد که از داخل یک تانک شلیک کرد و به نمایندگی از سران کشورهای عرب شروع جنگ را به صدام تبریک گفت. از جمله کشورهای عربی که به حمایت مالی از عراق پرداختند، می‌توان به اردن، کویت، عربستان، امارات متحده، قطر،

عمان، بحرین، مراکش، سودان و سومالی اشاره کرد؛ اما کویت و عربستان با کمک های کلان مالی به عراق بخشی از هزینه -های این کشور را در زمان جنگ متحمل شدند؛ در واقع این دو کشور بار اصلی حمایت مالی از صدام را در طول هشت سال جنگ علیه ایران، به دوش کشیدند. ابعاد مختلف کمکهای عربستان سعودی به صدام را در دوران هشت ساله جنگ از نظر خواهیم گذراند.

الف - حمایت های سیاسی، تبلیغی و روانی

۱- ملک خالد، پادشاه وقت سعودی، ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۸۰ در گفت و گویی تلفنی با صدام، حمایت کشورش را از عراق در جنگ علیه ایران اعلام کرد.

۲- در طول سال های جنگ، کشورهای عربی منطقه منجمله عربستان به صدام لقب «سردار و فاتح قادسیه»، «افتخار عرب» و «صلاح الدین ایوبی زمان» دادند.

۳- آل سعود در سال ۱۳۶۱ امیرالحاج ایران را از مکه اخراج نمود.

۴- عربستان در اجلاس کشورهای عضو اتحادیه عرب در امان (۱۹۸۰) در تلاش بود حمایت اعراب را جلب و آنها را علیه ایران بسیج کند، اما با مخالفت سوریه به عنوان رهبر کشورهای جبهه پایداری عربی مواجه شد.

۵- در اوایل جنگ عبدالله بن عبدالعزيز، ولیعهد عربستان در دیدار با مقامات آمریکا اذعان داشت که کشورش از آمریکا توقع دارد به سایت-های موشک کرم ابریشم ایران حمله کند.

۶- نهم مردادماه ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) در موسم حج، دولت سعودی دست به کشتار وحشیانه حجاج شرکت کننده در مراسم برائت از مشرکین زد و بیش از ۴۰۰ حاجی را به شهادت رساند؛ ۳۲۵ نفر از شهدا ایرانی بودند.

۷- ۲۵ آوریل ۱۹۸۸ یعنی هشت ماه پس از کشته شدن زائران ایرانی، عربستان سعودی به طور یکجانبه به قطع مناسبات خود با ایران اقدام کرد و به دیپلمات‌های ایرانی مقیم یک هفته مهلت داد عربستان را ترک کنند.

۸- در سطوح منطقه ای و بین المللی سران سعودی با بهره مندی از ابزارهای متعدد نظیر شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و کنفرانس بین -المجالس اسلامی جهت منزوی نمودن ایران تلاش -نمودند.

۹- در دوران جنگ تحمیلی، عربستان سعودی تلاش -کرد شکاف قومی ایران و اعراب را برجسته کند و از طریق رسانه های وابسته به خود تبلیغ می نمود که ایران یها خصومتی دیرینه با اعراب دارند؟! سعودی ها تلاش داشتند با استفاده از حربه های قومی و تأکید بر ناسیونالیسم عربی، بین ایران و کشورهای عرب منطقه فاصله ایجاد نمایند؛ به همین دلیل در این دوران بر مقوله پان عربیسم تأکید می کردند.

۱۰- در آن سال ها، عربستان بر اساس طرح هشت ماده ای فهد، رژیم صهیونیستی را مورد شناسایی قرار داد که به انتقاد صریح و گسترده و راهپیمایی بزرگ ایرانیان و در نهایت شکست کنفرانس فاس (آذرماه سال ۱۳۶۰) منجر شد.

ب - کمک های اقتصادی و مالی

۱- سی میلیارد دلار از مجموع کمک هفتاد میلیارد دلاری کشورهای حوزه خلیج فارس به عراق، سهم عربستان بود.

۲- سال ۱۳۶۰ مطبوعات کویت گزارش دادند کویت و عربستان قرار است یک وام شش میلیارد دلاری در اختیار عراق قرار دهند. سهم کویت از این مبلغ، دو و سهم عربستان چهار میلیارد دلار تعیین شده بود.

۳- آنتونی کردزمن از سرشناس ترین تحلیل گران و کارشناسان نظامی آمریکا در یکی از گزارش های خود آورده است عربستان و کویت در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند؛ او گفته است بقای عراق به کمک های کویت و عربستان سعودی و سایر همسایگانش بسته بود.

۴- از سال ۱۹۸۲ کویت و عربستان توافق کردند عایدات صدور نفت از منطقه بی طرف الخفجی (روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه) به حساب عراق واریز شود. این توافقنامه تا سال ۱۹۸۶ اعتبار داشت و عراق درصدد تمدید آن برای یک سال دیگر بود.

۵- عراق، موافقت عربستان سعودی را برای اضافه کردن یک خط لوله به شبکه این کشور جلب کرد.

۶- خبرگزاری رویترز به نقل از ملک فهد عنوان کرد ارزش کمک های این کشور به عراق از جمله وام- های بدون بهره و سایر کمک ها به شکل محموله -های نفتی یا تجهیزات، بیش از ۲۷ /۵ میلیارد دلار است.

۷- عربستان در دوران هشت ساله جنگ با کاستن از قیمت نفت، تنها منبع درآمد ایران را به حداقل رساند.

۸- کمک های مالی عربستان در کنار حمایت های مالی غرب، به حدی چشمگیر بود که قدرت زمینی عراقی ها را تقویت کرد تا مانع برتری نظامی ایران و تغییر موازنه به سود این کشور شوند.

۹- پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام- های عراقی مبنی بر "جنگ با ایران به تنهایی"، ابوغزاله معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر، ادعای عراق را به- عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت: تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند.

۱۰- کویت در اواخر سال ۱۹۸۱ کمک مالی هفت میلیارد دلاری در اختیار عراق قرار داد؛ به دنبال آن، عربستان سعودی سه میلیارد دلار، امارات متحده عربی یک میلیارد دلار و قطر ۵۰۰ میلیون دلار به عراق کمک کردند. بغداد به کمک این دلارها، قرارداد تسلیحاتی با فرانسه به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار، قراردادی برای تحویل تانک با انگلستان به ارزش یک میلیارد دلار و قراردادی با لهستان برای تحویل تانک های روسی منعقد ساخت.

۱۱- کارشناسان، هزینه جنگی عراق را ماهانه بین ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد می کردند؛ در حالی که ارز حاصل از صدور روزانه ۸۹۳/۱ میلیون بشکه نفت به قیمت متوسط ۱۲ دلار برای هر بشکه، در سال های پایانی جنگ رقمی در حدود ۶۸۱ میلیون دلار در ماه بود و این حتی تکافوی هزینه جنگی عراق را نمی کرد؛ از این جهت نقش حمایت کشورهای عربی به -ویژه کویت و عربستان در جنگ تحمیلی از عراق به خوبی آشکار می شود.

ج - کمک های اطلاعاتی

۱- ۲۹ شهریور سال ۱۳۵۸ یعنی یک ماه مانده به آغاز جنگ، زمامداران عربستان سعودی به هنگام استقبال از صدام گزارش کاملی از وضعیت اقتصادی، نظامی و اجتماعی ایران و حتی تعداد نفرات ارتش، مواضع و تجهیزات نظامی قابل بهره‌برداری و سایر اطلاعات محرمانه ایران را که توسط دستگاه- های سری آمریکا جمع-آوری شده بود، به صدام دادند.

۲- تنها هشت روز پس از آغاز تهاجم صدام حسین به خاک ایران، پنج هواپیمای شناسایی آواکس متعلق به نیروی هوایی آمریکا برای شناسایی عملیات‌های هوایی ایران و اطلاع‌رسانی آن‌ها به ارتش عراق، به دولت عربستان سعودی تحویل شد.

۳- اوایل اکتبر ۱۹۸۰ عربستان قلمرو خود را در اختیار آمریکا قرار داد تا این کشور بتواند با عملیات اطلاعاتی و شناسایی چهار فروند آواکس خود در خلیج فارس، اوضاع منطقه را کنترل کند.

۴- آواکس از پیشرفته ترین هواپیماهای جاسوسی آن زمان و مجهز به مدرن- ترین تجهیزات راداری و سیستم های جاسوسی بود. دولت ریگان در سال ۱۹۸۱ با فروش پنج فروند آواکس به عربستان موافقت کرد و مجموعاً نه فروند از این هواپیما در عربستان مستقر شد که با ناو موشک انداز، رزم ناوها و ناوشکن های نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس و با هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۱۸ مستقر بر عرشه ناوهای هواپیمابر، ارتباط الکترونیک داشت.

در واقع پروژه آواکس ها در عربستان محور یک سیستم به هم پیوسته منطقه- ای بود که ۵۰ میلیارد دلار هزینه داشت و اطلاعات ارزشمندی برای آمریکا جمع-آوری می کرد. بعدها صدام فاش ساخت که در زمان جنگ از اطلاعات آواکس ها سود برده است.

د - کمک های نظامی

۱- پیمان امنیت متقابل عراق و عربستان، یک سال قبل از جنگ علیه ایران، امضاء شد.

۲- سوم اکتبر ۱۹۸۷، هواپیماهای شناسایی آواکس آمریکا متوجه شدند ۴۸ تا ۶۰ قایق تندروی ایران در نزدیکی جزیره خارک موضع گرفته- اند؛ آن-ها این موضوع را به اطلاع فرماندهی نیروهای عملیاتی خاورمیانه و فرماندهان سعودی رساندند. عربستان بلافاصله کشتی ها و جنگنده های اف ۱۵ و تورنادوی خود را به سمت نیروهای ایرانی اعزام کرد.

۳- ۱۳ مهر ۱۳۶۵ (برابر ۵ اکتبر ۱۹۸۷) جنگنده- های میراژ اف ۵۱ EQ عراقی که لارک را مورد حمله قرار دادند، در طول حمله سوخت خود را به پایان بردند و مجبور شدند در عربستان فرود بیایند و سوختگیری کنند؛ در حمله به لارک، چند کشتی ایرانی منهدم شد؛ این حمله، موفقیت های استراتژیک قابل توجهی برای عراق به همراه داشت.

۴- آمریکائی ها در جنگ نفت-کش -ها، برای تأمین امکانات پایگاهی لازم جهت بالگردها، نیروهای ویژه و دیگر تجهیزات و عناصر خود که در خلیج فارس مستقر بودند، با مشکلات جدی روبرو شدند؛ اما بحرین و عربستان امکاناتی نظیر سکو و اسکله برای آنها (بالاخص برای دو کشتی غول پیکر که می بایست به وسیله موشک های استینگر ویدافند

ضد موشکی فالانکس محافظت می شدند) فراهم کردند.

۵- پس از آسیب دیدن سوپر نفتکش بریجتون آمریکا در خلیج فارس، عربستان سعودی فعالیت چهار فروند کشتی مین یاب خود را گسترش داد تا به تسریع کشف مین های باقیمانده کمک نمایند.

۶- پس از واقعه بریجتون، آمریکایی ها اعلام کردند عربستان سعودی با استفاده نیروی هوایی آمریکا از هواپیماهای "آواکس e-3a" سعودی برای افزایش نظارت بر خلیج فارس، موافقت کرده است؛ همچنین بالگردهای سعودی به پاکسازی بندرگاه های کویت کمک کردند.

۹- عربستان همچنین بطور مخفیانه، تأمین سوخت کشتی ها و هواپیماها را بر عهده گرفت.

۱۰- در پانزدهم خرداد ماه سال ۱۳۶۳ بین جنگنده های ایران و عربستان درگیری هوایی به وقوع پیوست که در جریان آن دست-کم یک فروند فانتوم ایرانی هدف قرار گرفت و سرنگون شد.

۱۱- عربستان سعودی در سال ۱۹۸۸ اعلام کرد موشک- های بالستیک میان برد CSS-2 با برد ۱۶۰۰ مایل را از چین خریداری کرده و به سمت ایران نشانه گرفته است.

۱۲- با آغاز جنگ در سال ۱۹۸۰، پاریس چهار رزم ناو دو هزار تنی و ۲۴ هلی کوپتر جنگنده را به ریاض تحویل داد و قراردادی ۱۴ میلیارد دلاری برای تحویل تجهیزات نظامی نیروی دریایی با آن کشور منعقد کرد. بعدها پس از بروز اختلاف میان صدام و کشورهای حوزه خلیج فارس، ملک فهد پادشاه عربستان در سخنانی اظهار کرد:

اگر عراق می گوید افرادش را در جنگ با ایران فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح های پیشرفته و همکاری بین المللی در این فداکاری سهیم بوده ایم؛ وی اقدامات رهبر عراق را نشان ناسپاسی نسبت به حمایت های نظامی عربستان (در دوران جنگ ۸ ساله علیه ایران) ذکر کرد.

۱۳- عربستان، بنادر و فرودگاه‌های خود را در اختیار عراق قرار داد تا برای ترابری محموله‌های نظامی مورد نیاز ارتش از آن استفاده کند. آسمان کشورهای حاشیه خلیج فارس هم در اختیار عراق بود و هواپیماهای عراقی برای حمله به کشتی‌ها و مناطق حساس در خلیج فارس و تنگه هرمز و استان‌های جنوبی ایران از آسمان این کشورها استفاده کردند.

۱۴- در سال ۱۳۶۰ عربستان سعودی بنا به پیشنهاد دولت کویت اقدام به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس نمود. تشکیل این شورا به منظور تأمین امنیت کشورهای منطقه در برابر ایران و جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های انقلابی بود.

منبع: خبرگزاری صدا و سیما

ایستادیم

we resist

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

کمک های عربستان به صدام

حامی دیگر صدام در منطقه یعنی عربستان که در این دوران ارتباط ویژه‌ای با آمریکا برقرار کرده بود، با کاستن از قیمت نفت، تنها منبع درآمد ایران را به حداقل رساند. به علاوه مقامات عربستان مرتب با صدام ارتباط برقرار و او را دلگرم می‌کردند. برای نمونه، ملک خالد، پادشاه وقت سعودی، در گفت‌وگویی تلفنی با صدام در ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۸۰، حمایت کشورش از عراق را اعلام کرد. به این ترتیب عربستان را باید جدی‌ترین حامی عربی عراق در دوران جنگ محسوب کرد، به‌طوری که از مجموع کمک‌های مالی ۷۰ میلیارد دلاری کشورهای حوزه خلیج فارس به عراق در زمان جنگ با ایران، بیش از ۳۰ میلیارد دلار سهم عربستان بود.

عربستان سعودی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خود را در مقابل مفاهیم و آرمان‌های این انقلاب می‌دید و از همین رو پس از یورش رژیم صدام به ایران، از هیچ کمک و حمایتی برای مقابله با ایران دریغ نکرد. وقتی رژیم بعث به کویت حمله کرد، مقامات سعودی خود

به این کمک‌ها اذعان کردند. عربستان بیش از ۳۰ میلیارد دلار وام به عراق داد و در ادامه بدهی‌های عراق را پرداخت کرد. همچنین در سایه نا امنی خلیج فارس، نفت عراق را با احداث خط لوله‌ای به عربستان برد تا از آن‌جا به فروش برساند. از این خط لوله روزانه یک و نیم میلیون بشکه نفت صادر می‌شد.

از سال ۱۹۸۲ کویت و عربستان توافق کردند عایدات صدور نفت از منطقه بی طرف الخفجی (روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه) به حساب عراق واریز شود. این توافقنامه تا سال ۱۹۸۶ اعتبار داشت و عراق درصدد تمدید آن برای یک سال دیگر بود. عربستان همچنین به همراه کویت و اردن سواحل خود را برای ارسال سلاح و تجهیزات به سمت خاک عراق، در اختیار این کشور قرار دادند.

حمایت‌های سیاسی عربستان از رژیم وقت عراق نیز در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی قابل توجه بود. از سوی دیگر، عربستان سعودی تلاش کرد با افزایش تولید نفت، قیمت آن را که اصلی‌ترین منبع درآمد ایران بود کاهش

دهد؛ به گونه‌ای که ایران برای دو سال پیاپی هر بشکه نفت خود را شش دلار می‌فروخت. ریاض در بعد ارائه اطلاعات نظامی از ایران به عراق نیز فعال بود. این کشور با در اختیار گرفتن هواپیماهای شناسایی آواکس از آمریکا اقدام به جمع‌آوری اطلاعات نیروهای ایرانی و ارائه آن به صدام می‌کرد. در این رابطه، «بندر بن سلطان» سفیر وقت ریاض در واشنگتن گفته بود که عربستان به عنوان واسطه انتقال اطلاعات نظامی نیروهای ایرانی و همچنین توصیه‌های آمریکا به عراق عمل می‌کرد... منبع: به گزارش گروه سایر رسانه‌های دفاع پرس





تا آخر ایستاده ایم

Designer: Reza Sasanian
www.MogavematGraphic.blogfa.com

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

کَمک های کَویت

کویت کشوری با وسعتی در حدود ۱۷ هزار و ۸۱۷ کیلومتر مربع یکی از کوچکترین کشورهای حوزه خلیج فارس است. این کشور با وجود مساحت کم، به دلیل برخورداری از منابع غنی نفت و گاز، از ثروتمندترین صادرکنندگان نفت به شمار می‌رود، طوری که درآمد سرانه هر فرد کویتی بیش از ۱۸ هزار دلار است. کویت از طریق خشکی با کشورهای عراق (از شمال و غرب) و عربستان سعودی (از جنوب و غرب) هم‌مرز است و از ناحیه شرقی نیز از طریق خلیج فارس با ایران مرز مشترک آبی دارد.

پتانسیل اقتصادی بالای کویت و همسایگی با سه کشور بزرگ منطقه (عراق، عربستان سعودی و ایران) باعث شده است تا این کشور برای حفظ تمامیت ارضی خود، حضور فعالی در تحولات منطقه‌ای داشته باشد. از دهه ۷۰ تا عصر حاضر، کویت همواره، یکی از خبرسازترین کشورها در عرصه جهانی بوده و تاریخ سیاسی پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. اختلافات مرزی با عراق، موضع‌گیری در قبال جنگ

ایران و عراق، جنگ نفت‌کش‌ها، اشغال نظامی کویت به دست نیروهای عراق و جنگ اول و دوم خلیج فارس از مهم‌ترین چالش‌های این کشور طی سه دهه گذشته بوده است. جنگ هشت‌ساله ایران و عراق نیز در ابعاد گوناگون تأثیرات فراوانی بر کویت داشت. با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دولت کویت رسماً، با اعلام موضع بی‌طرفی، از دو کشور خواست تا از انجام هر اقدامی که حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کویت را به خطر اندازد، خودداری کنند.

با این وجود، این کشور با شروع جنگ عراق علیه ایران همچون سایر کشورهای عربی به یکی از حامیان عربی صدام تبدیل شد. براساس گزارش مرکز اسناد انقلاب اسلامی کویت نه تنها خاک و پایگاه هوایی خود را در اختیار عراق گذاشت،

حمایت همه‌جانبه کویت از رژیم صدام طی جنگ، به‌رغم اعلام بی‌طرفی اولیه، باعث شد دولت ایران نیز همواره، نسبت به سیاست‌های کویت در اعطای کمک‌های مالی و ترانزیت کالا برای عراق، فراهم کردن تسهیلات نظامی برای حملات آن کشور و دعوت از قدرت‌های فرا

منطقه‌ای برای حضور نظامی در خلیج فارس معترض باشد. هر چند اعتراضات ایران علیه دولت کویت گاهی، با هشدارهای عملی همراه بود، اما این کشور هیچ‌گاه، در پی گسترش جنگ به کشورهای همسایه برنیامد و تمرکز اصلی آن، تنها روی جنگ با عراق بود. در مقابل، عراق با موفقیت‌های ایران در عملیات‌های زمینی و تصرف مناطق حساسی، مانند بندر فاو، برای جبران شکست‌های خود، با استفاده از برتری نیروی هوایی، دامنه جنگ را به خلیج فارس گسترش داد. بدین ترتیب، و در روندی تعاملی، درگیری‌ها تشدید و پای کشورهای دیگر به جنگ کشیده شد. با آغاز جنگ نفت‌کش‌ها و هدف قرار گرفتن تأسیسات صدور نفت ایران و اجرای سیاست مقابله به مثل از سوی این کشور، بُعد جدیدی از نبرد در سال‌های آخر جنگ تحمیلی آغاز شد که به جنگ نفت‌کش‌ها معروف شد. در این جنگ، چندین فروند نفت‌کش کویتی هدف قرار گرفت. در ادامه با تشدید این جنگ، چندین موشک به مناطق مختلف کویت و پایانه‌های نفتی این کشور اصابت کرد. مقامات کویتی تمامی این اقدامات را به نیروهای نظامی ایران نسبت دادند و حتی در مواردی، شکایت‌هایی را علیه ایران در سازمان ملل مطرح

کردند. بالاخره جنگی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ توسط همه ظالمان جهان و به دست صدام بعثی به جمهوری اسلامی ایران تحمیل شده بود، بدون اینکه آنها به اهداف خود دست پیدا کنند در تابستان ۱۳۶۷ به پایان رسید. در پایان می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که یکی از دلایلی که کشورهای عربی را علیه ایران تحریک کرد ترس آن‌ها از وقوع انقلابی مشابه انقلاب ایران در آن کشورها بود. به همین دلیل، این کشورها با تجهیز عراق درصدد مبارزه با انقلاب نوپای ایران و جلوگیری از صدور آرمان‌های آن به کشورهای منطقه برخاستند ولی نقشه شوم آنها نتوانست مانع از صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران شود به طوری که اکنون شاهد الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران در منطقه در سطوح وسیع هستیم. منابع: دایرة المعارف جنگ

مجله نگین ایران، مقاله ۶، دوره ۲، شماره ۸، بهار ۱۳۸۳، ص ۷۵-۹۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

روابط عراق با کویت؛ تهران: مؤسسه مطالعات وزارت امور خارجه،

۱۳۷۳، ص ۱۳۶.

کویت که خود کمتر از دو سال پس از جنگ ایران و عراق هدف حمله صدام قرار گرفت؛ در طول جنگ هشت ساله از مهم‌ترین راههای تنفسی صدام به شمار می‌رفت. این کشور علاوه بر ۸ میلیارد دلار وام، ۱۴ میلیارد دلار نیز به عنوان وام بلاعوض به عراق داد و این علاوه بر نفتی است که کویت برای عراق صادر می‌کرد. «شیخ الصباح» یکی از سفرای کویت در آمریکا، در رابطه با میزان این کمک‌ها عنوان کرده بود: «کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است».

در همین حال عراق از مدت‌ها پیش از جنگ به دنبال تسلط بر سه جزیره کویتی بوبیان، فیلکه و وره بود تا بتواند محدودیت جغرافیایی خود را در دسترسی به خلیج فارس جبران کند. صدام در طول جنگ با جدیت هر چه تمام‌تر به دنبال تصاحب یا حداقل اجاره این جزایر برآمد. سرانجام در آبان ۶۳ مطبوعات کویتی از حصول توافق با بغداد برای اجازه استفاده عراق از جزایر سه‌گانه خبر دادند. این مسأله توانست قدرت مانور نظامی ارتش عراق را بسیار بالا برد به طوریکه

هواپیماها، هلیکوپترها و نیروهای اطلاعاتی رژیم عراق از موقعیت جزیره بوبیان بطور مکرر استفاده می‌کرده‌اند.

موقعیت جزیره بوبیان

بهره‌برداری‌های نظامی رژیم عراق از جزایر کویتی بر علیه مواضع نیروهای جمهوری اسلامی ایران، در جریان اقدام مشترک نیروهای آمریکایی، عراقی و کویتی در سال ۶۷ که به بازپس‌گیری شبه جزیره فاو و دیگر مناطق تحت تصرف ایران منجر شد، به اوج خود رسید.

علاوه بر دو کشور عربستان و کویت، دو کشور امارات و قطر تلاش می‌کردند خود را از آتش جنگ دور نگه دارند، به خصوص امارات که از احتمال انتقام‌جویی ایران بسیار در هراس بود؛ از این رو اقدام چندانی علیه ایران انجام ندادند و بیشتر تلاش خود را بر میانجیگری گذاشتند. هرچند امارات عربی یک میلیارد دلار و قطر پانصد میلیون دلار تا اواخر سال ۱۹۸۱ میلادی به عراق کمک کردند.

منبع: خبرگزاری فارس



علاوه بر اردن، کویت نیز جزو حامیان عربی صدام محسوب می‌شد. این کشور نه تنها خاک و پایگاه هوایی خود را در اختیار عراق گذاشت، بلکه ۱۴ میلیارد دلار پول نقد به عنوان وام بلاعوض به عراق داد و این

علاوه بر نفتی است که کویت برای عراق صادر می‌کرد. «شیخ الصباح»، یکی از سفرای کویت در آمریکا، در رابطه با میزان این کمک‌ها عنوان کرده بود: «کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است.»

کمک‌های کویت و عربستان به عراق

کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان با ارسال کمک‌های مالی و نظامی شان به عراق بخشی از هزینه‌های این کشور را در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران متحمل می‌شدند. برابر گزارش محرمانه‌ای که در آن مقطع زمانی منتشر شد، دو کشور یاد شده در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار را به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام‌های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، ابوغزاله، معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر، ادعای عراق را به عنوان يك دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت: «تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند.»

فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی اظهار کرده بود، "اگر عراق می‌گوید افرادش را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح‌های پیشرفته و همکاری بین‌المللی در این قتل و جنایت، سهیم بوده‌ایم".

وی اقدامات رهبری عراق را نشان ناسپاسی نسبت به حمایت‌های نظامی عربستان ذکر کرد. هم زمان، "شیخ الصباح" سفیر کویت در واشنگتن نیز در پاسخ به اظهارات عراقی‌ها گفته بود: "کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک‌های نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است؛ کویت در زمان جنگ بیش از نیاز نفت صادر می‌کرد تا به صدام در جنگ کمک کند." بعدها کویتی‌ها اذعان داشتند، افزون بر کمک‌های مالی، پایگاه نیروهای هوایی در اختیار عراق قرار دادند که همین امر به عراقی‌ها برای حمله به جزیره‌ی خارك، پایانه‌های نفتی ایران و نفت‌کش‌ها کمک شایانی کرده بود. عراقی‌ها تجهیزات و مواد خامی را که برای حملات نظامی به ایران نیاز داشتند؛ از ۲۰۰ شرکت در ۲۱ کشور جهان به دست می‌آوردند. غربی‌ها در نظر داشتند با کمک به عراق از برتری نظامی ایران و تغییر

موازنه به سود آن جلوگیری کنند. در نتیجه، این کمک‌ها همراه با حمایت‌های مالی کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس به ویژه عربستان و کویت، قدرت زمینی عراقی‌ها را بهبود بخشید و آنها توانستند با تکیه بر سلاح‌های فرانسوی و روسی توان هوایی‌شان را افزایش دهند.

نگاهی به وام‌ها و کمک‌های اقتصادی خارجی دولت کویت به عراق در طی سال‌های جنگ نشان می‌دهد که کویت یکی از عمده‌ترین وام‌دهندگان به عراق بوده است. کارشناسان هزینه‌ی جنگی عراق را ماهانه بین ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد می‌کردند؛ در حالی که ارزش حاصل از صدور روزانه ۱/۸۹۳ میلیون بشکه نفت به قیمت متوسط ۱۲ دلار برای هر شبکه در سال‌های پایانی جنگ، رقمی در حدود ۶۸۱ میلیون دلار در ماه بود و این حتی تکافوی هزینه جنگی عراق را نمی‌کرد. از این جهت مشارکت کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان در جنگ تحمیلی و حمایت از عراق به خوبی آشکار می‌شود. ملک خالد پادشاه عربستان سعودی نیز از صدام حسین حمایت کرد؛ اما با شور و هیجانی خفیف‌تر. واضح بود که او پشتیبان عراق است؛ چراکه این کشور را

سده‌ی طبیعی در مقابل صدور انقلاب تهاجمی حکومت ایران می‌دانست. صدام وی را در جریان نقشه‌هایش قرار داده بود و خالد چاره‌ای جز حمایت (از روی اکراه) از او پیش رو نداشت. پادشاه عربستان نسبت به دیکتاتور عراق محتاط و به جاه‌طلبی افراطی او مظنون بود؛ امری که نهایتاً می‌توانست تهدیدی علیه حکومت‌های شیخ‌نشین باشد. از دیدگاه او، برای صدام بسیار دشوار بود که پس از جنگ علیه ایران قدرتمندتر از گذشته شود. روش درست این بود که به اندازه‌ای از او حمایت شود که جنگ را به ایران نبازد، اما آن‌قدر ابزار در اختیارش قرار داده نشود که پیروزی چشمگیری به دست آورد. در حقیقت راه‌حل ایده‌آل برای ملک خالد این بود که وضع موجود تا ابد میان دو طرف جنگ ادامه یابد.

اولویت او این بود که پایگاه مالی و موقعیت برتر خود را در اوپک تقویت کند تا از حضور بیش از اندازه چشمگیر نیروهای نظامی خارجی در این کشور به خاطر احترام به خادم‌الحرمین بودن وی جلوگیری کند و نهایتاً ساختار امنیتی منطقه‌ای متمرکز در اطراف عربستان سعودی

طراحی کند تا به او اجازه دهد نزاع در دسرساز در یمن را در راستای منافع خود حل و فصل کند.

خالد می‌دانست که برای دست یافتن به این اهداف جاه طلبانه باید با عراق مدارا و با ملایمت با صدام برخورد کند. از همین رو در خصوص حمایت از عراق به صدام حسین اطمینان خاطر و به او قول داد وام‌های مهمی در اختیارش قرار دهد تا هزینه مالی جنگ علیه ایران تامین شود. او از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ عربستان ۶۰ میلیارد دلار به عراق پرداخت کرد. وی به عراق تضمین داد که حق ترانزیت خریدهای تسلیحاتی از کل جهان را در اختیارش قرار دهد. شاه آل سعود همچنین دریافت اجناس را برای این کشور ممکن ساخت.

در نهایت به منظور جبران درآمدهای ازدست‌رفته عراق، پادشاه عربستان پذیرفت از منطقه‌ای بی‌طرف در این کشور روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت استخراج کند و به فروش برساند. این منطقه بی‌طرف، ناحیه‌ای کوچک به مساحت ۲۷۰۰ مایل مربع (۷۰۰۰ کیلومتر مربع) میان عراق و عربستان سعودی و نتیجه توافق پادشاهی نجد و مندیت

(Mandate)، حاکم بریتانیایی، بر اساس پروتکل اوقیر (Uqair) در سال ۱۹۲۲ بود. این قرارداد توسط عراق و عربستان سعودی نیز اجرا شد. دو طرف اجازه داشتند آزادانه از این منطقه بهره‌برداری کنند به شرط آنکه هیچ‌گونه تاسیسات نظامی در آنجا بنا نکنند، این یادگار دوران گذشته پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۵۱ کنار گذاشته شد. راه دیگر پادشاهی‌های نفتی، بر اساس موضعی که اتخاذ می‌کردند، از هم جدا می‌شد. آن‌ها با اضطراب نبرد سه‌سویه میان ایران، عراق و عربستان سعودی را برای کنترل خلیج فارس تماشا می‌کردند و امیدوار بودند تاثیر نامطلوبی از این درگیری متوجه شان نشود.

شیخ جابر سوم پادشاه کویت و شیخ عیسی پادشاه بحرین محتاط‌تر و تودارتر از آن بودند که آشکارا از بغداد پشتیبانی و در نتیجه تهران را بی‌مهابا علیه خود تحریک کنند؛ چراکه می‌دانستند تا چه اندازه در مقابل ایران آسیب‌پذیرند.

کویت آگاه بود که مرز این کشور به قدر یک سنگفرش با ایران فاصله دارد؛ همچنین عمیقاً متوجه بود که عراق همواره رویای کویت را به

عنوان استان نوزدهم خود در سر می‌پروراند. او نگران بود که صدام از بلبشوی جنگ برای افزایش قدرت خویش بر این امارت بهره‌مند شود. بحرین نیز باید مراقب جمعیت عمدتاً شیعه خود می‌بود که مخفیانه مورد حمایت ایران قرار داشتند. خطر مسلم بی‌ثبات شدن بحرین با یادآوری خونریزی سال پیش در مکه دوچندان می‌شد، خونریزی که لرزه بر تن تمام رهبران خلیج فارس انداخته بود.

رهبران دو حکومت کویت و بحرین موضع‌گیری‌هایی متفاوت داشتند. شیخ جابر، مجدداً با قدرت به مخالفت خود با حضور نیروهای خارجی (شامل نیروهای عربی) در خاک کشورش تاکید کرد و تماس‌های متعددی برقرار کرد تا اعتقاد خود را به جامعه بین‌المللی نشان دهد و از اینکه در اختیار هر یک از طرفین تخاصم قرار گیرد سر باز زد. استراتژی او بر این اساس استوار بود که تا حد ممکن بازیگران بیشتری در خلیج فارس را وارد مهلکه کند. با این حال جابر واقع‌گرا بود و می‌دانست که باید صدام حسین را مدیریت کند. او محتاطانه وی را نسبت به کمک‌های مالی کویت مطمئن ساخت. در نتیجه این تصمیم، کویت

پس از عربستان سعودی به بزرگترین تامین‌کننده مالی عراق بدل شد: از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ کویت ۱۵ میلیارد دلار کمک مالی به بغداد اعطا کرد. شیخ عیسی برای ایفای نقش خود، تحت حمایت دولایه نظامی از سوی عربستان سعودی و ایالات متحده قرار گرفت و خواستار حضور نظامی پررنگ‌تر غرب در منطقه شد. شیخ خلیفه الثانی، پادشاه قطر که به ملک خالد نزدیک بود در صف عربستان سعودی ایستاد و آشکارا از صدام حسین پشتیبانی کرد؛ اما به صورت صوری از صدام حمایت مالی می‌کرد. شیخ زائد، حاکم ابوظبی و رئیس امارات متحده عربی موضعی خفیف اتخاذ و به خاطر یکپارچگی اعراب از بغداد جانبداری کرد؛ اما علی‌رغم اختلاف با تهران بر سر جزایر تنب و ابوموسی بر حفظ روابط صمیمانه با تهران تاکید داشت؛ طبیعتاً بندر نوساز جبل علی و شهر دوبی که به تازگی به کانون فعالیت‌های تجاری ایران تبدیل شده بودند، درآمدهای سرشاری برای امارات متحده عربی به ارمغان می‌آوردند. با این حال شیخ زائد ۵ میلیارد دلار به تلاش‌های خصمانه عراق در جنگ اختصاص داد. به گزارش ایسکانیوز، منبع: تاریخ ایرانی - ۱ مهر ۱۳۹۹



اللَّهُ أَكْبَرُ

شهادت زندگان

تأشقایق هست زندگی باید کرد

کتاب هشتم به یاد _ ناصر کاوه

فهرست برخی از کمک‌های کویت و عربستان به عراق در طول جنگ

۱- در اوایل سال ۱۳۶۰ مطبوعات کویت گزارش دادند که کویت و عربستان قرار است يك وام شش میلیارد دلاری در اختیار عراق قرار دهند. سهم کویت از این مبلغ، دو و سهم عربستان چهار میلیارد دلار تعیین شده بود.

۲- هفت ماه پس از اعطای وام نخست کویت به عراق، در تاریخ ۱۳۶۰/۸/۱۹ گزارشی مبنی بر واگذاری يك اعتبار ۴/۷ میلیون دلاری از سوی کویت به دولت عراق منتشر شد.

۳- در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۹ نیز واحد مرکزی خبر در تهران گزارش داد که دولت کویت در ادامه حمایت مالی‌اش از عراق، وامی به مبلغ هشت میلیون و ۹۰۰ هزار دینار کویتی به عراق خواهد پرداخت.

۴- کویت و عربستان توافق کردند که از سال ۱۹۸۲ عایدات صدور نفت از منطقه‌ی بی طرف (روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه) به حساب عراق ریخته شود. این توافقنامه تا سال ۱۹۸۶ اعتبار داشت و عراق درصدد تمديد آن برای یکسال دیگر بود. منابع: رودباری، سواء فیلی، کتاب سبز کویت، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ صفحات ۱۶۲ و ۱۶۳

عبرت تاریخ و انتقام الهی!؟

ماجرای «حمله صدام به کویت» و رهایی «ایران» از شر صدام و صدامیان!؟ در روز ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ اولین گروه آزادگان ایرانی به وطن بازگشتند، صدام «به طمع تسلط کویت و دسترسی به منابع و ذخائر آن کشور» برای اینکه خیالش از جانب حمله رزمندگان ایران آسوده باشد باهمه درخواست های ایران موفقیت کرد، خصوصا با پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ الجزیره ، که قبل از جنگ پاره کرده بود!؟ عقب‌نشینی از مرزهای، حتی اولین گروه اُسیران رابدون هیچگونه شروطی به ایران فرستاد!؟



دو روز پس از ارسال نامه صدام به رئیس جمهور ایران (هاشمی رفسنجانی)، پنج شنبه، دوم اگوست ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ۱۳۶۹) چند ساعت پس از قطع مذاکرات عراق و کویت بر سر تقسیم درآمد نفت یک منطقه مرزی، ارتش عراق به کویت حمله کرد و برق آسا این سرزمین را تصرف و ضمیمه خاک عراق کرد.



عراق با ۱۵۰ هزار نظامی به کویت حمله کرد، درحالیکه همه سربازان کویتی ۱۷ هزار نفر بودند. حمله نظامیان عراق با ۷۰۰ تانک، چهار اسکادران هوایی و کل ناوگان عراق آغاز شده بود. کاخ امیرکویت، ساختمان وزارت دفاع کویت و چند نقطه حساس دیگر را بمباران کردند.



«شیخ جابر احمد الصباح» امیر سابق کویت در خاطره ای اینگونه می‌گوید: در پایان کنفرانس زمانی که می‌خواستیم عراق را به مقصد کویت ترک کنیم؛ «صدام حسین» خود شخصا پشت فرمان اتومبیل ویژه بنز تشریفات نشست و هدایت خودرو را تا فرودگاه (بغداد) به

عهده گرفت. در اتومبیل فقط من بودم و او؛ در حالی که صدام سیگار برگ کوبایی بر لب داشت و فضای خودرو مملو از دود این سیگار شده بود در بین راه به او گفتم در کویت منتظرش هستیم و اولین سفر خارجی‌اش را به مقصد کویت داشته باشد. «صدام» هم با تکبیر جواب داد: کویت خانه ماست و می‌آییم.



وی ادامه می‌دهد که منظور او را آن موقع نفهمیدم و وقتی در حال فرار از کویت در تابستان ۱۹۹۰ میلادی بودم متوجه حرف آن مردک متکبر خبیث شدم و در همانجا آرزو کردم «کاش به او در جنگ با ایرانی‌ها کمک نمی‌کردم؛ او نمک‌شناس و نمک به حرام بود».

همراهان «امیر سابق کویت» می‌گویند: صدام حسین وقتی به کویت حمله کرد، امیر کویت در خواب بود و با وضعیتی پریشان او را به خاک عربستان منتقل کردند. «صدام حسین» چند روز بعد از اشغال نظامی کویت، «شیخ جابر احمد الصباح» را فردی عیاش و فاسد معرفی کرد و فیلمی از عیاشی‌های او را پخش نمود. صدام در پاسخ به این سوال خبرنگاری که چرا دیگر لباس نظامی نمی‌پوشد، گفت: من در کویت مردی مقابل خود نمی‌بینم. اگر در جنگ با ایرانی‌ها لباس نظامی می‌پوشیدم، به دلیل آن بود که آنها مرد جنگ بودند.



در ساعت ۲ نیمه شب به وقت محلی در تاریخ دوم اگوست ۱۹۹۰ ، زبده ترین نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق (شامل لشگر یکم حمورابی ،لشگر دوم «مدینه المنوره»،لشکر سوم مکانیزه توکل علی الله و لشکر ششم موتوریزه بخت النصر) و نیرو های ویژه ارتش عراق «هجوم به خاک کشور پادشاهی کویت» را آغاز کردند.



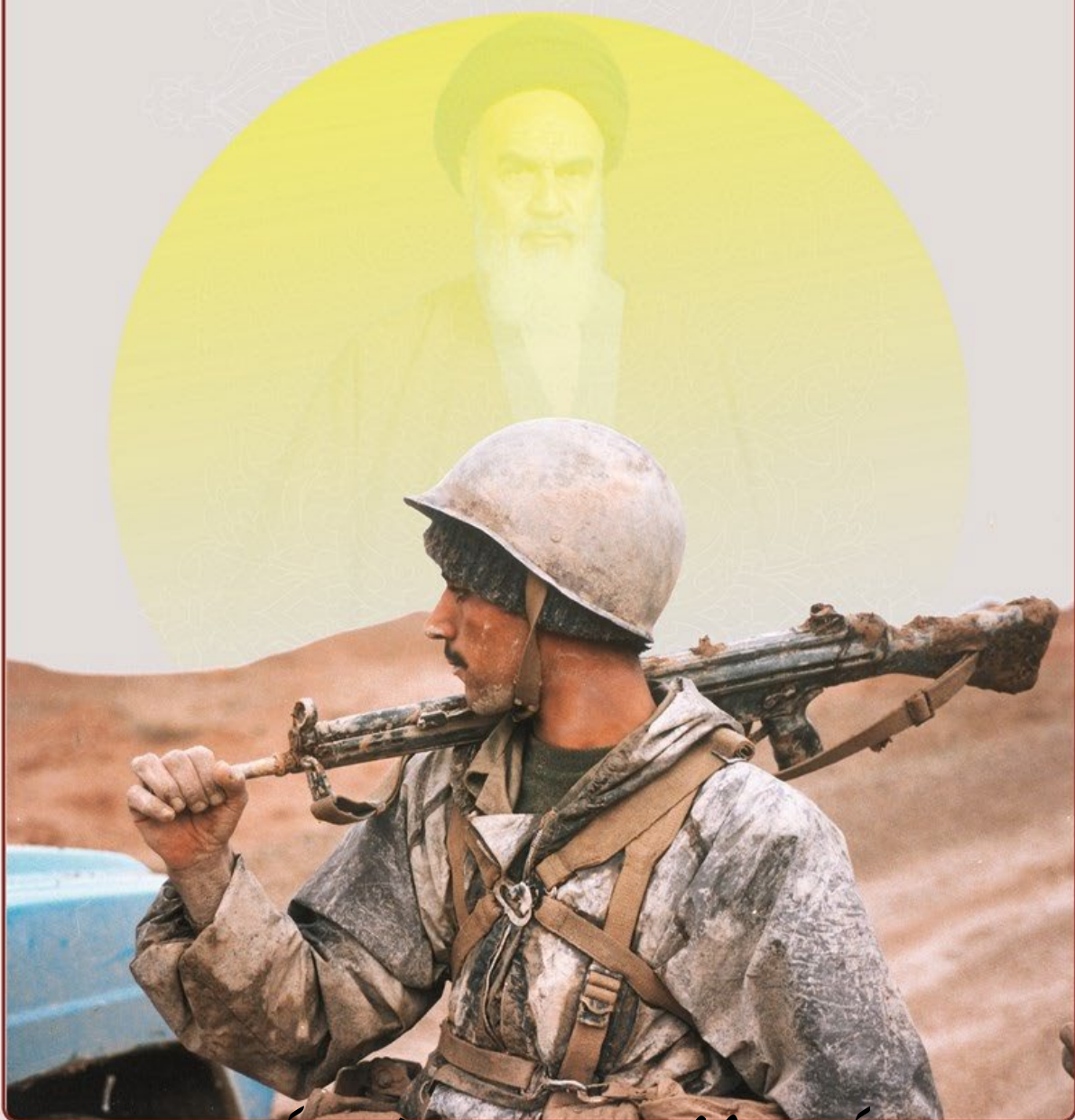
نقش محوری و اصلی ارتش بعثی عراق را در این هجوم کماندوهای ان ارتش بر عهده داشتند که بوسیله هلیکوپتر و قایق برای حمله به شهر کویت وارد خاک کویت شده و سایر نیروها نیز اقدام به تصرف فرودگاه ها و دو پایگاه هوایی کویت نمودند.

ارتش عراق برای حمایت از این واحد های عمل کننده خود اقدام به گسیل نمودن ۱ اسکادران هلیکوپتر میل ۲۵، تعدادی زیادی هلیکوپتر های ترابری میل ۸ و میل ۱۷ و ۱ اسکادران هلیکوپتر بل ۴۱۲ برای پشتیبانی نیروهای خود نمود. مهمترین مأموریت این هلیکوپترها نقل و انتقال و پشتیبانی از کماندوها در شهر کویت و سپس پشتیبانی از واحد های زمینی پیشروی کرده در خاک کویت بود.

نیروی هوایی ارتش عراق در آن مقطع دارای حداقل ۲ اسکادران سوخوی ۲۲، ۱ اسکادران سوخو ۲۵، ۱ اسکادران میراژ F1 و ۲ اسکادران میگ ۲۳ بود. مأموریت اصلی نیروی هوایی عراق در آن برهه کسب برتری هوایی در برابر اندک حملات و مقاومت های محدود جنگنده های نیروی هوایی کویت که از دو پایگاه هوایی موجود در خاک خود حملات شان را علیه متجاوزان انجام میدادند میشد. نیروی هوایی کویت در آن زمان شامل چندین فروند جنگنده میراژ اف ۱ و جنگنده داگلاس اسکای هاوک میگردد.

استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

امام خمینی (رحمه الله علیه)



کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

خسارات جنگ کویت

مشاور اقتصادی نخست‌وزیر عراق (مظهر محمد صالح)، می‌گوید این کشور از سال ۱۹۹۱ تاکنون، ۴۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار غرامت به خاطر تجاوز جنگی در دوران ریاست‌جمهوری صدام حسین به کویت پرداخت کرده است.

«مظهر صالح» روز سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۹ به روزنامه صباح عراق گفت بر اساس قطعنامه سازمان ملل که در سال ۱۹۹۱ تصویب شد، عراق به دلیل آسیب‌هایی که به شرکت‌ها، افراد، نهادهای دولتی و دارایی‌های کویت در جریان حمله سال ۱۹۹۰ زده است، باید ۵۲.۴ میلیارد دلار غرامت به این کشور بپردازد.

او گفت از سال ۱۹۹۱ تاکنون همواره سه درصد از درآمدهای نفتی کشور برای پرداخت غرامت به کویت صرف شده است و هم اکنون فقط ۲.۵ میلیارد دلار بدهی به این کشور داریم، احتمالاً تا پایان سال بدهی عراق به کویت تسویه خواهد شد.

اردیبهشت پارسال، «حنین القدو» یکی از مشاوران دولت عراق به خبرگزاری آناتولی ترکیه گفته بود دولت بغداد از کویت خواهش کرده که پرداخت ۳.۷ میلیارد بدهی مانده از مبلغ غرامت به تاخیر انداخته شود. اظهارات آقای صالح نشان می‌دهد به رغم خواهش دولت عراق، پرداخت غرامت به این کشور از اردیبهشت پارسال ادامه داشته و هم اکنون ۲.۵ میلیارد دلار آن باقی مانده است.

خسارات جنگ ایران چرا پرداخت نشد؟

بر اساس قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد باید طرف مقصر مشخص می‌شد و سه سال بعد از جنگ کویت، عراق مسئول آغاز جنگ با ایران شناخته شد؛ اما ایران بعد از سقوط صدام و روی کار آمدن دولتی شیعه در عراق، از پی‌گیری پرونده جنگ و تعیین رقم غرامت خودداری کرده است.

اگرچه گفته می‌شود که ۱۱۰۰ میلیارد دلار بابت غرامت خسارات مستقیم جنگ تحمیلی به ایران است و اما براساس یک آمار غیر رسمی که در

دهه‌های گذشته برآورد شده، جنگ هشت ساله بین دو کشور حدود ۳۵۰ میلیارد دلار به ایران خسارت زده است.

«سردار علیرضا افشار» معاون سابق ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، در خرداد ۱۳۸۶ در مصاحبه با خبرگزاری مهر گفته بود تنها مشکلی که در حال حاضر وجود دارد دولت فعلی عراق است که باعث شده موضوع تامین خسارت‌ها غیر فعال بماند به گونه‌ای که از سوی مسئولان عراقی از ایران خواسته شده تا ما خسارت‌ها را ببخشیم که جمهوری اسلامی ایران نیز در این خصوص جوابی نداده است.

به گفته آقای افشار، شرایط فعلی عراق باعث شده است که اکنون حرفی از گرفتن خسارت نشود، زیرا امنیت عراق برای جمهوری اسلامی مهم است، البته ایران از دریافت غرامت منصرف نشده و «مصلح نظام» است که باعث شده تا این موضوع تعقیب نشود.

منابع: روزنامه صباح، آناتولی، رادیو فردا _ ۱۲ اسفند ۱۳۹۹



ایران چقدر در جنگ تحمیلی خسارت دید؟

برپایه گزارش سازمان ملل در سال ۱۳۷۰



دوسوم جمعیت

درگیر نبرد و هدف حمله‌هایی
هوایی و موشکی
جمعیت ۵۰ میلیون نفر در آن زمان



۱۱ استان

دیگر مورد حمله هوایی
و موشکی
از ۲۴ استان کشور



۵ استان

در صحنه‌ی نبرد
از ۲۴ استان کشور در آن زمان



۹۷ میلیارد دلار

خسارات وارده
برآورد ایران: ۱۰۰۰ میلیارد دلار

mardomsalari.ir | @mardomsalari1



بیش از ۱۹۰.۰۰۰ واحد

خانه‌ی خسارت‌دیده



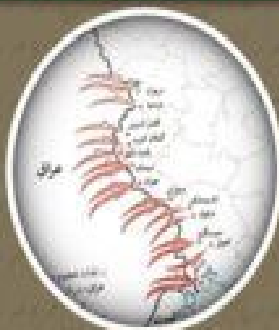
بیش از ۱۳.۰۰۰ واحد

خانه‌ی ویران‌شده



بیش از ۴۰۰۰ روستا

زبان‌دیده



بیش از ۵۰ شهر

زبان‌دیده



۲۱۳.۲۵۵ نفر

شهید جنگ تحمیلی



۳ درصد

کاهش تولید ناخالص ملی



۸۰۰ واحد

صنایع سنگ و سنگین



۱.۲۵۰.۰۰۰ نفر

ناچار به ترک خانه و کاشانه

کتاب هشتم به یک - ناصر کاوه

بزرگراه مرگ: اتوبانی که به گورستان هزاران سرباز عراقی تبدیل شد

در شب ۲۷ فوریه ی سال ۱۹۹۱ هزاران سرباز و غیر نظامی عراقی بعد از آن که آتش بس اعلام شد در حال عقب نشینی از کویت اشغالی به سمت بغداد بودند که به دستور جرج بوش پدر، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، قتل عام شدند و اینگونه بود که بزرگراه مرگ در مرز عراق و کویت خلق شد. سالها پیش یکی از بزرگترین کشتارهای جنگی تاریخ در عراق و در بزرگراهی به نام بزرگراه شماره ی ۸۰ (Highway 80) در سی کیلومتری غرب شهر کویت (پایتخت کشور کویت) رخ داد.



به گزارش روزیاتو، در شب ۲۷ فوریه ی سال ۱۹۹۱ هزاران سرباز و غیر نظامی عراقی بعد از آن که آتش بس اعلام شد در حال عقب نشینی از کویت اشغالی به سمت بغداد بودند که به دستور جرج بوش پدر، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، قتل عام شدند و اینگونه بود که بزرگراه مرگ در مرز عراق و کویت خلق شد.



جنگنده های نیروهای ائتلاف با هدف قرار دادن خودروهایی که در قسمت عقب و جلو این کاروان در این بزرگراه در حال حرکت بودند نظامیان و غیر نظامیان عراقی را متوقف کرده و سپس برای ساعت ها این کاروان را زیر رگبار مسلسل ها و بمب های خود قرار دادند.

بعد از پایان بمباران و کشتارها، بیش از ۲.۰۰۰ خودروی منهدم شده و جنازه های سوخته و پاره پاره شده ی ده ها هزار عراقی در گستره ای به وسعت چندین کیلومتر باقی مانده بود که بعدها به «بزرگراه مرگ» (Highway of Death) مشهور شد. صدها نفر دیگر نیز در بزرگراه دیگری به نام «بزرگراه شماره ی ۸» (Highway 8) که به بصره منتهی می شد به خاک و خون کشیده شدند.



برخی از صحنه های کشتار انجام گرفته در این دو بزرگراه به تصاویر فراموش نشدنی جنگ خلیج فارس (Gulf War) تبدیل شد.



یک روز قبل از این واقعه، رادیو بغداد اعلام کرد که وزیر امور خارجه ی عراق پیشنهاد صلح ارائه شده از سوی شوروی را پذیرفته و بر اساس قطعنامه ی ۶۶۰ سازمان ملل به تمامی نیروهای خود دستور داده است که از خاک کویت عقب نشینی کنند. با این وجود جرج بوش این ادعا را باور نکرده و بعدها در اظهاراتش در این باره چنین گفت: هیچ مدرکی دال بر عقب نشینی نیروهای عراقی وجود نداشت. در واقع واحدهای

نظامی عراقی در حال ادامه ی جنگ بودند... و ما نیز ناچار بودیم جنگ را ادامه دهیم. روز بعد رییس جمهور عراق شخصاً در رادیو حاضر شد و اعلام کرد که عقب نشینی از طریق دو بزرگراه مذکور آغاز شده و در همان روز به پایان خواهد رسید اما جرج بوش این سخنان را «اهانت» و «حقه ای بی رحمانه» خواند.



ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا و استراتژیست های نظامی این کشور به جای این که پیشنهاد عراق برای تسلیم شدن و عقب نشینی کردن از کویت و ترک میدان نبرد را پذیرفته و به راه حلی تن دهند که

بعدها برای ایالات متحده دردرساز شود تصمیم گرفتند به هر اندازه که می توانند به ماشین جنگی صدام صدمه وارد کنند.

بدین ترتیب در نیمه شب ۲۷ فوریه ی ۱۹۹۱ جت های آمریکایی و کانادایی خودروهای عقب و جلو کاروانی که در دو بزرگراه یاد شده در حال حرکت بودند را منهدم کردند تا کاروان در تله افتاده راهی برای فرار به جلو یا عقب نداشته باشد. سپس بمباران نظامیان و غیرنظامیان عراقی که برای بدست آوردن غنیمت به کویت رفته بودند آغاز شد.



فرمانده ارشد ستاد مرکزی ارتش آمریکا دستوری از طرف رئیس جمهور دریافت کرد که در آن آمده بود "نگذارید کسی یا چیزی از کویت خارج

شود". بدین ترتیب هر خودرویی که از بزرگراه خارج شده و قصد داشت خود را از مهلکه برهاند نیز مورد تعقیب قرار گرفته و منهدم شد. حتی آن دسته از سربازان عراقی که سلاح های خود را زمین گذاشته و تسلیم شده بودند نیز توسط مسلسل جنگنده ها قتل عام شدند. هیچ عراقی حاضر در آن دو بزرگراه از این کشتار جان سالم به در نبرد. یک روزنامه نگار لبنانی، آمریکایی به نام جویس چدیاک (Joyce Chediac) در مورد این حادثه چنین می نویسد: "خودروها و کامیون ها چنان بمباران شده بودند که در زمین فرو رفته و معلوم نبود راننده ای داخل آن ها وجود دارد یا خیر. شیشه ی جلوی همه ی خودروها ذوب شده و تانک های بزرگ به تکه های کوچکی به اندازه ی ترکش تبدیل شده بودند". وی ادامه می دهد: "کشتار سربازان عراقی در شرایطی که آن ها در حالت عقب نشینی به سر می بردند نقض صریح ماده ی سوم کنوانسیون ژنو در سال ۱۹۴۹ محسوب می شود که کشتن سربازان خارج از میدان نبرد را ممنوع کرده است. نیروهای عراقی برخلاف آن چه که دولت جرج بوش اعلام کرده اند توسط نیروهای ایالات متحده آمریکا از کویت بیرون رانده نشده بودند. هدف آن ها از عقب نشینی

سازماندهی مجدد و ادامه ی نبرد نبود. در واقع آن ها در حال عقب نشینی بوده و به سمت خانه هایشان می رفتند." چدیاک در ادامه ادعا می کند: " حمله به سربازانی که در حال برگشت به خانه های خود بودند با چنین شرایطی جنایت جنگی محسوب می شود".

سروان باب نوگنت (Bob Nugent) از افسران اطلاعاتی ارتش ایالات متحده می گوید: "حتی در ویتنام نیز من شاهد چنین اتفاقی نبودم. واقعاً شرم آور است".

روزنامه نگاری به نام مالکوم لاگاش (Malcom Lagauche) در این باره چنین می گوید: " ناراحت کننده ترین جنبه ی این اقدام مخفیانه انجام شدن آن بود. زمانی که روزنامه ی نیوزدی پرده از این ماجرا برداشت بسیاری شگفت زده شدند. به گفته ی اعضای مجلس نمایندگان و کمیته ی نیروهای نظامی سنا، پنتاگون جزئیات مربوط به این حمله را از آن ها پنهان نگه داشته بود".

رسانه های خبری نیز داستان های متفاوتی در مورد این کشتار ارائه کردند. فرماندهان ارشد نظامی ایالات متحده نیز سعی می کردند به همه بقبولانند که در واقع نیروهای عراقی عقب نشینی نکرده و توسط نیروی نظامی آمریکا عقب رانده شده بودند.



چهار سال بعد ژنرال نورمن شوارزکوف (Norman Schwarzkopf) سعی کرد اتفاقاتی که در بزرگراه مرگ اتفاق افتاده بود را چنین توجیه کند: "دلیل اصلی ما برای بمباران کردن بزرگراهی که از شمال کویت به

سمت عراق کشیده می شد این بود که تجهیزات نظامی بسیاری از این بزرگراه عبور می کرد و من نیز به تمام فرماندهان جنگ دستور دادم که هر گونه تجهیزات نظامی متعلق به کشور عراق را که می توانند نابود کنند. دوم این که این کاروان از افراد بی گناه و غیرنظامی که قصد بازگشت به خانه های خود را داشتند تشکیل نشده بود. آن ها یک مشت متجاوز، قاتل و جانی بودند که شهر کویت را غارت کرده و زنان و دختران کویتی را مورد تجاوز قرار داده بودند و حالا قصد داشتند قبل از آن که دستگیر شوند از این کشور فرار کنند."



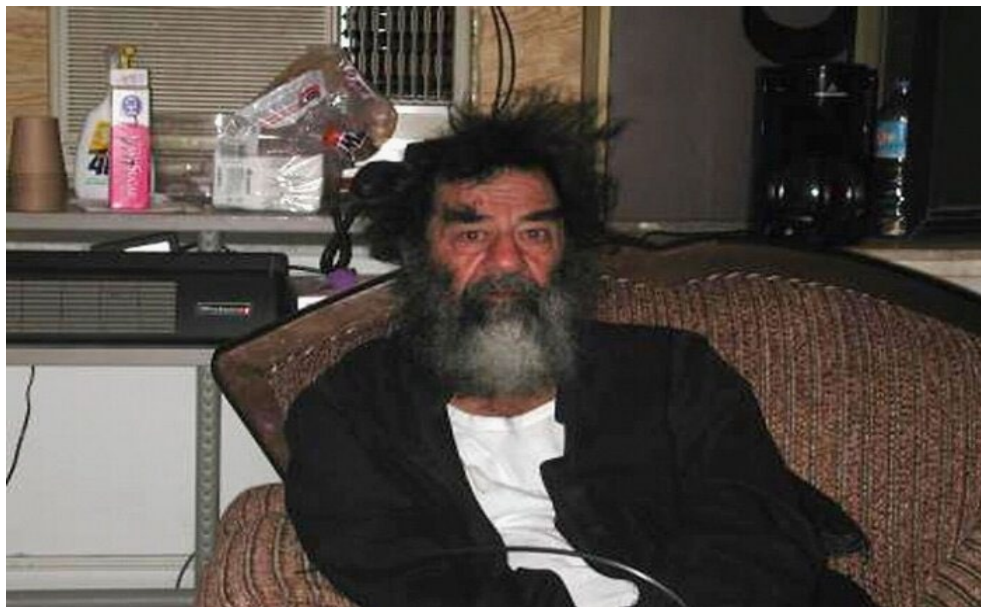
رام خمینی:

استمرار روح اسلام اقتلہ در پر تو جنگ تقویات



کتاب ہفتاد بہ یک — ناصر کاوہ

واقعیت هایی درباره سقوط صدام حسین



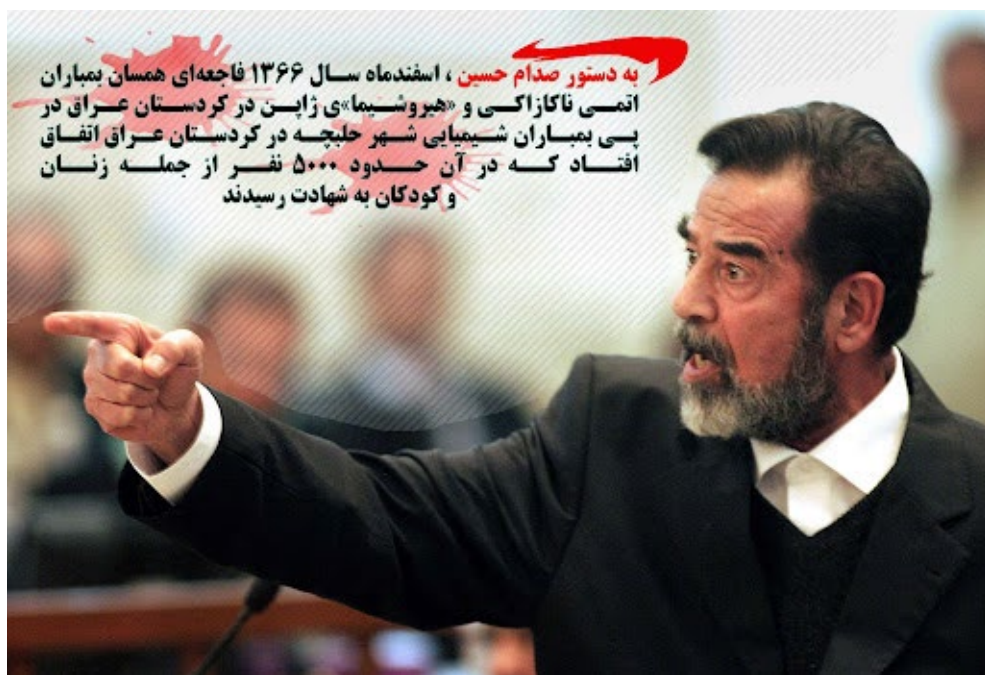
خودسری صدام حسین در حمله به کویت، تلاش برای قدرت‌نمایی در خاورمیانه و استفاده از سلاح‌های شیمیایی به ویژه علیه کردها زمینه زوال وی را فراهم آورد و با حمله آمریکا و متحدانش، حکومت این دیکتاتور پس از سال‌ها استبداد پایان پذیرفت تا بدین ترتیب، اعدام آخرین قطعه از زندگی او باشد.

صدام حسین دیکتاتور مخلوع عراقی در ۲۸ آوریل ۱۹۳۷ میلادی در خانواده ای فقیر در روستای عوجه مشرف به تکریت در ۱۵۰ کیلومتری

شمال بغداد دیده به جهان گشود، پدرش پیش از به دنیا آمدن صدام کشته و مادرش به همسری مرد دیگری درآمد. سرنوشت صدام تا ۱۰ سالگی به دست ناپدری خشن و پدربزرگی نامهربان افتاده بود. پدر بزرگش، او را وادار می ساخت که در ایستگاه قطار تکریت بر سر راه آهن بغداد به موصل هندوانه بفروشد. وی در ۱۰ سالگی نزد دایی خود خیرالله طلفاح که یک افسر ارتش بود، رفت و با ساجده دختر دایی خود ازدواج کرد که حاصل آن پنج فرزند بود که عدی و قصی پسرانش و رغد، رنا و حلا نیز سه دختر صدام بودند.

این دیکتاتور در آستانه ۲۰ سالگی به حزب بعث پیوست و با سرعت به یکی از اعضای فعال حزب بدل شد. صدام در ۱۹۵۹ میلادی با شرکت در عملیات ترور ناموفق عبدالکریم قاسم رئیس جمهوری وقت عراق، مجروح شد و پس از آن از طریق سوریه به مصر رفت و چهار سال بعد، پس از سرنگونی عبدالکریم قاسم به عراق بازگشت و سپس در ۱۹۶۸ میلادی با پیروزی حزب بعث در یک کودتا، رژیم سرکوبی در عراق حاکم شد که برجسته ترین فرد این دستگاه سرکوب، صدام ۳۱ ساله بود. وی

در ۱۹۷۹ میلادی با کنار زدن حسن البکر از قدرت به طور رسمی حکومت دیکتاتوری ۲۴ ساله خود را شروع کرد. بنابراین وی توانست از یک روستای فقیر به صدر هرم قدرت راه یابد. او در طول سال های فرمانروایی خود نه تنها جان صدها هزار عراقی را گرفت بلکه جنایات بی شماری علیه کشورهای همسایه به ویژه ایران و کویت انجام داد و کارنامه تاریکی از خود بر جای گذاشت.



در دوران جنگ با ایران، کشورهای خلیج فارس و غربیان میلیاردها دلار به رژیم بعث کمک کردند و با فروش مقادیر زیادی سلاح و مهمات به

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

صدام از این جنگ حمایت کردند. این جنگ به جنگی طولانی و پرهزینه از نظر مادی و انسانی تبدیل شد .

بعد از جنگ تحمیلی در دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی، صدام به بهانه اختلاف نفتی با کویت، به این کشور حمله کرد اما برخلاف حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس از رژیم بعث در جنگ ایران در کمک مالی جدید به صدام تردید کردند. ارتش رژیم بعث، ظرف چند ساعت همسایه جنوبی خود یعنی کویت را اشغال کرد اما این اقدام، بحران بزرگ بین‌المللی را به همراه داشت و به تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی متشکل از ۳۰ کشور به رهبری آمریکا منجر شد. این بحران همچنین به شکاف و دودستگی کشورهای عربی نیز انجامید.

پس از چند ماه از اشغال کویت، نیروهای ائتلاف، ارتش صدام را در چند روز از این کشور بیرون راندند. فشارهای بین‌المللی بر رژیم بعث ادامه یافت که با اتهام توسعه پنهانی سلاح های کشتار جمعی این کشور به اوج خود رسید. آمریکا و انگلیس این مساله را دستاویزی برای حمله به عراق و سرنگونی صدام حسین قرار دادند.

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

مرکز نشر آثار و خدمات فرهنگی
فرماندهی ران

با این شهروما

آنان در غربت جنگیدند و با مظلومیت به شهادت رسیدند و پیکرهای شان زیر
تانک‌های شیطان تکه تکه شد و به آب و باد و خاک و آتش پیوست اما... راز خون
آشکار شد. راز خون را حُر شهیدان نمی‌پایند. گردش خون در رگ‌های زندگی شیرین
است اما ریختن آن در پای محبوب، شیرین‌تر.

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

اشغال کویت بزرگترین اشتباه محاسباتی صدام

پایان جنگ با ایران مقارن با بروز کشمکش با همسایه ثروتمندی به نام کویت بود، صدام حسین که در طول هشت سال سپری شده در دستیابی به مقاصدش در حمله به ایران ناکام مانده بود، جهت تحقق رویاهایش این بار کویت را مورد هجوم قرار داد. سقوط اتحاد جماهیر شوروی و فروپاشی نظام ۲ قطبی، دست صدام را در این حمله باز گذاشته بود، به باور او رژیم عراق می توانست از خلاء قدرت موجود در جهان به بهترین وجه استفاده کند. دستیابی به آب های آزاد از طریق کویت را می توان دیگر دلیلی دانست که صدام حسین، کویت را استانی از عراق نامید. در این میان از ذخائر عظیم نفتی کویت نیز نمی توان چشم پوشی کرد. این ذخایر تقریباً با ذخایر نفت عراق برابر بودند. از همین رو صدام در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (۲ اوت ۱۹۹۰) به کویت حمله کرد و توانست ظرف ۳ ساعت کویتی ها را تسلیم و خاک آن را به عراق ضمیمه کند. صدام در پی القای این مطلب واهی به اعراب بود که جنگ او با ایران باعث شده است که کویت از حمله قریب الوقوع ایرانیان در

امان باشد. او همچنین معتقد بود، چون جنگ او با ایران به سود کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است، دول عربی باید بخشی از بدهی عراق را ببخشند. صدام با اصرار از کویت خواست که بدهی ۳۰ میلیارد دلاری عراق را که برای جنگ با ایران گرفته بود، ببخشد، اما مخالفت کویت با این موضوع، بهانه برای حمله به این کشور فراهم کرد



تصرف کویت را باید بزرگترین اشتباه محاسباتی صدام به شمار آورد، امری که در نهایت زمینه زوال وی را فراهم ساخت. بلندپروازی های او،

نگرانی فزاینده شیوخ خلیج فارس را به دنبال داشت. اعراب خلیج فارس که تا سال های پیشین از متحدان وی محسوب می شدند با درخواست از آمریکا به مقابله به اشغال گری صدام پرداختند. آمریکا و ناتو نیز با بهره مندی از فضای فروپاشی شوروی در راستای القای رهبری تام و تمام خویش بر جهان برآمده و به بهانه مقابله با زیاده خواهی های صدام حسین، عازم خلیج فارس شدند. نیروهای ناتو موفق شدند در حملاتی پیاپی، زمینه خروج نیروهای عراقی از کویت را فراهم کنند. باید اذعان کرد، خودسری صدام در حمله به کویت و تلاش برای اشاعه قدرتش در سراسر خاورمیانه با نگرانی آمریکا و اروپایی ها روبرو شد و همین امر بستری فراهم آورد تا تاریخ مصرف صدام حسین برای آنها به پایان برسد.

اشتباه دیگر صدام، سرکوب و کشتار کردهای عراق

با پایان جنگ دوم خلیج فارس روابط آمریکا و عراق هم چنان متشنج ماند. این فضا در پی ادعای آمریکا مبنی بر تلاش سرویس امنیتی رژیم بعث برای ترور جرج اچ دبلیو بوش رییس جمهوری وقت آمریکا هنگام

دیدارش از کویت در آوریل ۱۹۹۳ میلادی تیره تر شد. آمریکا در واکنش به این موضوع در ۲۶ ژوئن ۱۹۹۳ حمله‌ای موشکی به ساختمان مرکزی اطلاعات عراق در بغداد کرد. مقامات آمریکایی ادعا کردند که نیروهای استخباراتی عراق در پی ترور بوش پدر در کویت بوده اند که این امر ناکام مانده است. دهه ۹۰ میلادی را می توان بدترین دوران برای مردمان عراق به شمار آورد. برهه ای که از یک طرف کشورشان تحت شدیدترین فشارهای بین المللی قرار داشت و از ورود کمترین تجهیزات و امکانات بی بهره بود تا جایی که دولت مرکزی جهت خرید غذا، ناگزیر به تن دادن به طرح نفت در برابر غذا شد و از جهتی دیگر دیکتاتوری صدام حسین، زندگی عادی مردمان را در درون کشور ساقط کرده بود. گفته می شود که تحریم‌های سازمان ملل بعد از حمله عراق به کویت به مرگ ۵۰۰ هزار تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن انجامید. بیشتر جان باختگان، افراد زیر پنج سال بوده‌اند. گروه‌های قومی و دینی عراق با استفاده از وضعیت به وجود آمده، زمینه را برای شورش‌های جدید در کشور مهیا دیدند و به آن اقدام کردند. با اوضاع جاری پس از جنگ در عراق، ناآرامی‌های اجتماعی و قومی میان اقوام، مذاهب و واحدهای

نظامی ناراضی شدت یافت که این امر می‌توانست خطر بزرگی برای دولت صدام باشند. شورش‌های کردها در شمال و شیعیان در جنوب و مرکز عراق با بی‌رحمی تمام پاسخ داده شد. قیام شیعیان در جنوب عراق در ابتدای دهه ۹۰ میلادی توسط بعثی‌ها به خون کشیده شد. بنابراین استفاده از سلاح‌های شیمیایی به ویژه علیه کردها و کشتار حلبچه و در تهدیدات مرزی علیه اعراب از جمله کویت و عربستان در عزم سران جمهوریخواه آمریکا برای کسب حمایت افکار عمومی جهان و حمله نظامی به عراق کافی بود.



برای اعتراف‌گیری از اسرای ایرانی، از تجربیات شکنجه علیه کردها و شیعیان عراق سود می‌جستیم. سپس از ابتکارات روس‌ها و کشورهای بلوک شرق نیز در این راه کمک می‌گرفتیم و با خرید وسایل شکنجه پیشرفته از شرق و مرکز اروپا، آن را علیه ایرانی‌ها به کار می‌بردیم

تکلیف بی‌پشت عبدالحسین بن‌آباد

چون منکذ است



ما اگر نخواهیم هشت سال جنگ خودمان را با آن هشت ، نه ساعت
عاشورای امام حسین(ع) مقایسه کنیم - که واقعاً هم همین است، یعنی
من حادثه‌ای را در تاریخ نمی‌شناسم که با فداکاری آن نصف روز قابل
مقایسه باشد- لیکن بالاخره طریقی از آن یا نمی‌از آن یم است...

حدیث ولایت ۷ ص ۲۳۶-۲۳۷

کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

آغاز عملیات آمریکا علیه صدام

جنگ عراق که با نام‌های اشغال عراق و عملیات آزادسازی عراق نیز شناخته می‌شود یک عملیات نظامی است که در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ با حمله یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا و انگلیس به عراق آغاز شد. نیروهای اصلی حمله‌کننده به عراق شامل ارتش‌های آمریکا، انگلیس و لهستان بودند اما ۲۹ کشور دیگر از جمله ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا، اسپانیا و... با فرستادن بخشی از نیروهای نظامی و لجستیکی خود به همراهی با نیروهای ائتلاف در اشغال عراق نقش داشتند؛ همچنین برخی شرکت‌های پیمانکار تأمین نیروی نظامی و امنیتی، با فرستادن ده‌ها هزار تن از نیروها خود که دارای تابعیت کشورهای مختلف بودند، مسوولیت تأمین امنیت بخش‌های وسیعی از مراکز مهم تجاری عراق از جمله چاه‌ها و مراکز پالایش نفت را بر عهده گرفتند. جرج بوش رییس‌جمهوری وقت آمریکا در توجیه برای آغاز این جنگ ارتباط صدام با القاعده و نابود کردن سلاح‌های کشتار جمعی را بیان می‌کند. باید اذعان کرد، رژیم صدام حسین در طول جنگ هشت ساله

علیه جمهوری اسلامی، بارها از طرف هم پیمانان بین المللی خود به سلاح های کشتار جمعی مسلح شد. با این حال و پس از شکاف میان بغداد و واشنگتن فشارها بر رژیم بعثی عراق به بهانه توسعه سلاح های کشتار جمعی افزایش یافت .



پس از آن، خیلی زود عملیات علیه عراق انجام گرفت در حقیقت در ۲۰۰۲ میلادی حجم پروازهای جنگنده های آمریکایی و انگلیسی بر فراز منطقه پرواز ممنوع عراق به نسبت سال قبل افزایش یافته بود و در ماه اوت (شهریور ۱۳۸۱) «تبدیل به یک حمله هوایی کامل»

شد. تامی فرانکس یکی از فرماندهان آمریکایی نیروهای ائتلاف بعدها عنوان کرد که این بمباران‌ها به منظور «تضعیف» سامانه پدافند هوایی عراق پیش از جنگ طراحی شده بودند. برای آغاز جنگ نخستین تیم آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در ۱۹ تیر ۱۳۸۱ (۱۰ ژوئیه ۲۰۰۲) وارد عراق شدند. این تیم شامل اعضای بخش مأموریت‌های ویژه سازمان سیا (SAD) بود. بعدها اعضای نخبه قرارگاه مشترک عملیات‌های ویژه ارتش آمریکا (JSOC) نیز به آن‌ها پیوستند. این ۲ با هم شرایط لازم برای حمله نیروهای متعارف را فراهم آوردند. فعالیت این نیروها، متقاعد کردن بسیاری از فرماندهان لشکرهای ارتش عراق به تسلیم و تشخیص رهبران هدف در طول عملیات‌های بسیار پرخطر شناسایی بود. در ساعت پنج و ۳۴ دقیقه بامداد به وقت بغداد در ۲۹ اسفند ۱۳۸۱ (۲۰ مارس ۲۰۰۳) حمله غافلگیرانه به عراق آغاز شد. پیش از شروع، هیچ اعلان جنگی داده نشد. حمله به عراق در ۲۰۰۳ به فرماندهی ژنرال آمریکایی تامی فرنکس با اسم رمز «عملیات آزادی عراق» (Operation Iraqi Freedom) «برای نیروهای آمریکایی، اسم رمز «عملیات هدفمند» (Operation Telic) «برای نیروهای انگلیسی

و اسم رمز «عملیات قوش‌باز (Operation Falconer)» برای نیروهای
استرالیایی انجام شد.



نیروهای ائتلاف با سربازان پیشمرگه کرد در شمال عراق نیز همکاری
کردند. تقریباً ۴۰ کشور دیگر با عنوان «ائتلاف راغبان» با ارسال نیرو،
تجهیزات، خدمات و نیروهای حفاظتی و ویژه در این جنگ شرکت
کردند. ۲۴۸ هزار سرباز از آمریکا، ۴۵ هزار سرباز از انگلیس، ۲ هزار سرباز
از استرالیا، ۱۹۴ سرباز ویژه از لهستان به کویت اعزام شدند تا آماده

حمله شوند. همچنین این حمله توسط ۷۰ هزار سرباز پیشمرگه کرد نیز پشتیبانی می‌شد. بنابر اظهارات ژنرال تامی فرنکس اهداف این حمله عبارت بودند از نابودی رژیم صدام حسین، شناسایی، جداسازی و نابودی جنگ افزارهای کشتار جمعی عراق، جستجو و دستگیری تروریست‌ها و بیرون کردن آن‌ها از آن کشور، گردآوری اطلاعات پیرامون شبکه‌های تروریست‌ها، گردآوری اطلاعات پیرامون شبکه جهانی جهانی جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، پایان‌دهی به تحریم‌ها و فرستادن کمک‌های انسان‌دوستانه به بی‌خانمان‌ها و بسیاری از شهروندان عراقی، ایمن ساختن چاه‌های نفت عراق که به مردم این کشور تعلق دارد و کمک به عراقی‌ها برای ایجاد شرایط لازم به منظور برپا ساختن حکومتی عراقی که نماینده آن‌ها باشد.

این یورش یک عملیات تند و قاطع بود. مقاومت‌های بسیار ضعیف ارتش رژیم بعث به راحتی در هم می‌شکستند یا تبدیل به تاکتیک‌های پارتیزانی می‌شدند. سرانجام بغداد در ۲۰ فروردین ۱۳۸۲ (۹ آوریل ۲۰۰۳) سقوط کرد و بدین ترتیب ۲۴ سال حکومت صدام حسین به

پایان رسید. نیروهای آمریکایی ساختمان‌های وزارتخانه‌های متروک حزب بعث را به تصرف درآوردند و در جریان متلاشی کردن مجسمه آهنی صدام به مدیریت و هدایت اوضاع پرداختند. این وضعیت، نشان‌دهنده خروج کنترل از دستان صدام حسین بود. حملات ۱۷ کشور ناتو برای صدام و حامیانش گران تمام شد به حدی که زیربنای اقتصادی و ثروت ملی عراق در جریان ۴۰ روز بمباران هوایی آمریکا و متحدانش منهدم شد.

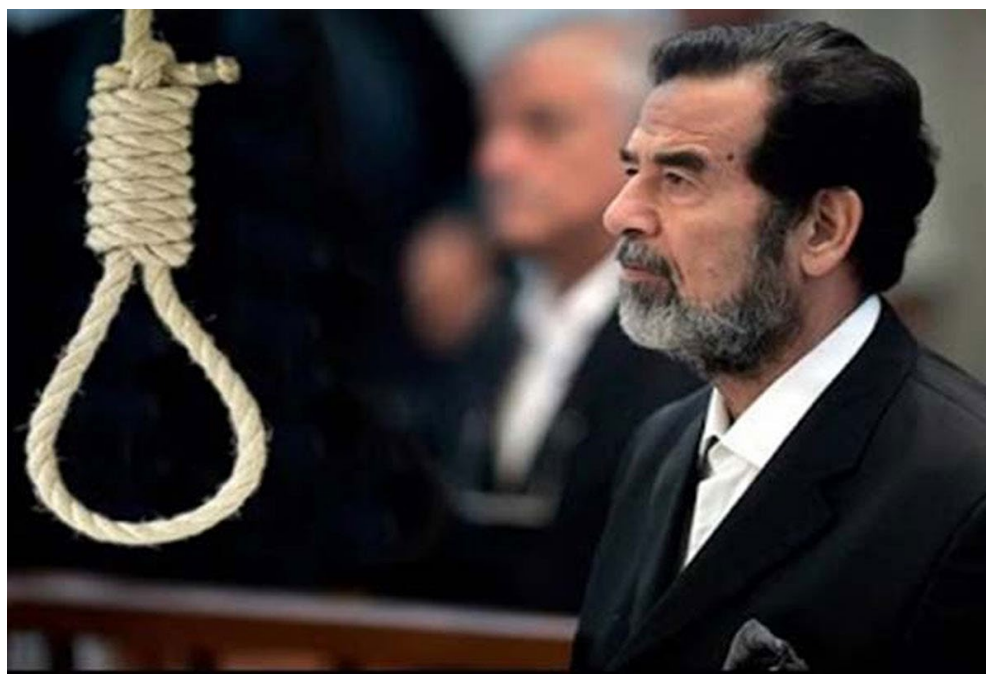


پایان زندگی صدام



سرانجام صدام در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ تحویل دولت موقت عراق شد. وی در دادگاه ویژه محاکمه شد و به اتهام جرایم جنگی و ضدبشری و قتل عام اهالی روستای دجیل به اعدام محکوم شد، امری که سرانجام در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۶ به وقوع پیوست.

اشغال عراق توسط آمریکا با خروج آخرین تیپ رزمی آمریکایی در ۱۹ آگوست ۲۰۱۰ به طور رسمی پایان یافت. هر چند پس از آن هم حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی عمدتاً برای آموزش سربازان عراقی در این کشور باقی ماندند. باید گفت: عراق امروزه هر چند هنوز تحت اشغال خارجی است اما بدون صدام حسین دارای قانون اساسی، انتخابات آزاد و مجلس و نهاد دولت براساس اجماع نسبی اقوام و مذاهب در این کشور است. همچنین با همبستگی میان نهادهای ملی و مذهبی این کشور به طرف احیا و بازسازی پیش خواهد رفت.





ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است

ما سروزیم

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

کمک های سودان به صدام

سودان نیز در اواسط دی ماه ۶۱، صدها تن از سربازان ارتش خود را به جبهه های جنگ علیه ایران اعزام کرد. همچنین به دستور جعفر نمیری، رئیس جمهوری سودان، در شهر خارطوم، پایتخت این کشور و پاره ای از شهرهای دیگر، دفاتری جهت ثبت نام برای اعزام نیرو به جبهه های جنگ علیه ایران دایر شد.



جعفر نمیری در مصاحبه با مجله الیوسف چاپ قاهره اذعان داشت که اعزام نیرو به عراق طبق تصمیمات کنفرانس سران عرب صورت گرفته است.

کمک های لیبی و یمن به صدام

لیبی نیز گرچه در ابتدای جنگ خود را حامی ایران معرفی کرد، اما پس از مدتی با تغییر رویه، در جمع متحدان عراق قرار گرفت. اما دولت یمن از همان ابتدا خود را همسو با عراق معرفی کرد. سرلشکر و فیک السامرای، مسئول اسبق بخش ایران در استخبارات عراق، در این باره اظهار کرد: «در جهت کمک به عراق، یمن تیپ پیاده العروبه را به عراق فرستاده بود.

اردن نیز نیروی الیرموک را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام کرد که در جبهه شرقی رودخانه میسان در خط مقدم جبهه فعالیت می کردند.»

محران

شهادت هنرمردان خداست

haramphoto.blogfa

هفته دفاع مقدس

گراهی باد

کتاب هشتم به یاد ناصر کاوه

کمک های امارات و قطر به صدام

امارات عربی یک میلیارد دلار و قطر ۵۰۰ میلیون دلار تا اواخر سال ۱۹۸۱ میلادی به عراق کمک کردند.

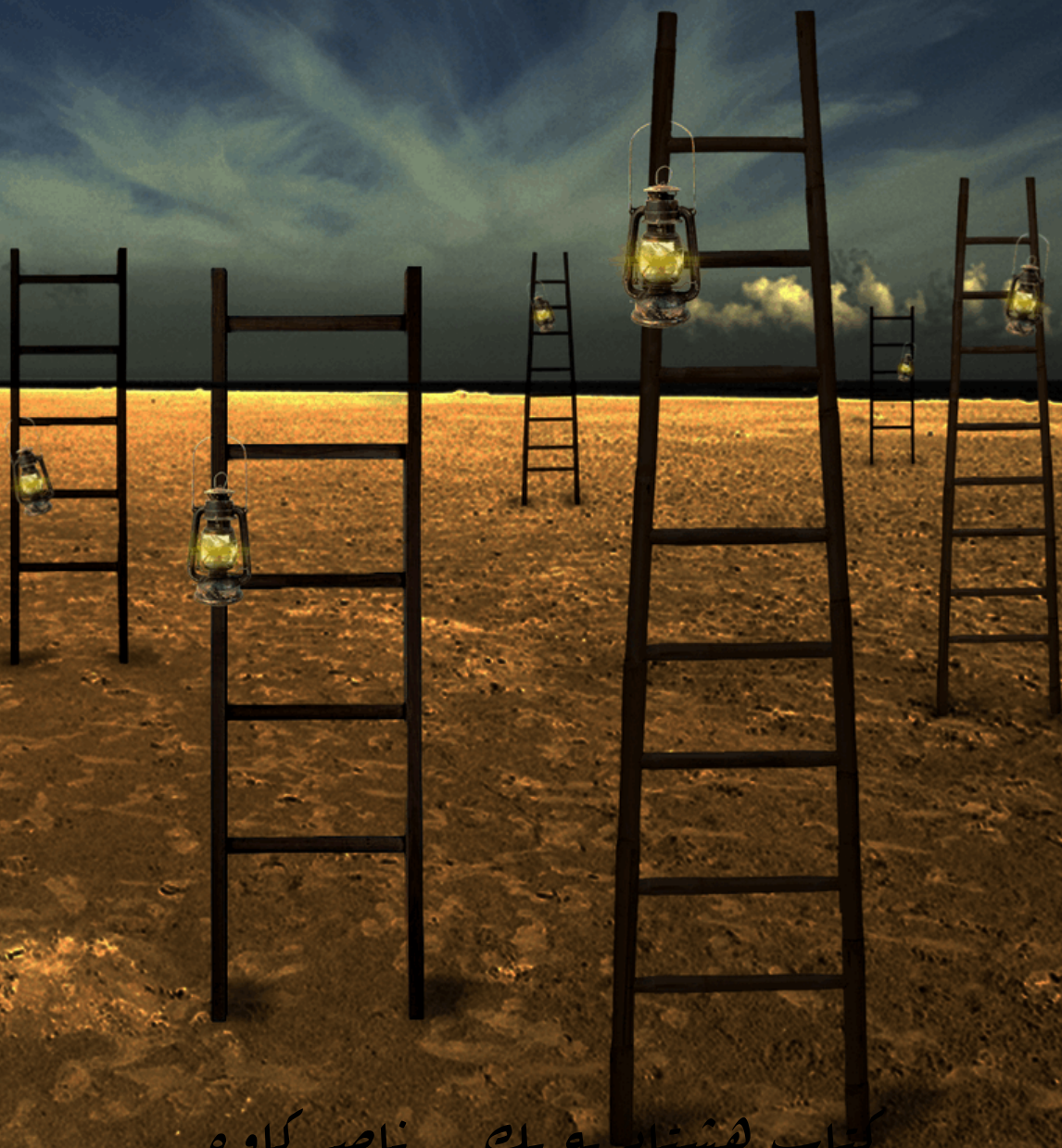
کویت و عربستان همچنین به منظور حمایت مالی از عراق توافق کردند تا از سال ۱۹۸۲ عایدات صدور نفت از منطقه بی طرف روزانه ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار بشکه به حساب عراق ریخته شود.

در مجموع بسیاری از آمارها و گزارشها در خصوص حمایت جهان عرب و برخی از کشورها از جمله کویت، عربستان و اردن از عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران، به روشنی نشانگر آن است که عراق از جنبه های چشمگیر نظامی و اقتصادی از حمایت بی دریغ بسیاری از این کشورها، بهره مند بوده است. یادآور می شود که در کنار حمایت های مالی و نظامی که این کشورها از عراق داشتند؛ حمایت های بسیار سیاسی نیز در ارگانه های بین المللی و همچنین از نظر تبلیغاتی دولت های عرب از عراق صورت می دادند که خود نیازمند یک بررسی مستقل و مجزا می باشد. همچنین تعدادی از کشورهای منطقه یی نیز

حضور مستقیم در جنگ داشتند و با اعزام نیروهای خود به عراق رژیم بعثی را در مقابل ایران حمایت می‌کردند به گونه‌ای که با گذشت بیش از يك دهه از پایان جنگ، چند روز پیش حسنی مبارك، رئیس جمهور مصر اعتراف کرد که ۱۸ هزار سرباز مصری در کنار بعثی‌ها در مقابل ایران می‌جنگیدند. (سایت اینترنتی خبرگزاری دانشجویان ایران (تاریخ: ۱۳۸۲/۰۶/۲۴، ساعت: ۱۰:۴۱:۰۴))



موسیقی آسمان



کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

کمک های مراکش و تونس به صدام

شاه حسن دوم پادشاه مراکش و پرزیدنت حبیب بورقیبه رئیس جمهور تونس در مسیر همتای اردنی خود قدم گذاشتند، اما هر کدام دلایل متفاوتی را در پشتیبانی از صدام حسین بیان کردند. نگرانی عمده شاه مراکش کماکان نزاع در صحرای غربی بود. وی نیروهای خود را برای تصرف این منطقه کویری وسیع و سرشار از معدن، اعزام کرده بود تا هم حکمرانی خود بر آنجا را تقویت کند و هم از ادامه آن مطمئن شود.

شاه حسن دوم، از سال ۱۹۷۶ به نبرد با جبهه محلی پولیساریو (که خواستار استقلال این مستعمره سابق اسپانیا بود) مشغول بود. رژیم عراق همواره یکی از طرفداران پرشور ادعای مراکش در خصوص استیلا بر صحرای غربی بود. اساساً صدام مخالف هر نوع جنبش جدایی طلب بود، چراکه می دانست این دست جنبش ها به طور مستقیم می تواند به تقویت اقلیت کردهای عراق منجر شود. از این بابت، شاه حسن دوم قدردان صدام بود و با تمام قدرت مذهبی و سیاسی خود از او پشتیبانی کرد. دیگر مشوق او برای حمایت از بغداد، این بود که الجزایر، رقیب

اصلی‌اش در مغرب، بی‌برو برگرد با ایران همذات‌پنداری داشت. شاه حسن دوم ابزار لازم را برای کمک مالی و مادی به صدام در اختیار نداشت؛ اما نیرویی متشکل از داوطلبان حاضر در ارتش مراکش را در اختیار وی قرار داد. پرزیدنت بورقیه، رژیم بعث عراق را نوعی جامعه سکولار عرب می‌دید؛ مدلی که برای تاسیس آن در تونس جنگیده بود. از سویی نیز آن را سدی در برابر جزم‌اندیشی مذهبی ایران می‌دانست؛ امری که وی را بیش از هر چیزی به هراس وامی‌داشت. شخصیت مستبد صدام او را مکدر نمی‌کرد؛ چراکه بورقیه به این نتیجه رسیده بود که تنها یک مستبد روشن‌فکر قادر است ملت عرب را به سمت رهایی از فقر و گمراهی هدایت کند. او نیز چون شاه حسن دوم، بدین خاطر که صدام حسین مقابل حاکمیت الجزایر (کشوری که مقامات تونسی تصور می‌کردند در حال توطئه علیه آن‌هاست) ایستاده بود با شغف از او پشتیبانی می‌کرد. حمایت سیاسی پرزیدنت بورقیه به طور خاص برای صدام حسین حیاتی بود؛ چراکه با قرار گرفتن مصر در لیست سیاه اتحادیه عرب، تونس به ریاست آن برگزیده شده بود. به گزارش ایسکا نیوز، منبع: تاریخ ایرانی، باشگاه خبرنگاران دانشجویان ایران ۱ مهر ۱۳۹۹

سوختن کمال عشق است
اما آنها که سوختن پروانه در آتش شمع را کمال عشق می‌دانند
کجایند که سوختن انسان در آتش عشق را به نظاره بنشینند؟

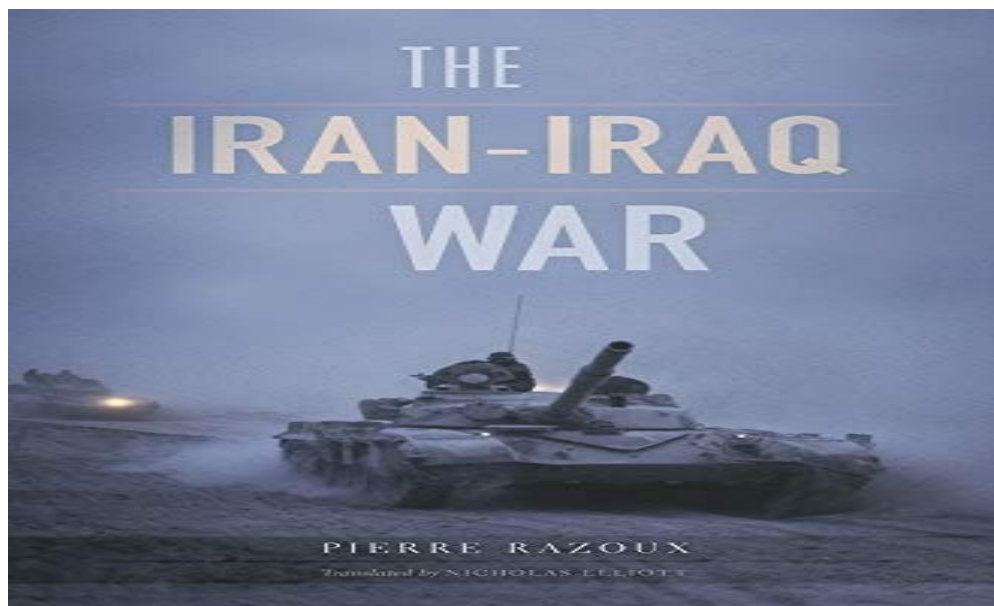
سید مرتضی آوینی



پاسخ به یک ابهام: کمک کشورهای عربی به صدام

۵۴ درصد کل هزینه‌های مالی اقدامات جنگی ارتش بعث عراق توسط

شیخ‌نشین‌های نفتی حاشیه خلیج فارس تامین شده است



تاریخ ایرانی: طی روزهای گذشته، در سی‌وسومین سالگرد صدور قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل که به جنگ خونین و طولانی میان ایران و عراق پایان داد، متنی در فضای مجازی توسط برخی از همکاران روزنامه‌نگار به شکل انبوه بازنشر می‌شود که مدعی است بر اساس متن کتاب «جنگ ایران و عراق» نوشته «پیر رازو» به اسناد تازه‌ای در خصوص تامین مالی ارتش بعث دست یافته است.

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

مهمترین داده غلطی که در متن منتشر شده در فضای مجازی به نقل از کتاب پیر رازو به چشم می‌خورد از این قرار است: «کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات، بحرین، قطر و عمان کمک‌های بسیار ناچیزی به صدام کردند که رقم آن‌ها کمتر از ۵۰ میلیون دلار بوده است. در تبلیغات رسمی، کشورهای حوزه خلیج فارس، خصوصاً عربستان سعودی یکی از تامین‌کنندگان مالی عراق در جنگ با ایران معرفی می‌شوند. این در حالی است که اسناد به‌دست‌آمده از آرشیو اسناد ملی عراق پس از سقوط صدام حسین در تطبیق با اسناد وزارت دفاع آمریکا نشان می‌دهند، کمک‌های مالی کشورهای خلیج فارس به صدام در حدی است که در مقایسه با کمک عظیم شوروی، می‌توان از آن‌ها صرف‌نظر کرد. از آنجا که هیات تحریریه «تاریخ ایرانی» متن کامل این کتاب را به فارسی ترجمه و در سال‌های اخیر فصل‌هایی از آن را به مناسبت‌های مختلف منتشر کرده است، بر خود لازم می‌داند در واکنش به داده‌های غلطی که به این کتاب و نویسندگان آن نسبت داده شده و آن را منبعی برای طرح ادعاهای نادرست قرار داده‌اند توضیحات زیر را ارائه کند... کتاب اصلی با عنوان

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه

Première guerre du Golfe

La Guerre Iran-Irak, 1980-1988

به زبان فرانسه است و توسط نیکلاس الیوت به انگلیسی ترجمه شده و ترجمه فارسی بر اساس متن انگلیسی انجام شده است. فصل ششم کتاب با عنوان «اعراب دچار شکاف می‌شوند» به طور مفصل به حمایت مالی چشمگیر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌پردازد.

«تاریخ ایرانی» در گزارشی با عنوان

هزینه ماشین جنگی صدام علیه ایران چطور تامین شد؟

بخش‌هایی از این فصل را عیناً ترجمه کرد. اینک ترجمه پاراگراف‌هایی که به ارقام تامین شده توسط سه کشور عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی اشاره مستقیم شده، به همراه متن انگلیسی آن‌ها و همچنین یک گراف و جدول از ضمیمه انتهای کتاب بازنشر خواهد شد.

عربستان سعودی

پادشاه: ملک خالد بن عبدالعزیز آل سعود

رقم کمک به صدام حسین: ۶۰ میلیارد دلار

Khalid knew he had to handle Iraq with kid gloves to attain these ambitious objectives. He therefore assured Saddam Hussein of his support and promised him important loans, which would allow him to finance his Saudi Arabia paid ،war against Iran (from 1981 to 1988 Iraq sixty billion dollars). He guaranteed Iraq right of transit to bring in weapons purchased throughout the world. He also provided delivery of merchandise to Iraq. Finally, he agreed to extract oil from the neutral zone on Iraq's behalf and sell 300,000 barrels of oil per day to partially compensate Baghdad's loss of revenue.

خالد می‌دانست که برای دست یافتن به این اهداف جاه‌طلبانه باید با عراق مدارا و با ملایمت با صدام برخورد کند.

از همین رو در خصوص حمایت از عراق به صدام حسین اطمینان خاطر و به او قول داد وام‌های مهمی در اختیارش قرار دهد تا هزینه مالی جنگ علیه ایران تامین شود. از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ عربستان ۶۰ میلیارد دلار به عراق پرداخت کرد.

وی به عراق تضمین داد که حق ترانزیت خریدهای تسلیحاتی از کل جهان را در اختیارش قرار دهد.

شاه آل سعود همچنین دریافت اجناس را برای این کشور ممکن ساخت.

در نهایت به منظور جبران درآمدهای ازدست‌رفته عراق، پادشاه عربستان پذیرفت از منطقه‌ای بی‌طرف در این کشور روزانه ۳۰۰ هزار بشکه نفت استخراج کند و به فروش برساند.

کویت

پادشاه: شیخ جابر الاحمد الصباح، رقم کمک: ۱۵ میلیارد دلار

The two heads of state adopted different stances. Emir Jaber forcefully reaffirmed his opposition to the presence of foreign troops on his soil, including Arab troops. He made a wide variety of contacts to demonstrate his faith in the international community and avoid falling under the heel of either belligerent. His strategy consisted of bringing as many players into the Gulf as possible. Nonetheless, Jaber remained realistic and knew he had to handle Saddam carefully. He discreetly ensured him of his financial and logistical support. Kuwait thus became Iraq's biggest sponsor it paid Baghdad ,after Saudi Arabia: from 1981 to 1988 fifteen billion dollars.

رهبران دو حکومت کویت و بحرین موضع‌گیری‌هایی متفاوت داشتند. شیخ جابر، مجدداً با قدرت به مخالفت خود با حضور نیروهای خارجی (شامل نیروهای عربی) در خاک کشورش تاکید و تماس‌های متعددی برقرار کرد تا باور خود به جامعه بین‌المللی را نشان دهد و از اینکه تحت سلطه هر یک از طرفین تخاصم قرار گیرد سر باز زد.

استراتژی او بر این اساس استوار بود که تا حد ممکن بازیگران بیشتری در خلیج فارس را وارد مهلکه کند. با این حال جابر واقع‌گرا بود و می‌دانست که باید صدام حسین را مدیریت کند.

او محتاطانه وی را نسبت به کمک‌های مالی کویت مطمئن ساخت. در نتیجه این تصمیم، کویت پس از عربستان سعودی به بزرگترین تامین‌کننده مالی عراق بدل شد: از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ کویت ۱۵ میلیارد دلار کمک مالی به بغداد اعطا کرد.

امارات متحده عربی

پادشاه: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، رقم کمک: ۵ میلیارد دلار

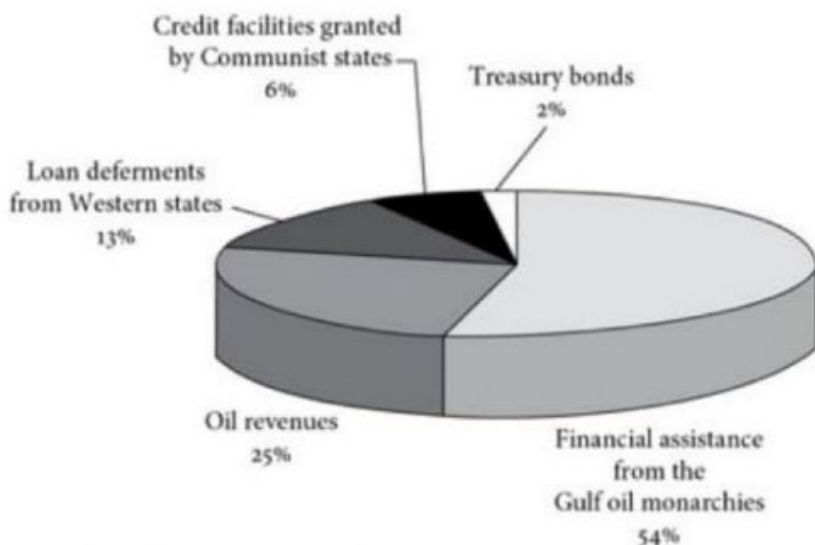
Sheikh Khalifa Al Thani of Qatar was close to King Khalid and aligned himself with the Saudi position. He openly supported Saddam Hussein, but only provided him with nominal financial backing. Sheikh Zayed, the sovereign of Abu Dhabi and thus the president of the Federation of the United Arab Emirates (UAE), took a nuanced position.

He sided with Baghdad out of Arab solidarity, but stated his desire to maintain cordial relations with Tehran, despite Iran's occupation of the Tunb and Abu Musa islands. Naturally, the new port of Jebel Ali and the city of Dubai had recently become trading hubs with Iran, generating vast revenue for the UAE. Nonetheless,

Sheikh Zayed contributed five billion dollars to the Iraqi war effort.

شیخ خلیفه الثانی، پادشاه قطر که به ملک خالد نزدیک بود در صف عربستان سعودی ایستاد و آشکارا از صدام حسین پشتیبانی کرد؛ اما به صورت اسمی از صدام حمایت مالی می‌کرد. شیخ زائد، حاکم ابوظبی و رئیس امارات متحده عربی موضعی خفیف اتخاذ و به خاطر یکپارچگی اعراب از بغداد جانبداری کرد؛ اما علی‌رغم اختلاف با تهران بر سر جزایر تنب و ابوموسی بر حفظ روابط صمیمانه با تهران تاکید داشت؛ طبیعتاً بندر نوساز جبل علی و شهر دوبی که به تازگی به کانون فعالیت‌های تجاری ایران تبدیل شده بودند، درآمدهای سرشاری برای امارات متحده عربی به ارمغان می‌آوردند. با این حال شیخ زائد ۵ میلیارد دلار به اقدامات جنگ طلبانه عراق در جنگ اختصاص داد.

گفتنی است پیر رازو در انتهای کتاب (ضمیمه G) در گراف G-3 منابع تامین مالی ارتش صدام برای نبرد با قوای نظامی ایران را مشخص کرده است:



چنان که در گراف رازو مشخص است ۵۴ درصد کل هزینه‌های مالی اقدامات جنگی ارتش بعث عراق توسط شیخ‌نشین‌های نفتی حاشیه خلیج فارس تامین شده است.

بیش از دو برابر درآمد عراق از نفت، ۲۲ برابر اوراق قرضه منتشر شده توسط بانک مرکزی عراق، بیش از ۴ برابر کمک‌های مالی کشورهای غربی و ۹ برابر کمک‌های کشورهای کمونیست به ارتش صدام.

رازو همچنین در جدول G-2 ارقام منابع مالی که هزینه اقدامات جنگی ارتش عراق را تامین کرده‌اند مشخص کرده است:

TABLE G.2
FINANCING OF THE IRAQI WAR EFFORT

Loans granted by Gulf oil monarchies*	80 billion dollars
Iraqi oil revenue**	38 billion dollars
Loan deferments granted by various Western states	20 billion dollars
Credit facilities granted by various communist states	9 billion dollars
Treasury bonds issued by the Iraqi central bank	3 billion dollars
Total	150 billion dollars

وام شیخ‌نشین‌های نفتی: ۸۰ میلیارد دلار

درآمد حاصل از نفت که به تامین جنگ اختصاص یافته:

۳۸ میلیارد دلار

وام کشورهای متعدد غربی: ۲۰ میلیارد دلار

کمک‌های اعتباری کشورهای متعدد کمونیست: ۹ میلیارد دلار

اوراق قرضه منتشره توسط بانک مرکزی عراق:

۳ میلیارد دلار

مجموعاً: ۱۵۰ میلیارد دلار



عاشقان در عشقند

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

جریان های سلطنت طلب، منافقین و ضد انقلاب

به فهرست حامیان عراق باید سازمان های تروریستی از قبیل سازمان مجاهدین خلق، جریان های سلطنت طلب و برخی از گروه های قومی تجزیه طلب را اضافه کرد که به عنوان ابزاری برای تحقق سیاست های صدام در ایران تلاش می کردند. برای مثال نیروهای نظامی سازمان مجاهدین خلق پس از ورود رجوی به عراق در سال ۱۳۶۵، با حمایت و پشتیبانی ارتش عراق در مناطقی مانند سردشت، دهلران، مریوان، سرپل ذهاب، جنوب بانه و ارتفاعات کرمانشاه و در طول نوار مرزی ایران، عملیات های مختلفی را اجرا کردند. در این عملیات ها تلفات جانی و تسلیحاتی به برخی یگان ها و پایگاه های پراکنده نیروهای نظامی ایران وارد شد.

حزب دموکرات کردستان نیز ابزار دیگری در اختیار رژیم بعث بود تا از این طریق به دولت ایران ضربه بزند. قاسملو دبیر کل حزب دموکرات کردستان در مرداد ۱۳۵۹ در پاسخ به این سؤال خبرنگار بی. بی. سی که، «آیا فکر نمی کنید شما با رژیم عراق به هر حال رابطه دارید و این

در طرز فکر کردها نسبت به شما اثر می گذارد؟» پاسخ می داد، «رابطه ما با دولت عراق بسیار روشن است، ما الان علیه دشمن مشترک می جنگیم.»

جریان سلطنت طلب را باید از دیگر حامیان صدام دانست. فرح پهلوی در خاطرات خود می نویسد، «شاپورخان (شاپور ریپورتر، عامل اطلاعاتی انگلیسی ها و دوست نزدیک شاه) اگرچه نتوانست اجازه اقامت همسر فقیدم را در انگلستان کسب کند، اما سپهبد سعید رضوانی را با یک میلیون پوند پول نقد نزد ارتشبد بهرام آریانا فرستاد تا آنها در مرزهای غربی ایران اقدام به تشکیل کانون های مقاومت کنند».

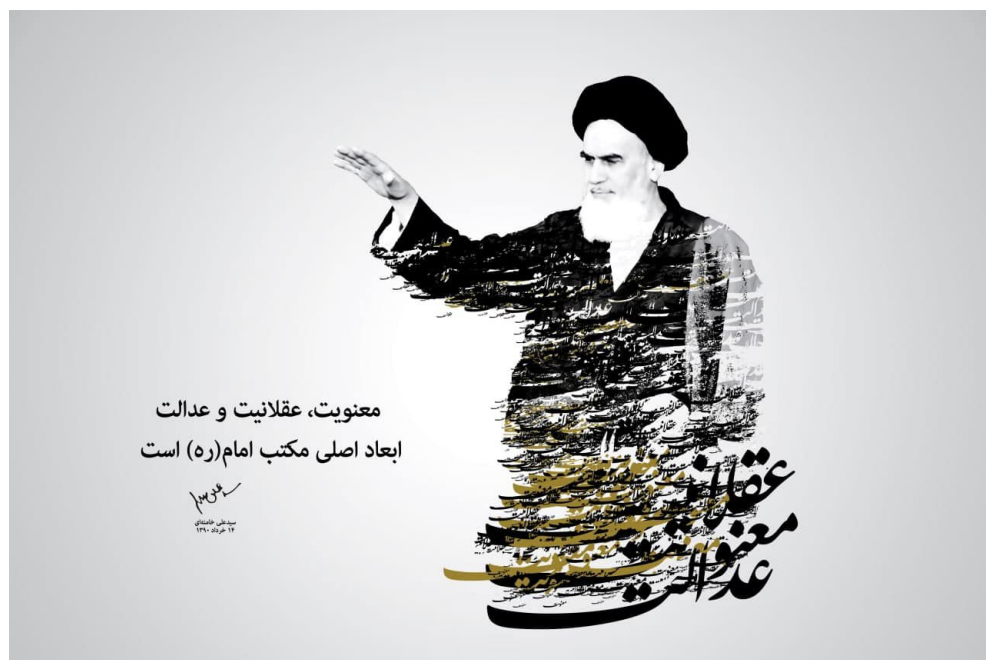
بدین ترتیب، آریانا با یک میلیون دلار اعتباری که سر شاپور ریپورتر در اختیار او گذاشت، در رأس یکی از نخستین گروه های سلطنت طلبی قرار گرفت که هدفشان خرابکاری های مسلحانه در مرزهای شمال غربی ایران بود. آریانا نخست با حمایت رژیم عراق، مرکز فعالیت خود را در جنوب شرقی کرکوک قرار داد و به همراه افرادی چون سردار جاف، دکتر

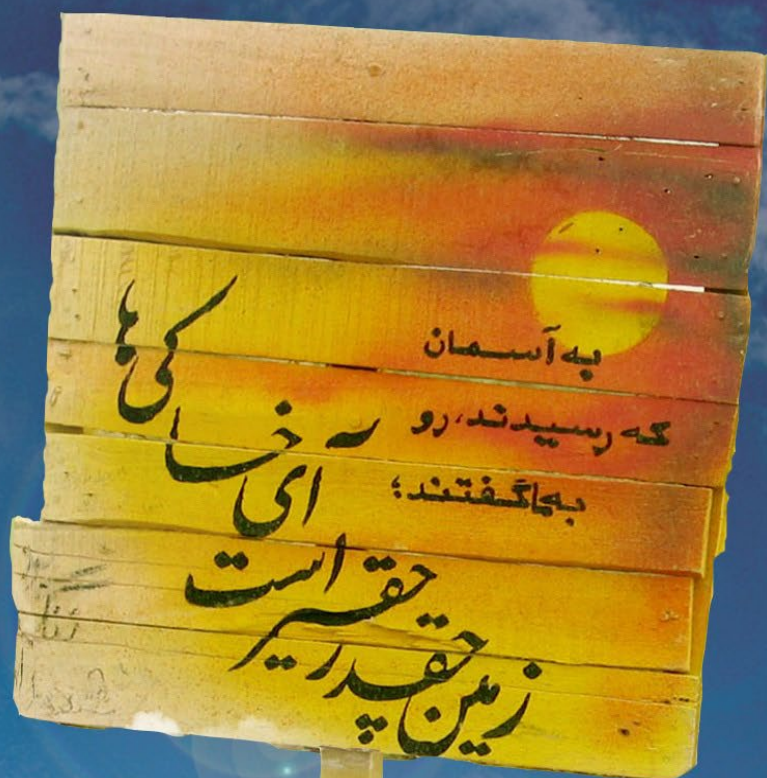
حسن جاف و سروان مختاری، برای آموزش نظامی ضدانقلابیون، اردوگاهی را تأسیس کرد.

در حالی که ایران درگیر یک انقلاب اجتماعی شده، ساختار نو هنوز به خوبی تثبیت نشده بود و کشور توان نظامی و ساختار سازمانی خود را از دست داده و درگیر سرکوب ضدانقلاب بود، عراق خود را برای جنگ با ایران آماده می کرد. صدام به خوبی می دانست که اثرات انقلاب ایران در کشوری که شیعیان اکثریت جمعیت آن را شکل می دهند، مهار نخواهد شد، لذا ابتدا به سرکوب مخالفین داخلی پرداخت تا از بابت مسائل داخلی دغدغه و نگرانی نداشته باشد.

با اعلام حمایت مطلق آیت الله سید محمدباقر صدر از انقلاب ایران، صدام او و خواهرش بنت الهدی صدر را در ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ به شهادت رساند. کردها به عنوان دومین اقلیت قومی در این کشور نیز سرنوشتی مشابه شیعیان پیدا کردند و صدام توانست کردهای شمال عراق را نیز سرکوب کند.

اگر چه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با ادعاهای سرزمینی و احیای
 غرور ملی عربی حزب بعث پیوند خورده بود، اما در سطح وسیع تر
 برنامه ای برای جلوگیری از گسترش انقلاب و در صورت امکان سرنگونی
 رژیم انقلابی ایران بود. مروری بر نقش کشورهای عربی منطقه، قدرت
 های جهانی و ابرقدرت های شرق و غرب نشان می دهد که هرگاه
 نیروهای ایرانی در جبهه های جنگ وضعیت بهتری پیدا می کردند،
 میزان حمایت آنها از عراق بیشتر می شد که بیانگر حمایت بی دریغ
 آنها از عراق در طول هشت سال جنگ تحمیلی است.





کتاب هفتاد به یک - ناصر گداز

کمک‌های کشورهای منطقه به عراق در طول جنگ تحمیلی

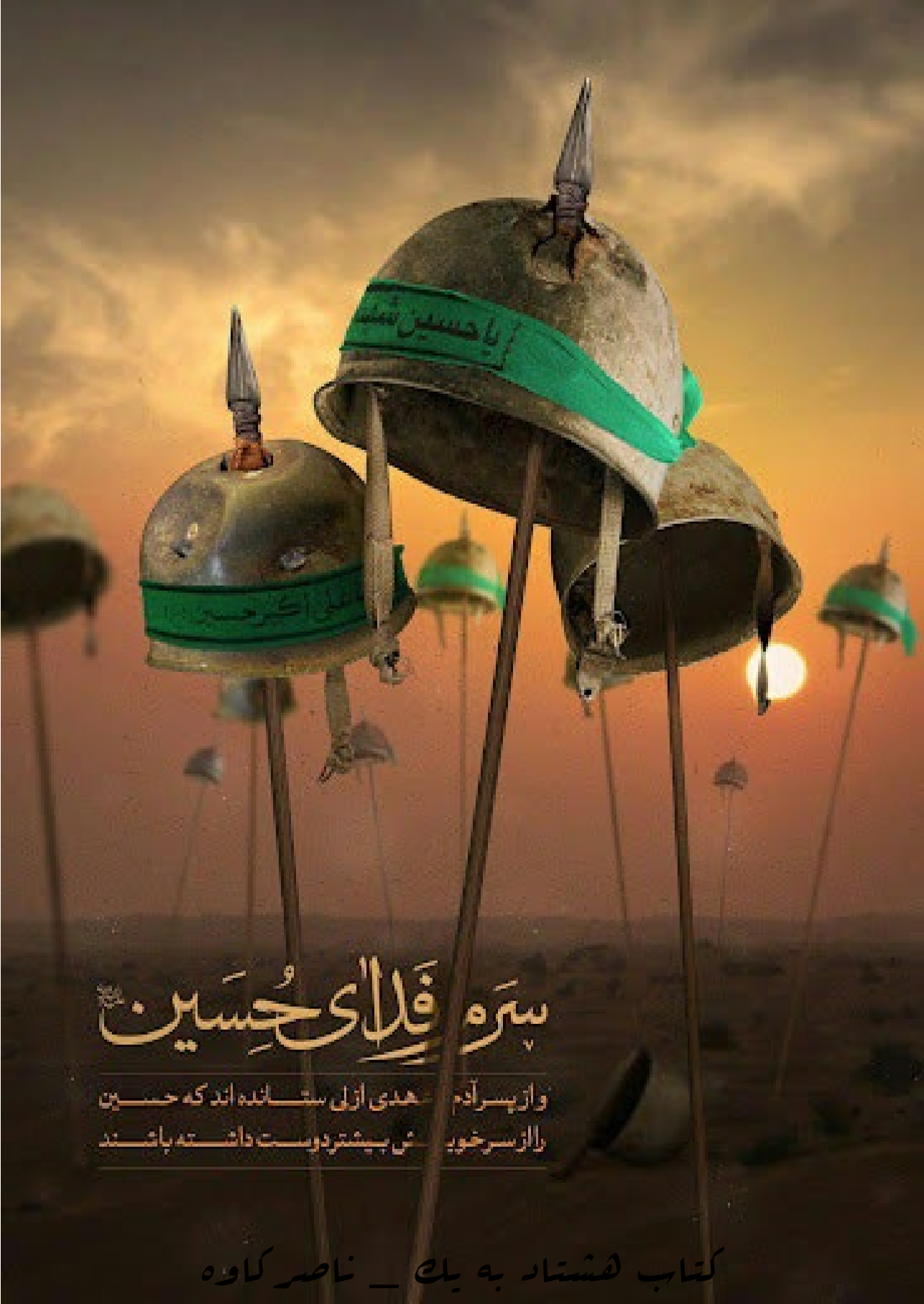
این واقعیت که کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی کشورهای عربی به عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اگر از کمک‌های نظامی کشورهای غربی و اروپایی بیشتر نبوده کمتر هم نبوده است، بر هیچ کس پوشیده نیست. بسیاری از کشورهای عربی با استفاده از برخی تعبیرها و تفسیرها از جمله اظهار نظر ملک حسین، شاه سابق اردن در سال ۱۹۸۰ میلادی که گفته بود، "عراق کشور عربی و برادر ماست که نباید مورد هیچ‌گونه تهدید خارجی قرار گیرد و یا آسیبی از هر منبع که باشد به آن برسد" و همچنین اعمال فشارهای سیاسی و نظامی از سوی آمریکا، سیل کمک‌های نظامی‌شان را به عراق در طی هشت سال جنگ علیه ایران سرازیر می‌کردند.

بی شک بررسی میزان این کمک‌ها و پرداختن به آمار و ارقام موجود در این زمینه از واقعیتهای تلخی پرده بر می‌دارد که گذشته از هر چیز میزان اعمال نفوذ و فشار آمریکا بر کشورهای عربی را به خوبی نشان می‌دهد.

کشور فلسطین با فرستادن سرباز در کنار نیروهای عراقی برای جنگ با ایران، صدام را یاری کرد.



کره جنوبی با فروش ۴۲۵ میلیون دلار مهمات، جیپ، و لوازم نظامی به کمک ارتش عراق آمد. ژاپن نیز با فروش تجهیزات مهندسی مانند کامیون، بولدوزر و غیره، صدام را یاری کرد. کشورهای کانادا، چکسلواکی، رومانی، دانمارک، مجارستان، لهستان، آلمان شرقی، ترکیه با فروش جنگ افزار و تجهیزات نظامی رژیم بعث عراق را یاری نمودند. همچنین کشورهای امارات متحده عربی، قطر نیز به صدام کمک های مالی و اطلاعاتی کردند.



سِرِّهِ فِلائی حُسین

وازی پر آدمی ازلی ستانده اند که حسین
را از سر خویشتن بیشتر دوست داشته باشند

کتاب هشتم به یاد _ ناصر کاوه

کمک های مصر به صدام

به عراق در جنگ کمک کردیم!؟

«وقتی قدرت را در دست گرفتم، تماس های غیررسمی با خیلی از کشورهای عربی را حفظ کردم. کمی بعد به مراسم ترحیم ملک خالد ، شاه چهارم سعودی رفتم با آنکه رابطه رسمی نداشتیم..

به عراق در جنگ علیه ایران کمک کردیم در حالی که روابط رسمی نداشتیم...

وقتی سال ۱۹۸۷ به نشست سران اسلامی در کویت رفتم، شیخ زاید حاکم امارات با من ملاقات کرد و گفت به کشورش بازمی گردد، سپس منتظر من است تا به دیدارش بروم. گفتم نمی خواهم مایه دردسرت شوم، اما اصرار کرد و در حالی که روابط رسمی نداشتیم، به دیدارش رفتم. بعد از آن، صدام از سرگیری روابط را اعلام کرد و بعدش ملک حسین شاه اردن... بدین ترتیب روابط مصر با کشورهای عربی با مجرای خود بازگشت و اتحادیه عرب به مقرش در قاهره بازگشت.

حضور مبارک در اتاق عملیات عراق

«هنگام عملیات فاو، به عراق و به دیدار صدام و فرماندهان عراقی در اتاق عملیات رفتم تا در جنگ علیه ایران به آنها کمک کنم. همه کشورهای عربی خلیج فارس داشتند بر این اساس اینکه کسی مثل صدام می‌گفت، دارد از جبهه شرق جهان عرب حمایت می‌کند، کمک مالی کردند. در نشست سران اسلامی در کویت حافظ اسد هم بود.

نوبت سخنرانی من قبل از او بود اما آنها اصرار کردند که قبل از من سخنرانی کنند. گفتم مشکلی نیست... اما حافظ اسد سخنرانی‌اش را با حمله به سادات شروع کرد. برخی افراد هیأت که همراهم بودند، گفتند برخیزیم و برویم. گفتم خیر. بعدش نوبت من که شد گفتم درست نبود که حافظ اسد اینطور درباره سادات صحبت کند.

سادات خدا رحمتش کند، درگذشته و رئیس جمهور مصر و رهبری عربی بود و ما در نشست سران اسلامی هستیم و من به این بی‌احترامی پاسخ نمی‌دهم... تا سخنرانی‌ام آغاز شد ف حافظ اسد و هیأت سوری خارج شدند تا سخنرانی مرا گوش نکنند.

توجهی نکردم و سخنم را ادامه دادم. نمی‌توانم اجازه دهم به رئیس جمهور پیشین مصر بخصوص سادات بی‌احترامی شود.

کشورهای منطقه و سایرینان واقعیت که کمکهای تسلیحاتی و اطلاعاتی کشورهای عربی به عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اگر از کمک‌های نظامی کشورهای غربی و اروپایی بیشتر نبوده کمتر هم نبوده است، بر هیچ کس پوشیده نیست.

بی‌شک بررسی میزان این کمک‌ها و پرداختن به آمار و ارقام موجود در این زمینه از واقعیت‌های تلخی پرده برمی‌دارد که گذشته از هر چیز میزان اعمال نفوذ و فشار آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ بر کشورهای عربی را عیان می‌کند...

منبع: به گزارش نصر به نقل از فارس، «حسنی مبارک» رئیس جمهور مخلوع مصر در مصاحبه‌ای تفصیلی با روزنامه الأنباء کویت

سیاست حمایت از عراق در جنگ علیه ایران، پس از انور سادات، بر عهده حسنی مبارک قرار گرفت. در طول دهه ۸۰، حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری مصر، معادل ۳/۵ میلیارد دلار موشک و تسلیحات در اختیار صدام قرار داد. علاوه بر کشورهایی که در بالا از آنها نام برده شد، می‌توان به کشورهایی چون بحرین، عمان، مراکش، الجزایر و سومالی نیز به‌عنوان حامیان صدام اشاره کرد.

یکی از حوزه‌های همکاری مصر و عراق در طول جنگ، همکاری در پروژه‌های موشکی بود. مصری‌ها در سه پروژه موشکی عراق به نام‌های العباس، الحسین و بدر ۲۰۰۰ همکاری کردند. البته تمرکز این همکاری‌ها روی پروژه بدر ۲۰۰۰ بوده است. هدف از این پروژه، تولید موشک‌های بالستیک با برد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر بود.

یکی دیگر از حوزه‌های همکاری مصر و عراق، در زمینه تسلیحات شیمیایی بود. روزنامه ژورنالم پست در سال ۱۹۸۹ به نقل از منابع قابل اعتماد نوشت: «مصری‌ها سال‌ها با عراق در زمینه تولید و ذخیره سازی تسلیحات شیمیایی همکاری کرده‌اند».

روزنامه نیویورک تایمز نیز با درج گزارشی در این زمینه نوشت: «مصر در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق در کنار تسلیحات متعارف در زمینه تسلیحات شیمیایی نیز با عراق همکاری کرده است»

جنگ هشت ساله عراق علیه ایران - از شهریور ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷- پس از جنگ ویتنام و بالاتر از جنگ جهانی اول، دومین جنگ طولانی قرن بیستم بوده است. (۱) بدون تردید جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یکی از بزرگترین تراژدی‌های انسانی تاریخ اخیر خاورمیانه و يك نقطه عطف در روند انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر ایران بوده است. [۱] (یکی از بزرگترین اجحافات ناروا از سوی غربی‌ها بخصوص به لحاظ علمی در حق ملت ایران به کاربردن عبارت Iran-Iraq War جهت مطالعه و بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در تمامی متون علمی و غیر علمی است. انگار که متجاوز این جنگ ایران و نه عراق بوده است. متأسفانه در داخل کشور نیز همین عبارت عیناً و به کرات ترجمه و کپی‌برداری شده است و در نوشته‌های نویسندگان داخلی نیز به صورت جنگ عراق و ایران یا جنگ ایران و عراق منعکس شده است.

خون شهیدان ما
امتداد خون پاک شهیدان گریلاست



کتاب هشتاد و یک _ ناصر کاوه

جنگ تحميلي عراق عليه ايران طولاني‌ترين و پرهزینه‌ترين درگيري نظامي در تاريخ معاصر منطقه خاورميانه تلقي مي‌شود. اين جنگ به عنوان اولين جنگ بزرگ جهان سوم نيز مطرح شده است، (۲) جنگي که عمیقاً موازنه نيروهاي اجتماعي در هر دو کشور را تحت تأثیر قرار داد.

قدرت نظامي ايران و عراق از آغاز جنگ در سال ۱۹۸۰ ميلادي تا پايان جنگ در سال ۱۹۸۷ هيچگاه با يکديگر برابري نمي‌نمود. عراق پس از مصر داراي بزرگ‌ترين ارتش عرب بود. (۳) اين ارتش از زبده‌ترين و مجهزترين ارتش‌هاي منطقه محسوب مي‌شد.

در سال ۱۹۸۰ بودجه نظامي عراق ۶۳ درصد افزايش يافت و ۱۵ کشور جهان بيش از ۶ ميليارد دلار تجهيزات نظامي در اختيار اين کشور قرار دادند. در مجموع، عراق در آغاز دهه ۱۹۸۰ به بزرگ‌ترين قدرت نظامي منطقه تبديل شده بود.

این قدرت نظامی به همراه قدرت اقتصادی با پشتوانه ۲۴ میلیارد دلار درآمد نفتی در سال ۱۹۷۹ و با ارائه چهره‌ای با ثبات از لحاظ سیاسی، موقعیت ممتازی در معادلات منطقه‌ای به دست آورد. (۴)

پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که براساس آن مرز مشترک آبی در رودخانه اروندرود طبق قوانین بین‌المللی خط تالوگ شناخته شد، رهبران عراق به تجدیدنظر در سیاست خارجی خود پرداخته، سیاست نزدیکی به کشورهای غربی به ویژه کشورهای اروپایی را مورد توجه قرار دادند. رهبران عراق با حفظ رابطه استراتژیک خود با شوروی، به تقویت روابط با کشورهای غربی اقدام نمودند. در این دوره فرانسه پس از شوروی، اصلی‌ترین تأمین‌کننده سلاح‌های عراق بود از این رو در اواخر دهه ۱۹۷۰ ارتش عراق به یکی از مجهزترین و قوی‌ترین ارتش‌های منطقه مبدل شد. (۵)

از آن جا که جنگ به عنوان یک پدیده بین‌المللی بیشتر از قاعده بازی با حاصل جمع جبری صفر (برد- باخت) پیروی می‌کند و منافع دیگران

را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موضع‌گیری و اقدام کشورها، به ویژه کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی در قبال آن نیز اجتناب ناپذیر است. واکنش کشورهای منطقه و قدرتمند جهان به جنگ ایران و عراق و مقدم بر آن به انقلاب اسلامی بر سه قسم بود: حمایت از عراق، حمایت از ایران و بی‌طرفی. در طول ۸ سال جنگ، حمایت‌ها و بی‌طرفی‌ها در حالت سکون نبود و پویایی آنها افزون بر تحولات خود آن کشور و نظام بین‌الملل به تحولات صحنه جنگ و روابط با دو طرف درگیر بستگی داشت. (۶) با گسترش گستره جغرافیایی جنگ، حملات هوایی در دریا و خشکی تشدید شد و ارتش عراق از سلاح‌های متنوع‌تر و پیچیده‌تری استفاده کرد و کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان و کویت، دو ابرقدرت وقت (آمریکا و شوروی) و همچنین قدرت‌های بزرگ اروپایی نیز در آن درگیر شدند. یکی از ویژگی‌های آشکار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران این بود که نبرد زمینی به نبرد دریایی گسترش پیدا کرد. نوع اخیر جنگ، ماهیتاً به گونه‌ای است که تأثیرپذیری دولت‌های ثالث و بی‌طرف در آن، برخلاف جنگ‌های هوایی و زمینی، بیشتر است. دولت عراق به مرور زمان، متأثر از اوضاع و احوال سیاسی،

نظامي و اقتصادي منطقه، و هم به انگیزه بین‌المللي کردن منازعه و دخالت دادن دولت‌هاي ثالث و فشار بر ايران و محروم ساختن آن از درآمد نفت، تعمداً جنگ را به صحنه دريا كشاند و بر دامنه و شدت آن افزود؛ از منطقه ممنوعه بهره برد و از سلاح‌هاي ممنوعه نیز عليه كشتي‌هاي بي‌طرف استفاده كرد. از اين‌رو، آسیب‌پذيري دولت‌هاي ثالث و بي‌طرف موضوعیت یافت و عملاً به دخالت دولت‌هاي ثالث و در نهایت مشاركت در جنگ به نفع عراق منجر گردید. در ابتدای جنگ، قدرت‌هاي بزرگ به طور آشكار در جنگ درگیر نشدند؛ اما به مرور زمان ایالات متحده، فرانسه، آلمان، انگلیس، شوروي و چین به میزان كمك‌ها به عراق افزودند. (۷) برای غرب و آمریکا، ايران دیگر يك متحد محسوب نمی‌شد و برای چین و شوروي نیز انقلاب اسلامي می‌توانست امنیت و ثبات را در اقمار مسلمان این کشورها بر هم بزند. (۸)

سال ۱۹۸۲ بزرگ‌ترین نقطه عطف هم به لحاظ نظامي و هم به لحاظ سياسي در جنگ عراق علیه ايران بود. در اواخر بهار، نیروهاي ایرانی مناطق نزدیک به دزفول و شوش و همچنین شهر خرمشهر را که همه

آنها از لحاظ استراتژيك اهميت فوق العاده اي داشتند آزاد ساختند. (۹)

پس از فتح خرمشهر، قدرت هاي بزرگ به اين نتيجه رسيدند كه در صورت بي توجهي به جنگ ايران و عراق، اين جنگ به تغيير رژيم بعث توسط نيروهاي ايراني و بر هم خوردن توازن قدرت منطقه اي منجر خواهد شد. در چنين شرايطي قدرت هاي بزرگ به صورت آشكار حمايت شان را از رژيم بعث اعلام كردند. در همين دوران، ايالات متحده روابط سياسي اش را با عراق كه از جنگ بين اعراب - اسرائيل در سال ۱۹۶۷ به بعد قطع شده بود، از سر گرفت. علاوه بر آن كشورهاي بزرگ اروپايي و همچنين شوروي و چين به صورت آشكار، اطلاعات و كمك هاي نظامي را در اختيار رژيم صدام قرار دادند. (۱۰) با افزايش كمك هاي بين المللي، عراق حوزه جنگ را در خليج فارس و به پاينه هاي نفتي ايران در خارك گسترش داد. (۱۱)

كشورهاي عربي به ويژه كويت و عربستان با ارسال كمك هاي مالي و نظامي به عراق بخشي از هزينه هاي اين كشور را در دوران جنگ تحميلي عليه ايران متقبل شدند. برابر گزارش محرمانه اي كه در آن

زمان منتشر شد، دو کشور یاد شده در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام‌های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، ابوغزاله، معاون رئیس‌جمهور و وزیر دفاع مصر، ادعای عراق را به عنوان يك دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت: «تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند». فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی اظهار کرده بود، «اگر عراق می‌گوید افرادی را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح‌های پیشرفته و همکاری بین‌المللی در این فداکاری (!) سهمیم بوده‌ایم». (۶۴)

هم زمان، «شیخ الصباح» سفیر کویت در آمریکا نیز در پاسخ به اظهارات عراقی‌ها اعلام نمود: «کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است؛ کویت در زمان جنگ بیش از نیاز نفت صادر می‌کرد تا به صدام در جنگ کمک کند». بعدها کویتی‌ها اذعان داشتند،

افزون بر كمك‌هاي مالي، پايگاه نيروي هوايي در اختيار عراق قرار دادند كه همين امر به عراقي‌ها براي حمله به جزيره خارك، پايانه‌هاي نفتي ايران و نفت‌كش‌ها كمك شاياني کرده بود.(۶۵)

كويت در اواخر سال ۱۹۸۱ يك كمك مالي ۷ ميليارد دلاري در اختيار عراق قرار دارد. به دنبال آن، عربستان سعودي ۳ ميليارد دلار، امارات عربي ۱ ميليارد دلار و قطر ۵۰۰ ميليون دلار به عراق كمك كردند. بغداد به كمك اين دلارها يك قرارداد تسليحاتي با فرانسه به مبلغ ۱/۵ ميليارد دلار، قراردادي براي تحويل تانك با انگلستان به ارزش يك ميليارد دلار و قراردادي با لهستان براي تحويل تانك‌هاي روسي منعقد ساخت.(۶۶)

نگاهي به وام‌ها و كمك‌هاي اقتصادي دولت كويت به عراق در طي سال‌هاي جنگ نشان مي‌دهد كه كويت يكي از عمده‌ترين وام‌دهندگان به عراق بوده است. كارشناسان، هزينه جنگي عراق را ماهانه بين ۶۰۰ ميليون تا يك ميليارد دلار برآورد مي‌کردند؛ در حالي كه ارز حاصل از صدور روزانه ۱/۸۹۳ ميليون بشكه نفت به قيمت متوسط ۱۲ دلار براي

هر بشكه در سال‌هاي پاياني جنگ، رقمي در حدود ٦٨١ ميليون دلار در ماه بود و اين حتي تكافوي هزينه جنگي عراق را نمي‌کرد. از اين جهت نقش حمايت كشورهاي عربي به ويژه كويت و عربستان در جنگ تحميلي از عراق به خوبي آشكار مي‌شود. در ذيل به برخي از كمك‌هاي كويت و عربستان به عراق در طول جنگ تحميلي اشاره مي‌شود:

در اوايل سال ١٣٦٠ مطبوعات كويت گزارش دادند كويت و عربستان قرار است يك وام شش ميليارد دلاري در اختيار دولت عراق قرار دهند. سهم كويت از اين مبلغ، دو ميليارد و سهم عربستان چهار ميليارد دلار تعيين شده بود.

هفت ماه پس از اعطاي وام نخست كويت به عراق، در تاريخ ١٣٦٠/٨/١٩ گزارشي مبني بر واگذاري يك اعتبار ٤/٧ ميليارد دلاري از سوي كويت به دولت عراق منتشر شد.

در تاريخ ١٣٦٥/١/٩ نيز واحد مركزي خبر در تهران گزارش داد دولت كويت در ادامه حمايت مالي‌اش از عراق، وامي به مبلغ هشت ميليون و ٩٠٠ هزار دينار كويتي به عراق پرداخت خواهد كرد.

از سال ۱۹۸۲ کویت و عربستان توافق کردند عایدات صدور نفت از منطقه بی‌طرف (روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه) به حساب عراق واریز شود. این توافقنامه تا سال ۱۹۸۶ اعتبار داشت و عراق درصدد تمديد آن برای يك سال دیگر بود. (۶۷)

در طول جنگ تحمیلی اردن نیز که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابطه حسنه‌ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روز به روز نزدیک‌تر و عمیق‌تر شد؛ تا آنجا که ملک حسین صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده و با کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان‌اش از جمله اعطای وام‌های چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام کرد. (۶۸)

در طول جنگ هشت ساله، واردات کالا و سلاح به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چهارچوب شبکه حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد و بندر عقبه این کشور برای حمل و نقل سلاح و

تجهيزات نظامي سبك و سنگين در اختيار عراق قرار گرفت. ملك حسين كه نظاميان اردن را براي سرکوب رزمندگان ايران به عراق گسيل داشته بود، در نطقي اظهار داشت: «اگر ضرورت ايجاب کند نيروهاي بيشتري را به عراق اعزام خواهيم کرد». (۶۹) توجه به بخشي از اظهارات ملك حسين در جريان برگزاري جلسه عادي كابينه اردن در تاريخ ۱۳۵۹/۱/۲ موضع آن کشور را در قبال جنگ ايران و عراق، نشان مي‌دهد: «وظيفه اعراب است كه براي وحدت خود و جلوگیری از سرايت خطرات، هرکجا كه باشد همکاري کنند، ما وظيفه داريم جهان اسلام را آرام و قرين همبستگي داشته باشيم؛ ما به عنوان کشوري عربي نبايد اجازه دهيم هيچگونه تجاوزي از هر مصدر كه باشد به هيچ جزئي از خاك عراق صورت بگيرد». (۷۰)

همچنين تعدادي از کشورهاي منطقه نيز در جنگ حضور مستقيم داشتند و با اعزام نيرو به عراق، رژيم بعث را در مقابل ايران حمايت مي‌کردند. در اين راستا، با گذشت بيش از يك دهه از پايان جنگ

حسني، مبارك، رئيس جمهور مصر، اعتراف کرد: « ۱۸ هزار سرباز مصري در کنار بعثي‌ها در مقابل ايران مي‌جنگيدند.» (۷۱) مصر همچنين قطعات يدكي و تسليحات ديگري هم‌چون ۲۵۰ فروند تانك «تي ۵۵» و «تي يو ۱۶» و هواپيماهاي بمب‌افكن ايلوشين ۲۸ را در اختيار عراق قرار داد. در طول جنگ، عراقي‌ها در حدود ۲ ميليارد دلار سلاح از مصر خريداري کردند. (۷۲)

در آستانه جنگ، مصر با ايران و عراق رابطه ديپلماتيك نداشت. هم عراق و هم ايران، انور سادات، رئيس جمهور مصر، را به دليل سفر به اسرائيل در ۱۹۷۷ و امضاي قرارداد كمپ ديويده در ۱۹۷۸ و پيمان صلح در ۱۹۷۹ خائن به آرمان‌هاي اعراب و اسلام مي‌دانستند. با وجود اين با آغاز جنگ، معامله اقتصادي و نظامي بزرگي بين عراق و مصر صورت گرفت. اين معامله شامل تحويل سلاح‌هاي سنگين و هليکوپتر به عراق از طريق مصر و پرداخت نقدي آن توسط عراق بود. (۷۳) با حمله عراق به ايران، سادات با وجود اختلافاتش با رهبران عراق از اين کشور

حمایت کرد و به این کشور تسلیحات فروخت. (۷۴) تحلیلگران سیاسی این اقدام را نشانه نفرت بیش از اندازه سادات از انقلاب اسلامی ایران قلمداد می‌کنند. (۷۵)

از آغاز جنگ تا آزادسازی خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱ به دست رزمندگان ایران، شرایطی که مستلزم ایفای نقش فعال مصر در جنگ باشد، وجود نداشت. این امر سه دلیل عمده داشت: نخستین و مهم‌ترین دلیل، موضع برتر نیروهای عراقی در جبهه‌های جنگ بود. دومین دلیل، عدم تمایل سادات به ایفای چنین نقشی بود؛ زیرا او به طور یکسان از رهبران دو کشور درگیر در جنگ که مخالف سرسخت سیاست‌هایش در قبال رژیم صهیونیستی بودند، نفرت داشت. سومین دلیل نیز عدم تمایل شیخ‌نشین‌های ثروتمند حوزه خلیج فارس به ایفای چنین نقشی توسط مصر بود. (۷۶) این دلایل باعث شد تا مصر در این دوران تنها به فروش تسلیحات به عراق اکتفا کند. اما با ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ و چند ماه بعد از فتح خرمشهر و پیروزی‌هایی که نیروهای ایرانی در

جبهه‌های جنگ به دست آوردند، شرایط برای مداخله گسترده مصر در دوران حکومت حسني مبارك فراهم شد. عراق در سال ۱۹۸۲ با اعزام يك هيئت نظامي به قاهره خواستار افزایش سطح همکاری نظامي مصر شد. مصر در واکنش به تقاضاي عراق و شرایط به وجود آمده با احتیاط عمل کرد. مصري‌ها ضمن اینکه پذیرفتند سطح کمک و همکاری‌های نظامي خود را با عراق افزایش دهند، اما از پذیرش همکاری فراتر از چهارچوب‌های تعریف شده که به منزله مداخله مستقیم در جنگ بود، خودداری کردند.(۷۷)

يکي از حوزه‌های همکاری مصر و عراق در طول جنگ، همکاری در پروژه‌های موشکي بود. مصري‌ها در سه پروژه موشکي عراق به نام‌های العباس، الحسين و بدر ۲۰۰۰ همکاری کردند. البته تمرکز این همکاری‌ها روی پروژه بدر ۲۰۰۰ بوده است. هدف از این پروژه، تولید موشک‌های بالستیک با برد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر بود. يکي دیگر از حوزه‌های همکاری مصر و عراق، در زمینه تسلیحات شیمیایی بود. روزنامه ژورنال پست



فلاح مقلد

جنگ هشت ساله، جنگ دو کشور و دو ارتش نبود؛ جنگ يك
اتلاف نانوشته جهانی علیه ملتی که تصمیم داشتند حاکم
فشار ممکن را از لحاظ نظامی و اقتصادی و غره بر او وارد
بیاورند بود. تا از راهی که در پیش گرفته بود برگردد؛
ولی نتوانستند. امام خامنه ای (مدظله العالی)

کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

در سال ۱۹۸۹ به نقل از منابع قابل اعتماد نوشت: «مصري‌ها سال‌ها با عراق در زمینه تولید و ذخیره سازی تسلیحات شیمیایی همکاری کرده‌اند» (۷۸) روزنامه نیویورک تایمز نیز با درج گزارشی در این زمینه نوشت: «مصر در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق در کنار تسلیحات متعارف در زمینه تسلیحات شیمیایی نیز با عراق همکاری کرده است» (۷۹).

در طول جنگ تحمیلی، مصر می‌کوشید تا نقش يك موازنه‌گر را ایفا کند؛ نقشی که بر مبنای آن، همکاری نظامی با عراق از حدود قدرت ایستادگی این کشور در برابر ایران فراتر نمی‌رفت. مبارك در مصاحبه‌اش با مجله لبنانی السفير با تأکید بر سیاست موازنه، درباره نقش مصر در جنگ عراق و ایران ادعا کرد: «مصر هیچ گاه از جنگ میان عراق و ایران که هر دو جزو کشورهای اسلامی هستند و میان آنها رابطه دوستی برقرار بوده، حمایت نکرده است. من امیدوارم که ما نقش میانجی را میان ایران و عراق ایفا کنیم. من علت آنچه که باعث

شده ایران موضع تندي در برابر ما اتخاذ کند را نمي دانم. اگر چه ما به عراق آن قدر كمك نمي كنيم كه عمليات هاي نظامي تهاجمي [اين كشور] را عليه ايران ممكن سازد. ما از مذاكرات و ميانجيگري براي حل مسائل حمايت مي كنيم. ما هرگز به عراق سلاح تهاجمي كه با آن به ايران ضربه بزند ارائه نكرده ايم. اين هرگز اتفاق نيفتاده است. ما آن گونه كه برخي تصور مي كنند هيچ نيروي نظامي در عراق نداريم. ما در جنگ تخصص داريم. ما در جنگ نمي توانيم يك نيروي ناكامل اعزام كنيم. اگر ما مي خواستيم كه به عراق نيرو بفرستيم مي بايست يك نيروي كامل مي فرستاديم». (۸۰)

با توجه به اينكه در طول جنگ تحميلي، سوريه و لبيي طرفدار و حامي ايران بودند، مصر نيز از اينكه براي ايجاد موازنه در طرفداري از عراق ايفاي نقش كند، ابايي نداشت. در واقع همچنان كه سوريه و لبيي خود را موظف به تأمين تسليحات مورد نياز ايران مي دانستند، مصر نيز تدارك تسليحات، مشاوره نظامي و همكاري در پروژه هاي نظامي عراق

را وظیفه خود می‌دانست. حمایت تمامی کشورهای عربی به جز سوریه از رژیم بعث عراق و حمایت مالی و تسلیحاتی بسیاری از کشورهای جهان از این رژیم، تفاوت نابرابری قدرت نظامی میان دو کشور را به خوبی نمایان می‌کند. (۸۱)

کمک‌هایی که عراق در طول جنگ با ایران دریافت نمود به موارد مشخصی محدود نمی‌شد، بلکه این کمک‌ها همه زمینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی را در بر می‌گرفت. به عنوان مثال، در زمینه مشارکت مستقیم کشورهای عربی در جنگ تحمیلی، یمن تیپ پیاده «العروبه» را در طول جنگ با ایران به عراق فرستاده بود. اردن نیروی «البرموک» را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام نمود که در منطقه شرق میسان، در خط مقدم جبهه فعالیت می‌کردند. (۸۲) از سوی دیگر، کلیه کشورها به جز کره شمالی و گاهی چین و برخی کشورهای عربی درهای خود را بر روی ایران بسته بودند. در سال‌های پایانی جنگ عراق علیه ایران، بین‌المللی شدن جنگ در حوزه سیاسی موجب تغییر موضع

در میان معدود کشورهای طرفدار ایران در منطقه شد. متحدان عرب عراق تلاش گسترده‌ای را برای جدا کردن متحدان منطقه‌ای ایران آغاز نمودند. در نتیجه این تلاش‌ها، لیبی مجدداً روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سرگرفت و حتی مقابل ایران موضع گرفت. سوریه نیز با وجود تداوم حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران، اعلام نمود نمی‌تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت تعرض ایران علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در کنار اعراب قرار خواهد گرفت. (۸۳)

نتیجه‌گیری

بدون تردید جنگ فرسایشی و طولانی عراق علیه ایران جنگ نیابتی بود و به همین دلیل عراق نمایندگی مقابله با انقلاب اسلامی را در یک جنگ تحمیلی بر عهده داشت و لذا از یک حمایت تضمین شده، همه جانبه و گسترده برخوردار بود. در آغاز جنگ، به علت وجود شکاف در ساختار نظام بین‌الملل، هیچ یک از قدرت‌های بزرگ آمریکا، شوروی [سابق] و اروپای غربی به تنهایی توان تأثیرگذاری بر فرآیند این جنگ را نداشتند. در طول سال‌هایی که جنگ ادامه داشت، دولت‌های بزرگ

تلاش کردند ظرفیت نفوذ خود را بر ایران و عراق فزونی بخشند و از تغییر وضع موجود جلوگیری کنند. تلاش برای حفظ وضع موجود به مداخله ابرقدرت‌ها در جنگ، تحت پوشش بی‌طرفی منجر گردید.

ناتوانی آمریکا، شوروی و کشورهای غربی در افزایش نفوذ خود بر ایران و همچنین منافع متقابل قدرت‌های بزرگ در جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ، به حمایت گسترده بازیگران اصلی نظام بین‌الملل از عراق انجامید. پشتیبانی همه جانبه قدرت‌های بزرگ از عراق موجب برقراری توازن در جنگ و تداوم آن به مدت هشت سال گردید.

سیاست خارجی مستقل ایران و عدم همکاری آن با نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ، ویژگی خاصی به جنگ ایران و عراق بخشید. ناتوانی سازمان ملل به عنوان نماد وجدان بشری در حل و فصل این جنگ، نشانگر جنبه‌هایی از دوره جنگ سرد بود، اما صدور قطعنامه‌هایی مختلف به اتفاق آراء، نوعی توافق بین قدرت‌های بزرگ را نشان می‌داد. این تعارض، ناشی از حساسیت منطقه خلیج فارس و وجود منافع حیاتی دولت‌های خارجی در این منطقه بود. در طول مدت جنگ،

آمریکایی‌ها در فکر تجدید موقعیت گذشته خود در منطقه بودند. اروپا از قطع صدور نفت و نیز سلطه انحصاری ایالات متحده بر منابع نفتی نگران بود. روس‌ها نیز نگران از دست دادن تنها متحد خود در ساحل خلیج فارس و نادیده گرفته شدن نقش‌شان در منطقه بودند.

سیاست اصلی قدرت‌های بزرگ در طول جنگ تحمیلی، حفظ توازن قوا در منطقه و استفاده از فرصت‌های به دست آمده در گسترش حوزه نفوذ بود. این رویکرد، از طرفی همکاری قدرت‌های بزرگ برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق را در بر داشت و از طرف دیگر به رقابت پنهان این قدرت‌ها در جهت کسب موقعیت بهتر انجامید که تداوم جنگ را در پی داشت.

بدون تردید اگر تنها بخشی از حمیت و عصبیت عربی کشورهای عربی در حمایت همه جانبه از عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران، متوجه مبارزه با رژیم صهیونیستی می‌شد، شاید تاکنون این رژیم از نقشه خاورمیانه و جهان محو و فقط نامی از آن در تاریخ برای عبرت آیندگان به یادگار مانده بود!

غلامرضا ثاني نژاد، ریشه‌یابی تهاجم عراق به ایران

محمود یزدان‌فام، «عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق»،

محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان)، تهران:

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، صص ۴-۲۳.

علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران،

تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۸/۵/۸۱.

حسین یکتا، «مواضع قدرت‌های بزرگ و جنگ ایران و عراق»،

مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد

العالم، ۶۳/۴/۲۳ شماره سند ۱۷۳۷.

روزنامه اطلاعات، ۷۶/۸/۵. ص ۱۲.

Bob Woodward, Veil: The Secret wars of the CIA, 1981-

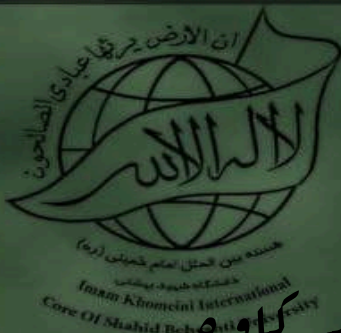
آمریکا و جنگ ایران و عراق به روایت مطبوعات خارجی: اتخاذ

سیاست‌های خصمانه علیه ایران، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۱۰.

کمک های چین به رژیم بعث



چین از ابتدا اعلام بی طرفی کرد ، اما در طی کل جنگ بین ایران و عراق سیاست های دوگانه ای را پیش گرفت . همزمان به هر دو طرف کمک هایی میکرد ، چین مستقیماً به حزب بعث کمک های مالی میکرد و از آنجایی که دولت وقت چین به تازگی روابط نوپایی با غرب و آمریکا در پیش گرفته بود تمایل نداشت با کمک به ایران حمایت آمریکا را از دست بدهد . چین چند ماه پس از شروع جنگ یک قرارداد فروش سلاح به بغداد را با حزب بعث به امضا رساند که در طی آن ۱۳۰۰ تانک تی ۵۹، آتشبار توپخانه، نفربر زرهی که ۱ میلیارد دلار قیمتشان بود را به عراق داد. چین زمانی که احساس کرد که احتمال فروپاشی جمهوری اسلامی ایران هست کمک های خودش به ایران را متوقف کرد و مناسبات خودش با عراق را افزایش داد در طی این اقدام برای عراق کوره اتمی به کار انداخت و همچنین اورانیوم غنی شده به عراق فروخت. زمانی که ورق برگشت و ایران مجدد قدرتش افزایش یافت و پیروزی هاش در نبرد ها افزایش پیدا کرد مجدد چین مناسبات خودش با ایران را افزایش داد و تجهیزات و مهمات نظامی قابل توجهی به ایران داد اما برای حفظ توازن جنگ به عراق نیز نزدیک به ۱۰۰ جنگنده اف ۶ ارسال کرد و ۲۶۰ تانک تی ۶۹ که نزدیک به ۱ میلیارد ارزش داشت به عراق فروخت . تا انتهای جنگ چین همین روند دوگانه را ادامه داد و چهره مهمی در ایجاد آتش بس بین ایران و عراق بود.



کتاب هشتم به یک ناصر کاوه

نقش چین در جنگ ایران و عراق

از آب گل‌آلود جنگ ایران و عراق هرکسی ماهی دلخواه خودش را می‌گرفت و اگر کسی خیال کند مواضع دوستانه یا دشمنانه یا حتی بی‌طرف کشورهای جهان در قبال جنگ ایران و عراق با ملاحظات انسان‌دوستانه توأم بوده است، شاید بهتر باشد اسناد موجود مواضع کشورهای گوناگون در مورد جنگ ایران و عراق را بیشتر مرور کند، اما سطح انصاف کشورهای موثر جهانی، ولو به اقتضای منافع ملی خاص خودشان، با یکدیگر تفاوت داشت. در این میان، چین به‌عنوان یک عضو دائمی شورای امنیت و یک قدرت بزرگ جهانی و منطقه‌ای دارای مواضع نسبتاً منصفانه‌تری نسبت به جنگ ایران و عراق بود.

اگرچه رفتارهای بی‌طرفانه و منصفانه چین در جنگ ایران و عراق خارج از منافع ملی آن کشور تعریف نمی‌شود، اما به‌هرحال باعث کسب امتیازات و امکانات فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران گردید و سهم زیادی در توازن سیاسی و نظامی ایران در جنگ با عراق داشت. چین به‌عنوان اولین فروشنده تجهیزات نظامی و مهمترین مدافع سیاسی

ایران در صحنه جهانی نه تنها با کمک به ایران مانع از رقم خوردن سرنوشت جنگ به سود غرب شد، توانست در پایان گرفتن عادلانه جنگ از طریق قطعنامه ۵۹۸ تاثیر مهمی داشته باشد. مختصری از چگونگی مواضع و روابط خارجی چین در قبال جنگ ایران و عراق را در نوشتار زیر مطالعه خواهید فرمود.

جمهوری خلق چین در نیم کره شمالی و در قسمت شرقی قاره آسیا و ساحل غربی اقیانوس آرام واقع است و با ۹/۶ میلیون کیلومتر مربع مساحت، سومین کشور بزرگ جهان محسوب می شود. این کشور با بیست و دو هزار و هشتصد کیلومتر مرز مشترک از شرق با کره شمالی، از شمال با مغولستان، از شمال شرقی با روسیه، از شمال غربی با قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان، از غرب با افغانستان، پاکستان، هند و نپال، از جنوب غربی با میانمار و از جنوب با لائوس و ویتنام هم مرز است. علاوه بر این، چین با کشورهای کره جنوبی، ژاپن، فیلیپین، برونئی و مالزی مرز آبی دارد. پایتخت چین شهر باستانی پکن با پیشینه تاریخی سه هزار ساله است. [۱]

جمهوری خلق چین در جهت‌گیری سیاست خارجی، کشوری غیرمتعهد و از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. مبنای اصلی سیاست خارجی چین در دوره دنگ شیائوپینگ (معمار اصلاحات چین) سیاست درهای باز و نوعی عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در دهه ۱۹۸۰ میلادی بود. ویژگیهای اصلی این سیاست عبارت بودند از: کنارگذاشتن اخلاقیات (که وجه غالب سیاست خارجی مائو بود)، برقراری روابط با کشورهای مختلف جهان بدون توجه به نوع نظامهای سیاسی و اقتصادی آنها و بر اساس منافع ملی، منطقه‌گرایی و توجه به منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به‌خاطر نفت و بازار مصرف آن، نزدیکی به غرب و امریکا و بروز شکاف در مناسبات چین و شوروی.[ii]

در این چارچوب، چین در قبال جنگ ایران و عراق سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفت. سیاست اعلامی و رسمی آن، بی‌طرفی و سیاست اعمالی آن تقویت بنیه نظامی و ایجاد نوعی توازن میان دو کشور درگیر جنگ بود. دولت دنگ شیائوپینگ که روابط نوپایی را با امریکا و دنیای غرب در آغاز دهه ۱۹۸۰ برقرار کرده بود، به‌هیچوجه تمایل نداشت به

خاطر حمایت از جمهوری اسلامی ایران در مقابل عراق — که از پشتیبانی غرب برخوردار بود — این مناسبات را تخریب نماید. به همین دلیل هرگز حاضر نشد عراق را به خاطر شروع جنگ محکوم نماید. [iii] چین با آغاز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) اعلان بی طرفی کرد و بدون اشاره به آغازگر جنگ، از دو کشور خواست به جنگ پایان دهند. این کشور در نخستین روزهای جنگ، همراه با چهار عضو دائمی دیگر شورای امنیت، پس از مشورتهای طولانی در پشت درهای بسته، توافق کردند که شورا از تشکیل جلسه رسمی برای رسیدگی به تهاجم نظامی عراق به ایران، شناسایی تجاوز و متجاوز خودداری کند و به صدور بیانیه‌ای بسنده نماید. [iv]

نماینده دائمی چین در شورای امنیت سازمان ملل، در جلسه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ۱۳۵۹) تصریح کرد که هیچ تعارض اصولی بین کشورهای جهان سوم وجود ندارد و اختلافات این کشورها باید از راههای صلح آمیز همچون مشورت یا مذاکره حل و فصل شود. [v] پکن

که نگران به‌خطرافتادن جریان صدور نفت از خلیج‌فارس و مداخله قدرتهای بزرگ در این منطقه بود، مداخله نیروی سوم در جنگ ایران و عراق را اقدامی خطرناک دانسته و در پیگیری این سیاست به شوروی هشدار داد تا از رخداد شوم و تراژدی ایران و عراق به نفع خود بهره‌برداری نکند. [vi]

ازسوی‌دیگر، چین در پیشبرد سیاست اجرایی خود قرارداد فروش سلاح به بغداد را چند ماه پس از شروع جنگ ایران و عراق به امضاء رساند که به موجب آن ۱۳۰۰ دستگاه تانک تی — ۵۹ ساخت دهه ۱۹۵۰، آتشبار توپخانه و نفربر زرهی به مبلغ یک‌میلیارد دلار به عراق تحویل شد. [vii]

البته چین از طرف دیگر جنگ (جمهوری اسلامی ایران) نیز غافل نبود و تلاش داشت از توانایی‌های این کشور در معادلات منطقه‌ای و مقابله با حضور شوروی در افغانستان و گسترش نفوذ آن در خلیج‌فارس بهره گیرد. در این چارچوب، پکن به درخواست ایران پاسخ مثبت داد و در پی بسته‌شدن کریدور هوایی در غرب کشور بر اثر وقوع جنگ، به هواپیماهای باری ایران اجازه داد از فراز آسمان آن کشور عبور کنند. اما

با به بن بست رسیدن جنگ در ماههای پایانی سال ۱۳۵۹ و شش ماهه اول سال ۱۳۶۰ و تشدید بحران داخلی در ایران و افزایش احتمال فروپاشی نظام جمهوری اسلامی، چین مناسبات خود را با عراق تقویت نمود و موافقت کرد برای به کار انداختن کوره اتمی، اورانیوم غنی شده به این کشور تحویل دهد. دو کشور همچنین موافقتنامه‌ای در زمینه همکاری بازرگانی و اقتصادی در اوایل سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) به امضاء رساندند. با نزدیک شدن نخستین سالگرد جنگ، چین از چشم انداز غم انگیز برای صلح به بن بست رسیده ابراز نگرانی کرد و تداوم جنگ ایران و عراق را وسوسه‌ای برای ابرقدرتها جهت مداخله در منطقه دانست و بر آمادگی مجدد خود برای میانجیگری پای فشرد. [viii]

با آغاز پیروزیهای ایران در جبهه‌های جنگ در شش ماهه دوم سال ۱۳۶۰ و در سال ۱۳۶۱، مناسبات ایران و چین گسترش یافت و به دنبال سفر یک هیات ایرانی به چین تفاهم‌نامه همکاری تجاری و نظامی بین دو کشور امضاء شد. از مفاد این تفاهم‌نامه ایجاد چهار کارخانه اسلحه سازی برای تولید موشک، مهمات و لوازم یدکی در ایران بود.

علاوه براین، چین متعهد شد تجهیزات نظامی از قبیل موشکهای ضدهوایی و ضدکشتی، قطعات توپخانه، لوله توپ و تفنگ و مهمات به ایران بفروشد.[ix]

دراین حال، چین به منظور حفظ توازن در جنگ در دسامبر ۱۹۸۲ (آذرماه ۱۳۶۱) قریب به ۱۰۰ فروند جت جنگنده اف - ۶ با کشتی در اختیار عراق قرار داد و در ژانویه ۱۹۸۳ (دی ماه ۱۳۶۱) بر اساس یک معامله یک میلیارد دلاری، ۲۶۰ تانک تی - ۶۹ مجهز به فاصله یاب لیزری و تجهیزات اشعه مادون قرمز دید در شب به عراق فروخت.[x]

چند ماه بعد در آوریل ۱۹۸۳ (بهار ۱۳۶۲) چین و جمهوری اسلامی ایران قراردادی رسمی بالغ بر یکمیلیارد و سیصد میلیون دلار برای فروش سلاح امضاء کردند. چین در این قرارداد ملزم شد تعداد ۱۰۰ فروند هواپیمای جنگی جی ۶، تانکهای تی - ۵۹، قطعات یدکی توپهای ۱۳۰ م. م. و سلاحهای سبک، طی سه سال در اختیار ایران قرار دهد.[xi]

با افشای این قرارداد، دولت چین تحت فشار شدید امریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار گرفت و موج گسترده ای از حملات رسانه ای

علیه چین به راه افتاد. این حملات تا بدانجا پیش رفت که مقامات
چینی مجبور شدند کلیه گزارشات را تکذیب کنند.[xii]

رئیس وقت پارلمان چین نیز با هدف دلجویی از کشورهای عرب حاشیه
خلیج فارس طی نامه‌ای به امیر کویت خواستار به‌کارگرفتن تمام تلاش
های بین‌المللی جهت خاتمه جنگ شد. در همین چارچوب، چین در
نیمه دوم سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) اعلام کرد چون با هر دو کشور مناسبات
حسنة دارد، نقش فعالتری را در جهت یافتن راه‌حلی برای پایان‌دادن
به جنگ ایران و عراق ایفا می‌کند.

به دنبال آن، ووشه چیان، وزیر خارجه وقت چین، در آذرماه ۱۳۶۳ به
ایران مسافرت کرد و طی چند دور مذاکره با مقامات ایرانی از دو کشور
درگیر خواست از بمباران هدفهای غیرنظامی خودداری کنند و به توافق
ژوئن ۱۹۸۴ پایبند باشند.[xiii]

چین رسماً اجازه صدور موشکهای استیکس با برد هشتاد کیلومتر و با
تکنولوژی کهنه خود را در سال ۱۹۸۴ به ایران صادر کرد. به گزارش
موسسه بین‌المللی بررسی‌های استراتژیک لندن طی قراردادی فیما بین

تهران و پکن در مارس ۱۹۸۵، جمهوری خلق چین متعهد شد یک میلیارد و ششصد میلیون دلار اسلحه شامل چهارده فروند هواپیمای جی ۶ و جی ۷، دویست دستگاه تانک تی - ۵۹، توپهای ۱۳۰، موشک انداز ضد تانک، موشک کرم ابریشم (های نیک ۲)، موشکهای کروز سی ۸۰۱ و موشکهای سی. اس. آی. ۱ به ایران تحویل دهد.[xiv]

در پی این قرارداد وزرای خارجه هفت کشور عربستان سعودی، کویت، اردن، تونس، مراکش، عراق و یمن شمالی در نخستین روزهای سال ۱۳۶۴ (۱۹۸۵) به پکن سفر کردند و بر سر چهار موضوع عدم فروش سلاح به ایران، درخواست از طرفین جنگ برای عدم حمله به مناطق مسکونی، لزوم توقف جنگ و یافتن راهحلی برای استقرار صلح بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر گفت‌وگو کردند.[xv]

چند ماه بعد، هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در تیرماه ۱۳۶۴ به پکن سفر نمود و درباره موضوع جنگ ایران و عراق گفت‌وگو کرد. در این گفت‌وگوها، دنگ شیائوپینگ، رهبر چین، پیشنهاد نمود جنگ عراق و ایران تحت شرایط قابل قبول طرفین

به‌زودی پایان یابد. در این مذاکرات، طرفین درباره فروش موشک‌های زمین به زمین چینی از نوع «اسکاد یک او» و «ویک‌یی» به توافق رسیدند.[xvi]

چین طبق قرارداد منعقدۀ متعهد شد ۴۰ فروند موشک زمین به زمین در اختیار ایران قرار دهد، مشروط به اینکه ایران تا تحویل کامل موشک‌ها از کاربرد آنها خودداری کند و موضوع را پنهان نگه دارد. ۱۵ فروند از این موشک‌ها تا مهر ۱۳۶۴ تحویل شد.[xvii]

همچنین چین با فروش تجهیزات جنگی برای مدت دو سال شامل میگ‌های روسی اس - ۱۹، تانک‌های تی - ۵۴ و سلاح‌های ضد هوایی برای مقابله با حملات عراق در ازای دومیلیون تن نفت خام موافقت کرد. این اقدام چین واکنش شدید کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی، را در پی داشت.[xviii]

چین به‌خاطر درآمان ماندن از فشارهای کشورهای غربی و عربی حامی عراق به دلیل فروش مستقیم سلاح به ایران، اقلام نظامی مورد نیاز جمهوری اسلامی را از طریق کشور ثالث کره شمالی ارسال می‌کرد. با

این وجود، دولت امریکا که مناسبات ایران و چین را به شدت زیر نظر داشت، در مردادماه ۱۳۶۴ اعلام کرد چین ۱۲ جت جنگنده و ۲۲ دستگاه تانک در اختیار ایران قرار داده است. [xix]

در پاییز ۱۳۶۴ چین اعلام کرد درصدد به عهده گرفتن نقش بیشتری در یافتن راه حلی برای پایان دادن به جنگ پنج ساله ایران و عراق است. به دنبال آن هیاتی به سرپرستی وزیر خارجه وقت چین، عازم منطقه خاورمیانه و خلیج فارس شد و در نخستین مرحله از سفر، وارد بغداد گردید. وی در این سفر، با تاکید بر سیاست بی طرفی کشورش در جنگ ایران و عراق، از تلاشهای امارات متحده عربی و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای پایان دادن به جنگ پشتیبانی کرد. در ژانویه ۱۹۸۶ (زمستان ۱۳۶۴)، در پی حملات شیمیایی عراق به شهر سردشت (که بیش از هشت هزار نفر شهید و مجروح داشت) چین با امریکا و سایر اعضای دائمی شورای امنیت همراه شد و از اقدام فوری و موثر شورا در محکومیت عراق و از اعزام مجدد گروه تحقیق دبیرکل برای بررسی کاربرد سلاح شیمیایی در سردشت جلوگیری به عمل آورد.

وزارت خارجه چین تنها به انتشار بیانیه‌ای در بهمن‌ماه ۱۳۶۴ بسنده کرد که آتش‌بس فوری در جنگ خلیج فارس را خواستار شده بود. [XX]

در سال ۱۳۶۵، جمهوری خلق چین همچنان به سیاست برقراری توازن مابین دو کشور ایران و عراق درگیر جنگ ادامه داد. در بهار این سال با سفر یک هیات چینی به بغداد، موافقتنامه‌ای اقتصادی و فنی بین دو کشور به امضاء رسید. در این حال، یک کمیته تخصصی مشترک صنایع شیمیایی و پتروشیمی بین ایران و چین تشکیل شد تا همکاری دو کشور را در این زمینه هماهنگ کنند و رئیس‌جمهوری چین در پیامی به همتای ایرانی خود، خواستار گسترش روابط متقابل ایران و چین شد. با تشدید جنگ نفت کشها در مردادماه ۱۳۶۵، وزیر خارجه چین نگرانی دولت خود را از اوج‌گیری جنگ اعلام نموده و ابراز داشت این جنگ ثبات و امنیت منطقه را تهدید می‌کند. در این سال، سومین محموله از سلاحها و تجهیزات خریداری‌شده ایران از چین، شامل ۱۸ فروند هواپیمای چیانگ جی - ۷ (مشابه میگ ۲۱) در اختیار سپاه قرار گرفت و آموزش خلبانان، مهندسين و تکنسین های سپاه در چین آغاز

شد. [xxi] هفته‌نامه جیمز دیفنس چاپ لندن و فایننشال تایمز تعداد هواپیماهای تحویلی را ۱۲ فروند از ۲۴ فروند جنگنده شینانک اف ۶ ، نوع کاملتر میگ ۱۹ روسی نوشتند. [xxii] بر اساس این گزارشها، میزان خرید سلاح ایران از چین در شش‌ماهه اول ۱۳۶۵ به سیصد میلیون دلار بالغ گردید و چین به بزرگترین عرضه‌کننده سلاح به ایران تبدیل شد. استدلال چین در مقابل فشارهای غرب این بود که ایران از این سلاحها علیه شوروی در افغانستان استفاده می‌کند. [xxiii]

در بهمن‌ماه ۱۳۶۵، طه یاسین رمضان به چین سفر کرد و در آنجا اعلام کرد که علیرغم گزارش‌های مربوط به این موضوع که چین تامین‌کننده اصلی اسلحه برای ایران محسوب می‌شود، بغداد به بی‌طرفی چین در قبال جنگ ایران و عراق اطمینان دارد. در پی این سفر بود که اعلام شد عراق به موشکهای زمین به هوا با طول ۱۰/۴۶ متر و وزن ۲۲۱۱ کیلو گرم تجهیز شده است. [xxiv]



www.Tavabin.ir

این وصیت نامه ها را مطالعه کنید
پنجاه سال عبادت کرده اید و خدا هم قبول کند
این وصیت نامه ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

در آغاز سال ۱۳۶۶، چین سی فروند جنگنده بمبافکن چیانگ ۶_ و چیانگ ۷_ نوع چینی میگ های ۲۱۹۱۹ روسی و ۸۰ فروند موشک کرم ابریشم و ۴۰ فروند موشک زمین به زمین از نوع اسکاد بی از طریق کره شمالی به ایران فرستاد. در فروردین این سال، یک کشتی باری چین هدف حمله دو قایق تندروی ایرانی در خلیج فارس قرار گرفتند که محکومیت شدید چین را به همراه داشت. در این سال هم پکن قاطعانه گزارشهای مربوط به فروش اسلحه به ایران را رد کرد و بر موضع بی طرفی خود پای فشرد.

با گسترش جنگ به خلیج فارس، چین نگرانی خود را در خصوص امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز ابراز و اعلام کرد که قصد دارد در همکاری با امارات متحده عربی بر تلاشهای مشترک جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق بیفزاید. این کشور بر ضرورت افزایش تلاشهای بین الملل و همه جانبه دو کشور به منظور خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق از طریق مسالمت آمیز تاکید کرد. نخست وزیر چین در اردیبهشت سال ۱۳۶۶ اعلام کرد که هیچ یک از طرفین درگیر جنگ نمی تواند برنده این

جنگ باشد و ادامه آن مصائب بیشتری برای مردم دو کشور در پی خواهد داشت. به همین جهت، چین رایزنیهای خود را برای خاتمه جنگ افزایش داد و وزیر خارجه چین در سفری به منطقه، در دیدار با هیاتی از اتحادیه عرب، اعلام کرد که جنگ هفت ساله ایران و عراق امنیت منطقه را بیش از پیش به خطر انداخته است و از هر تلاش بین‌المللی برای خاتمه جنگ استقبال کرد. [xxv]

علاوه بر این، پکن بر تلاشهای خود در شورای امنیت سازمان ملل افزود و هوانگ جیا هو، نماینده دائم آن کشور در مقر ملل متحد، در جلسه شورای امنیت طی سخنانی در بیستم ژوئیه ۱۹۸۷ از اصطلاح جنگ (War) استفاده کرد؛ این در حالی بود که در عنوان دستور جلسه از عبارت وضعیت بین ایران و عراق استفاده شده بود. وی بر موضع بی‌طرفی کامل کشورش در جنگ تاکید نمود و اعلام کرد چین برای زودتر خاتمه دادن به جنگ و به‌خاطر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، با احساس مسئولیت کامل هر کوششی را به عمل خواهد آورد. [xxvi] چین به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل رای موافق داد و اعلام کرد در

صورت خودداری ایران از پذیرفتن قطعنامه، از ممنوعیت فروش اسلحه به ایران با نظارت سازمان ملل حمایت خواهد کرد.[xxvii]

در همین ایام، در پی استقرار موشکهای کرم ابریشم توسط ایران در جزیره قشم برای کنترل تنگه هرمز و مقابله با تشدید جنگ نفتکش ها از سوی عراق، خصوصا پس از آنکه دولت کویت قطعات موشک کرم ابریشم اصابت کرده به بندر الاحمدی آن کشور در چهارم سپتامبر ۱۹۸۷ (۱۳ شهریور ۱۳۶۶) را با علامت ساخت چین برای نمایندگان پنج عضو دائمی شورای امنیت در نیویورک به نمایش گذاشت، فشارهای سیاسی و تبلیغاتی علیه چین به شدت افزایش یافت.

در واکنش به این فشارها پکن به ناچار با اذعان به دستیابی ایران به موشکهای ساخت آن کشور، اعلام کرد که احتمال دارد ایران موشکهای چینی را از بازار بین الملل خریداری کرده باشد.[xxviii] سفیر چین در کویت نیز بدون ذکر نامی از ایران، گسترش جنگ به خلیج فارس را محکوم کرد.[xxix]

در نیمه دوم سال ۱۳۶۶، با افزایش تلاش آمریکا و انگلیس در جهت تهیه طرح تحریم تسلیحاتی ایران و ارائه آن به شورای امنیت، چین اعلام کرد در صورت رای مثبت اکثریت اعضای شورای امنیت به تحریم تسلیحاتی، آن را وتو خواهد کرد.

در این زمان با فعال شدن دستگاه دیپلماسی ایران، مذاکرات گسترده‌ای با مقامات چینی و روسی و فرانسوی انجام شده بود و در آنان این نظر ایجاد شده بود که جمهوری اسلامی ایران علاقمند به مذاکره برای پایان جنگ است. این کشورها، به همراه آلمان فدرال، با طرح تحریم تسلیحاتی آمریکا به مخالفت برخاستند.

پکن قطعنامه ۵۹۸ را اساس خوبی برای حل سیاسی جنگ ایران و عراق دانسته و بر پذیرش بی‌قید و شرط تاکید داشت. در پی اعلام مخالفت چین با طرح تحریم تسلیحاتی ایران، طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق، در اسفندماه ۱۳۶۶ وارد پکن شد تا نظر آن کشور را درباره اجرای قطعنامه ۵۹۸ و تحریم تسلیحاتی ایران جلب کند؛ اما با پاسخ منفی مواجه شد. [xxx]

جمهوری خلق چین در رای‌گیری کلیه قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در طول ۸ سال جنگ ایران و عراق شرکت داشت و در تمام تصمیم‌گیریهای آن شریک بود. [xxxii] بر اساس گزارشها و اسناد موجود، چین در طول سالهای ۱۹۸۷-۱۹۸۰ (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶) قراردادهای تسلیحاتی به ارزش ۸/۲ میلیارد دلار با طرفین جنگ امضاء کرد که هفتاد و چهار درصد کل معاملات تسلیحاتی چین با کشورهای جهان سوم در طی این مدت را شامل می‌شود. در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳ (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲) چین با عراق معادل ۳/۶ میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی به امضاء رساند که این مبلغ شصت و یک درصد از مجموع ۵/۹ میلیارد دلار فروش تسلیحات آن کشور به تمام کشورهای جهان سوم بوده است. در طول همین مدت، چین سلاح کمتری به ایران فروخت. از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ (۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶) چین طی قراردادهایی توافق کرد که ۲/۵ میلیارد دلار به ایران و ۱/۵ میلیارد دلار به عراق سلاح بفروشد. [xxxiii] **در این سالها چین دو سوم کلیه تجهیزات نظامی ایران را تامین می‌کرد و بزرگترین تامین‌کننده تسلیحات ایران بود.** [xxxiii]

دولتمردان چینی علیرغم سفرهای مقامات بلندپایه ایرانی به آن کشور در طول جنگ، به دلیل ملاحظات سیاسی از سفر به ایران اکراه داشتند و هرگاه پیشنهادی مطرح می‌شد، لزوم رعایت توازن بین ایران و عراق در این خصوص را مطرح می‌کردند.[xxxiv]

پی‌نوشت‌ها

[i]— وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، کتاب سبز چین، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵، صص ۲۳ و ۲۱

[ii]— فصلنامه خاورمیانه، صص ۱۰۱۵—۱۰۱۱

[iii]— نوذر شفیعی، «سیاست خارجی چین و جنگ تحمیلی»، فرهنگ پایداری، پیش شماره هفتم، آذر ۱۳۸۱، ص ۵۷

[iv]— منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۲

[v] - U.N Year Book 1980, p.314

[vi]— اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن چین.

[vii]— شرف‌علی جلوی، بررسی تحلیلی روابط جمهوری اسلامی ایران و خلق چین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. ۳—۱۳۷۲، ص ۷۸؛ کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، ترجمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۳۱۱

[viii]— اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن چین.

[ix]— Facts on File, 1986, p.636؛ دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رویدادها و تحلیل، ش ۳۳، ۱۳/۴/۱۳۶۱، صص ۱۴—۱۳

[x]— شرف‌علی جلوی، همان، ص ۷۸

[xi]— نوذر شفیعی، همان، ص ۵۷؛ رویدادها و تحلیل، ش ۱۳، ۶۴/۸/۲۵، ص ۱۵

[xii]— روابط عمومی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گزیده مطبوعات جهان، ش ۱۴، ۱۳۶۳/۸/۲۷، صص ۱—۵؛ هادی نخعی،

روزشمار جنگ ایران و عراق، ج ۳۳، تجدید رابطه رسمی امریکا و عراق،
تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۹، ص ۲۸۰

[xiii]— روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همان، ص ۸۵؛
اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان؛ هادی نخعی،
همان، صص ۹۶۳ و ۹۳۳

[xiv]— مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تنبیه متجاوز، تهران،
انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چ اول، ص ۱۸۵؛ نوذر
شفیعی، همان، ص ۵۷؛ رویدادها و تحلیل، ش ۲۵، ۶۵/۸/۲۴،
ص ۱۲-۱۳

[xv]— رویدادها و تحلیل، ش ۷، ۱۳۶۴/۲/۱۹، ص ۱۵

[xvi]— همان، ش ۱۴، صص ۱۷ و ۱۸

[xvii]— همان، همان، ش ۱۳، ۶۴/۸/۲۵، ص ۱۵

[xviii]— همان، ش ۱۰، ۱۳۶۴/۵/۱۷، ص ۲۰

[xix]— همان، ش ۱۰، ۱۳۶۴/۵/۱۷، ص ۲۱-۲۰

[xx]— اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان؛

پارسادوست، همان، صص ۶۱۲ و ۶۴۸

[xxi]— رویدادها و تحلیل، ش ۲۳، ۶۵/۶/۲۵، ص ۲۲

[xxii]— همان، ش ۲۴، ۶۵/۷/۲۸، ص ۱۷—۱۸ و همان، ش ۲۹،

۶۵/۸/۲۴، ص ۱۲

[xxiii]— همان، ش ۲۴، ۶۵/۷/۲۸، ص ۱۷—۱۸

[xxiv]— همان، ش ۲۹، ۶۵/۱۲/۲۴، ص ۱۲

[xxv]— اسناد بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان.

[xxvi]— پارسادوست، همان، صص ۶۷۶، ۶۷۷ و ۷۲۲

[xxvii]— اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان.

[xxviii]— پارسادوست، همان، صص ۵۴۵ و ۵۷۶

[xxix]— اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان.

[xxx]— اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، همان؛ منوچهر
پارسادوست، همان، صص ۵۲۶ و ۶۸۶؛ مرکز مطالعات و تحقیقات
جنگ، همان، ص ۳۴۱؛ معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی
و ستاد، گاه‌شمار جنگ ایران و عراق ۱۹۸۷ (از دی‌ماه ۱۳۶۵ تا آذر ۱۳۶۶)،
تهران، چاپ و انتشار دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۷، ص ۱۴۷

[xxxi]— U.N Year book 1980-1988؛ منوچهر پارسادوست،
همان، ص ۶۳۵

[xxxii]— رویدادها و تحلیل، ش ۳۱، صص ۱۶ و ۲۸؛ ش ۳۵، ص ۱۴

[xxxiii]— اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن چین،
معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد، همان، ص ۱۰۱؛
نوذر شفیعی، همان، ص ۵۷

[xxxiv]— وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، همان، ص ۲۱۸

منبع : جهانگیر رفعتی _ نشریه زمانه

موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

دفاع مقدس



چین توانست کمک‌های بسیاری در جنگ ایران و عراق به عراق کند، از جمله کمک‌های چین به عراق می‌توان به کمک‌های زیر ساختی مانند ساختن پل ۶۶۶ متری بر روی رودخانه دجله اشاره کرد، همچنین می‌توان به فروختن و پشتیبانی از عراق در مورد موشک‌های بالستیک و پرتاب آن‌ها به ایران اشاره کرد. با این وجود پس از این جنگ با وجود شواهدی آشکار، چین تمامی این ادعاها را تکذیب کرده‌است .

چین یکی از بزرگترین صادر کنندگان اسلحه به عراق بوده تا جایی که حدود ۱۲ درصد (به ارزش ۵/۱۹۲ میلیارد دلار) از اسلحه‌های عراق توسط چین تأمین شده‌است.



لیست جنگ افزارهای وارد شده به عراق از کشور چین

نام جنگ افزار	نوع جنگ افزار	سال تحویل	تعداد
زی آن H6	بمب افکن	۱۹۸۸	۴
۶-F	هواپیمای جنگنده	۱۹۸۲ و ۱۹۸۳	۴۰
۷-F	هواپیمای جنگنده	۱۹۸۳ الی ۱۹۸۸	۸۰
تایپ ۶۳ ۱۰۷ میلیمتری	توپخانه	۱۹۸۴ الی ۱۹۸۸	۱۰۰
تایپ ۸۳ ۱۵۲ میلیمتری	توپخانه	۱۹۸۸ و ۱۹۸۹	۵۰
تایپ ۶۵۳	نفربر زرهی	۱۹۸۶ و ۱۹۸۷	۲۵
تایپ ۵۹	تانک	۱۹۸۲ الی ۱۹۸۷	۱۰۰۰
تایپ ۶۹	تانک	۱۹۸۳ الی ۱۹۸۷	۱۵۰۰
تایپ ۶۳	نفربر خاکی-آبی	۱۹۸۲ الی ۱۹۸۸	۶۵۰
CEIEC-408 رادار هوایی		۱۹۸۶ الی ۱۹۸۸	۵
HN-5 موشک زمین به هوا قابل حمل		۱۹۸۶ و ۱۹۸۷	۱۰۰۰
HY-2 (کرم ابریشم ۲) موشک ضد کشتی		۱۹۸۷ و ۱۹۸۸	۲۰۰



کمک های سنگاپور به رژیم بعث



سنگاپور به علت نداشتن قوانین کنترل صادرات جنگ افزار قوی تبدیل به بندری برای حمل سلاح به عراق شد همین طور پیش ماده های تسلیحات شیمیایی را برای عراق فراهم کرد و تحت لیسانس سایتی برای تولید سلاح های طراحی شده خارجی برای عراق محسوب می شد.



هسته بین الملل امام خمینی (ره)
دفترگاه شهید بهشتی
Imam Khomeini International
Core Of Shahid Beheshti University



کتاب هشتم به یک عصر کاوم

کممک های سنگاپور به صدام

سنگاپور با نام رسمی جمهوری سنگاپور (به انگلیسی: Republic of Singapore) کشوری جزیره‌ای و دولت‌شهری در ناحیه دریایی جنوب شرق آسیا است. این کشور در جنوب شبه‌جزیره مالایا واقع شده و کوچک‌ترین کشور جنوب شرقی آسیا است.

سنگاپور در شمال خط استوا قرار دارد. سنگاپور از شمال با مالزی و از جنوب با اندونزی مرز آبی دارد. پیش از حضور کشورهای اروپایی در منطقه، منطقه‌ای که امروزه به عنوان سنگاپور شناخته می‌شود فقط منطقه ماهیگیری مالایی در ریزشگاه رودخانه سنگاپور بود. سنگاپور از سال ۱۸۲۴ تا ۱۹۶۳ میلادی، به غیر از سه سال در زمان جنگ جهانی دوم یکی از مستعمرات بریتانیا بوده است. در سال ۱۹۴۲ سنگاپور که هنوز مستعمره بریتانیا بود، توسط ژاپن اشغال شد و نیروهای بریتانیایی مجبور به ترک آن شدند. وینستون چرچیل این رخداد را «بدترین فاجعه و بزرگ‌ترین تسلیم در تاریخ بریتانیا» نامیده است.



سنگاپور پس از پایان جنگ در سال ۱۹۴۵ میلادی دوباره توسط نیروهای بریتانیایی اشغال شد. هجده سال بعد در سال ۱۹۶۳ سنگاپور به عنوان عضوی از فدراسیون مالزی استقلال خود را از بریتانیا به دست آورد. این کشور در نهایت دو سال بعد در سال ۱۹۶۵ از مالزی جدا شد و به این ترتیب جمهوری سنگاپور شکل گرفت.

سنگاپور ارائه پیش‌سازهای تولید جنگ‌افزار شیمیایی؛ عمل به‌عنوان یک واسطه انتقال جنگ‌افزار. محل ساخت جنگ‌افزارهای خارجی برای عراق مطرح بود. در واقع سنگاپور، یک مرکز تجاری بزرگ با قوانین کنترل صادرات جنگ‌افزار نه‌چندان قوی است و در زمان جنگ ایران و عراق به عنوان نقطه انتقال و یک بندری برای حمل سلاح به مقصد عراق به‌شمار می‌رفت. همین‌طور پیش‌ماده‌های تسلیحات شیمیایی را برای عراق فراهم نموده و تحت لیسانس سایتی برای تولید سلاح‌های طراحی شده خارجی برای عراق محسوب می‌شد...

منبع : ویکی پدیا



ما استادہ ایم

ملت شلاق خاکی کہ پر پیکرِ نازِ نادرِ جمہورِ اسلامی وارد می کنند
 ہمیں استادہ چون استادہ ایم ما، ایستان امیدوارانہ نہ تو میدانہ
 بعضی ما می گویند ما تا آخرین نفس ایستادیم تا آخرین قطره
 طوقاق را هم می دهیم ما البته اگر پاش بپفتند تا آخرین قطره خون
 را هم می دهیم ولی می دانیم کہ به آخرین قطره می رسد

ایام سید علی حسینی (سید علی حسینی)

کتاب هشتماد به یک _ ناصر کاوه

روابط آفریقای جنوبی و عراق در جنگ ایران و عراق

عراق علاوه بر خرید اسلحه از فرانسه و غرب با استفاده از دلارهای نفتی سرشار به صنایع تسلیحاتی جهان سوم نیز کمک می‌کرد، در حالی که پاره‌ای از این کشورها از عهده سیر کردن شکم مردم خود نیز بر نمی‌آمدند. برزیل، شیلی چین آفریقای جنوبی و مصر از تجارت اسلحه با عراق به سودهای بادآورده‌ای دست یافتند.

بین سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶، دولت وقت آفریقای جنوبی مقدار قابل توجهی از مهمات عراق را برآورده می‌کرد. آفریقای جنوبی این کمکها را مخفیانه و از طریق بندر عقبه اردن انجام می‌داد.

آفریقای جنوبی این مهمات را از طریق نفتکش‌هایی که نیمی از آن نفت بود و نیمی مهمات بود به عقبه می‌رساند.

نفت‌کش‌های آفریقای جنوبی بعد از این تخلیه بار، به طرف بندر الحمدی کویت روانه می‌شدند و از این بندر نفت خام دریافت و به کشورشان بازمی‌گشتند.

ایران در اکتبر ۱۹۸۷ موفق شد توسط موشک‌های کرم ابریشم این پایانه نفتی را منهدم کند و صادرات نفت عراق را از این اسکله متوقف سازد.

بعد از آنکه عربستان سعودی خط لوله جدیدی از شهر الزبیر عراق به شهر ینبع در ۳۵۰ کیلومتری ریاض احداث کرد، نفت‌کش‌های آفریقای جنوبی بارگیری نفت را از این بندر واقع در سواحل دریای سرخ ادامه می‌دادند. صدام حسین در طول جنگ علیه ایران تبدیل شد به یکی از وارد کنندگان سلاح از کشور آفریقای جنوبی.

صدام از راه آمریکا هیئت‌هایی را برای خرید سلاح به آفریقای جنوبی می‌فرستاد. آفریقای جنوبی صنایع نظامی‌اش در برخی محصولات خیلی خوب بود، از جمله توپ. فلذا صدام این‌ها را از آفریقای جنوبی می‌خرید.

کنت تیمرمن (محقق و نویسنده امریکایی): «در همان حال که فرانسه مشغول تکمیل راکتورهای هسته ای در عراق بود، صدام با برزیل قرار داد ۱۰ ساله همکاری هسته ای امضا کرد.

این قرارداد که در سال ۱۹۷۲ بسته شد به قدری محرمانه بود که دولت بعدی برزیل مدعی شد از محتوای آن بی خبر بوده است. در یکی از تبصره های قرارداد که به درخواست صدام گنجانده شده بود، برزیل متعهد می شد مقادیر زیادی اورانیوم طبیعی و غنی شده با درصد کم تکنولوژی هسته ای، تجهیزات و آموزش مربوطه را در اختیار عراق قرار دهد.»

منبع : موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

کمک های آفریقایی جنوبی به عراق

آفریقایی جنوبی این کمکها را مخفیانه و از طریق بندر عقبه اردن انجام می داد. آفریقایی جنوبی این مهمات را از طریق نفتکش هایی که نیمی از آن نفت بود و نیمی مهمات بود به عقبه می رساند. نفتکش های آفریقایی جنوبی بعد از این تخلیه بار، به طرف بندر الحمیدی کویت روانه می شدند و از این بندر نفت خام دریافت و به کشورشان بازمی گشتند. این کمکها را مخفیانه و از طریق بندر عقبه اردن انجام می داد. آفریقایی جنوبی این مهمات را از طریق نفتکش هایی که نیمی از آن نفت بود و نیمی مهمات بود به عقبه می رساند. نفتکش های آفریقایی جنوبی بعد از این تخلیه بار، به طرف بندر الحمیدی کویت روانه می شدند و از این بندر نفت خام دریافت و به کشورشان بازمی گشتند. آفریقایی جنوبی و فروش تجهیزات توپخانه ای (فروش ۲۰۰ عدد هویتزر جی ۵ (۱۵۵ میلی متری) هویتزر جی ۵ یک هویتزر خودکشی ساخت آفریقایی جنوبی با کالیبر ۱۵۵ میلی متری است که در آفریقایی جنوبی توسط شرکت دنل سیستمز (Denel Land Systems) ساخته شده است.

طراحی جی ۵ بر اساس جنگ افزار ۱۵۵ میلی متری کانادایی جی سی-۴۵ (GC-45) بود که به شدت برای شرایط جنوب آفریقا اصلاح شد.

هویتزر جی ۵ در جنگ مرزی جنوب آفریقا بین سال های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۹ در آنگولا و نامیبیا مورد استفاده نیروی دفاعی آفریقای جنوبی بود. جی ۵ برای نخستین بار در عملیات آلفا قنطورس در سال ۱۹۸۶ به صورت عملیاتی مورد استفاده قرار گرفت. جی ۵ همچنین در جنگ ایران و عراق بین سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸ هم توسط عراق و هم ایران مورد استفاده قرار گرفت. منبع: Iranian perspectives (1997). Rajaei, Farhang





معجزات عظیم دفاع مقدس

همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس چه معجزات عظیمی از حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد؛ این را باید همه بدانند

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

روابط شیلی و عراق در جنگ ایران و عراق

بمب خوشه ای کارآمد ترین سلاح برای درهم شکستن امواج انسانی

آلن فریدمن (نویسنده و محقق امریکایی): «امریکا به پیشنهاد ویلیام کیسی (رئیس سیا)، تحویل بمب های خوشه ای به عراق را در اولویت قرار داد زیرا این سلاح را مناسب ترین و کارآمد ترین سلاح برای درهم شکستن امواج انسانی مدافعان ایرانی میدانست. به اعتقاد او این بمب ها میتوانند به یک قدرت تصاعدی واقعی و مؤثر علیه قوای ایرانی تبدیل شود.



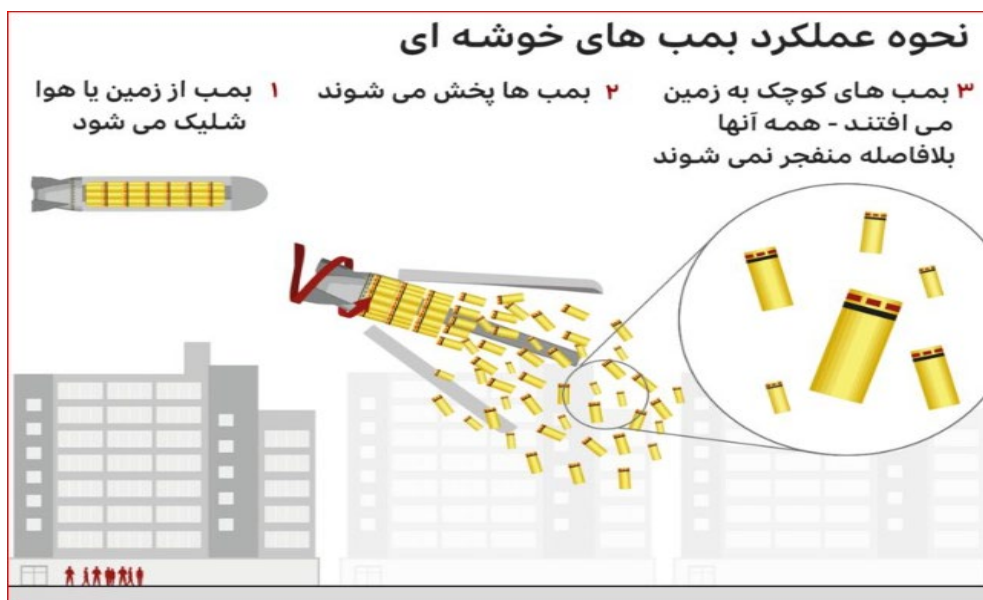
در واقع این بمبها از لحاظ تکنیکی جزء سلاح های متعارف محسوب می شوند اما در میدان نبرد همانند سلاح های نامتعارفی چون سلاح های شیمیایی می توانند موجب کشتار وسیعی شوند. چنانچه این بمب ها درست عمل کنند می توانند در وسعتی به اندازه ۱۰ برابر زمین فوتبال هر کسی را کشته یا مجروح کنند. عملاً این بمب ها چرخ گوشت های هوایی هستند و هر چیزی را در سر راه خود خرد می کنند.»



بمب های خوشه ای از طریق شیلی به عراق فروخته

آلن فریدمن (محقق و نویسنده امریکایی): «کارلوس کاردوئن رئیس صنایع کاردوئن، به تدریج منافع سرشاری از فناوری بمب خوشه ای و

تشویق مقامات ارشد شیلی برای ارسال آن به عراق به دست آورد. او تا آن زمان بمب های خوشه ای به ارزش نیم میلیارد دلار از طریق شیلی به عراق فروخته بود...و به وی اجازه داده شده بود که مقدار زیادی ماده زیرکونیوم را از ایالات متحده وارد کند . این ماده از مواد اصلی تشکیل دهنده بمب های کوچکی بود که در داخل بمب خوشه ای قرار داده می شد. او به دلایل متعددی از صدام و پینوشه (رئیس جمهور دیکتاتور شیلی)سپاس گذار بود، چرا که صدام بهترین مشتری او بود که در رؤیاهایش می توانست داشته باشد و پینوشه با توسعه تسلیحاتی شیلی او را به نوعی ثروتمند ساخته بود.»



شیلی ، کشوری است واقع در آمریکای جنوبی که پایتخت و مهم‌ترین شهر آن سانتیاگو است. شیلی در نقشهٔ آمریکای جنوبی به مانند یک نوار بلند و باریک میان رشته کوه آند در شرق و اقیانوس آرام در غرب کشیده شده است. اقیانوس آرام کل مرز غربی این کشور را تشکیل می‌دهد، و از شمال با پرو، از شمال شرق با بولیوی، از شرق با آرژانتین، و در پایین‌ترین نقطه جنوبی کشور با گذرگاه دریک هم‌مرز است.



این کشور به همراه اکوادور تنها کشورهایی در آمریکای جنوبی هستند که با برزیل مرز مشترک ندارند. طول خط ساحلی این کشور با اقیانوس

آرام ۶,۴۳۵ کیلومتر است و طول مرز شیلی با آرژانتین بیش از ۵,۰۰۰ کیلومتر است که یکی از ۴ مرز طولانی دنیاست.

بیابان آتاکاما با وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر در بخش شمالی این کشور واقع شده است. این بیابان در واقع خشک‌ترین ناحیه بر روی زمین است که با توجه به خشک بودن آن دارای ارزش اقتصادی فراوان برای کشور شیلی است. این بیابان سرشار از فلزاتی معدنی همچون مس، طلا و نقره است که در سال ۲۰۱۵ تنها ۵,۷ میلیون تن مس از این بیابان استخراج و سپس صادر شده است.

یکی از مهم‌ترین رویدادها در تاریخ کشور شیلی مربوط به دهه ۷۰ میلادی است زمانی که سالوادور آلنده از حزب مارکسیست شیلی در انتخابات این کشور پیروز و به عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شد اما پس از آن در کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ به رهبری آگوستو پینوشه و با کمک و اثرگذاری سازمان سیا، ژنرال پینوشه موفق به اجرای کودتا در این کشور شد.

این کودتا تأثیری شگرف و بسیار مهم در تاریخ این کشور و روند جنگ سرد گذاشت. امروزه کشور شیلی با توجه به رشد و توسعه پایدار در شاخص‌هایی همانند توسعه انسانی، رقابت‌پذیری در تجارت و اقتصاد، آزادی اقتصادی و رشد درآمد سرانه یکی از با ثبات‌ترین و امن‌ترین کشورها در آمریکای لاتین به‌شمار می‌آید. شیلی یکی از اعضای سازمان ملل، اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی و جامعه کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب است.



شیلی پس از جهان عرب و فلسطین بزرگ‌ترین جامعه فلسطینی را در خود دارد. در اواخر سده ۱۹ میلادی امپراتوری عثمانی دچار افول بود؛ بنابراین ساکنان آن درگیر بحران اقتصادی بودند. از سوی دیگر، امپراتوری عثمانی نخستین جنبش ناسیونالیستی عرب در این منطقه را سرکوب کرده بود؛ بنابراین قاره آمریکا سرزمینی آزاد و تازه با فرصت‌های تازه و دور از تنش بود. شمار زیادی از فلسطینیان از راه زمینی خود را به اروپا رساندند و بعد با کشتی به بوئنوس آیرس در آرژانتین رفتند. اما بسیاری از آنها در بوئنوس آیرس نماندند و به شیلی رفتند. بین سال‌های ۱۸۸۵ تا ۱۹۴۰ بین ۸ تا ۱۰ هزار عرب در شیلی زندگی می‌کردند که نیمی از آنها فلسطینیان ساکن بیت‌لحم، بیت‌جالا، و بیت‌ساحور بودند. جنگ جهانی اول، فروپاشی امپراتوری عثمانی، جنگ جهانی دوم، و تأسیس اسرائیل باعث موج‌های دیگر مهاجرت فلسطینیان به شیلی شد. در سال نخست، قشر خاصی از نخبگان و طبقه بالای جامعه شیلی به فلسطینیان روی خوش نشان نمی‌دادند؛

زیرا فکر می‌کردند مهاجران فلسطینی به جامعه کمک نخواهند کرد و افرادی جاه‌طلب و از لحاظ جنسی بی‌بندوبار هستند. این افراد مهاجران فلسطینی را طرد می‌کردند و آنها را «تُرک» صدا می‌زدند که واژه‌ای توهین‌آمیز بود.

فلسطینیان در آغاز دستفروشان خیابانی بودند. ولی بعد وارد کسب و کارهای کوچک شدند و سپس در دهه ۱۹۳۰ سهم بزرگی در رونق صنعت پارچه بافی پیدا کردند. پس رهایی شیلی از دیکتاتوری در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و رقابت فشرده چین، فلسطینیان شیلی ثروت خود را در فعالیت‌های مالی، املاک و زمین، کشاورزی، شراب‌سازی، کشاورزی، خوراک، و مطبوعات سرمایه‌گذاری کردند.

فلسطینیان شیلی پس از بیش از ۱۰۰ سال رابطه خود با فلسطینیان خاورمیانه را حفظ کرده‌اند... منبع: ویکی‌پدیا

سربند یا زهرا

هیچ کس در دوران دفاع مقدس به رزمندگان نگفت که رمز یا زهرا برای حملاتتان بگذارید یا سربند یا زهرا ببندید؛ اما در دوران دفاع مقدس، اسم مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف از همه نام های مطهر دیگر بیشتر مطرح است... این نشانه ی توجه آن بانوی دو عالم است.



کتاب هشتم به یک - ناصر کاوه

روابط برزیل و عراق در جنگ ایران و عراق

برزیل یکی از کشورهای است که در تجهیز ارتش بعث عراق نقش داشت؛ جمهوری فدراتیو برزیل بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور آمریکای جنوبی محسوب می‌شود که پایتخت آن برازیلیا و زبان رسمی آن پرتغالی است.

برزیل که منطقه وسیعی را بین مرکز آمریکای جنوبی و اقیانوس اطلس در برمی‌گیرد، شرقی‌ترین کشور قاره آمریکاست و با کشورهای اروگوئه، آرژانتین، پاراگوئه، بولیوی، پرو، کلمبیا، ونزوئلا، گویان، سورینام و گویان فرانسه هم‌مرز است و از صنایع خودروسازی گرفته تا صنایع فولاد، پتروشیمی، رایانه و هواپیما را تولید می‌کند.

صدام که در آن دوران به دنبال دریافت تجهیزات نظامی به‌روز بود، پی برد که می‌تواند با هزینه‌ای کمتر تسلیحات مورد نظر خود را از کشورهای مانند برزیل دریافت کند؛ از این رو اقداماتی را برای تامین نیازهای نظامی خود از برزیل آغاز کرد به نحوی که طی مدت جنگ

تحمیلی، ارزش مجموع سلاح‌های ارسال شده برزیل به عراق بالغ بر ۷۲۴ میلیون دلار برآورد می‌شود.

برزیل که پیش از شروع جنگ عراق با ایران طی قراردادی روزانه هفت هزار بشکه نفت خام را از حوزه نفتی جزایر مجنون استخراج می‌کرد، بعدها پیمان اتمی را با عراق منعقد ساخت که باعث می‌شد عراقی‌ها از سوخت اتمی و دانش فنی راکتورهای هسته‌ای که برزیل از آلمان غربی دریافت کرده بود، بهره‌مند شوند.

علاوه بر این خرید ۵۰ فروند زره‌پوش چرخدار «کاسکاول» مجهز به توپ ۹۰ میلی‌متری فرانسوی، ۵۰ دستگاه اتومبیل گشت «اوروتر» و دو هزار خودروی ارتشی نیز بخشی از معاملات نظامی این دو کشور از حدود سه سال قبل از شروع جنگ تحمیلی تا پایان جنگ است.

در سال ۱۳۶۳ برزیل راکت‌اندازی به نام «آستروس - ۲» را طراحی کرده بود که همانند کاتیوشا عمل می‌کرد، با این تفاوت که برد آن به ۶۰ کیلومتر می‌رسید و از نظر دقت هم دقیق‌تر از کاتیوشا بود؛ از این رو

عراقی‌ها در مرحله توسعه نهایی این سلاح با برزیلی‌ها شریک شدند. پرتابگر راکت چندگانه یا راکت‌انداز چندگانه (MRL) نوعی توپخانه راکتی است که شامل چند راکت‌انداز است که بر روی یک سکوی تسلیحات مونتاژ شده‌اند و راکت‌های خود را به شیوه‌ای شبیه تفنگ‌های رگباری شلیک می‌کنند. این سلاح‌ها قابلیت‌های متفاوتی نسبت به توپخانه‌های معمول دارند، دارای برد مؤثر بیشتر، بارگذاری سریع‌تر و لگد کمتر هستند.

علاوه بر این در سال ۱۳۶۴ یک‌صد نفر از مهندسان عراقی به برزیل رفتند تا طی سه سال همه چیز را درباره بالستیک، طراحی اسلحه و تکنولوژی کلاهک فرا بگیرند و بدین ترتیب برزیلی‌ها از مهندسان عراقی تحصیل کرده غرب، کارشناسان موشک بالستیک ساختند.

صدام در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی یعنی در اواخر سال ۱۳۶۶، نیاز به موشک‌هایی برای حمله به تهران داشت. بر این اساس، در نزدیکی پایگاه هوایی در سائوخوزه دوس کامپوس برزیل، مهندسان عراقی و برزیلی برای اینکه بدانند چگونه می‌توانند برد موشک‌های «اسکاد بی»

را افزایش دهند، این موشک‌ها را در حضور کارشناسان فرانسوی، اوراق می‌کردند.

آن‌ها در این تلاش‌ها به این نتیجه رسیدند که با مخزن سه موشک می‌توانند دو مخزن بزرگ برای دو موشک تهیه کنند و بدین ترتیب ظرفیت سوخت‌گیری آن را به میزان چهار الی پنج تُن افزایش دهند و با این شیوه ۳۰۰ موشک کوتاه‌برد اسکاد بی را به ۲۰۰ موشک با برد متوسط تبدیل کنند. البته برای تحقق این کار، کلاهک موشک را کوچک کردند و وزن آن را از ۸۰۰ کیلوگرم به ۱۹۰ کیلوگرم کاهش می‌دادند.

در کنار این‌گونه اقدامات، برزیل در تجهیز عراق به غنی‌سازی اورانیوم نیز کمک می‌کرد؛ به عنوان نمونه کارشناسان معتقدند که عراق در مجتمع «القائم» از سنگ فسفات اورانیوم تهیه می‌کرد؛ مجتمعی که بر اساس نظر کارشناسان توسط شرکت برزیلی «کنسترکتورا مندرس جونیور» احداث شده بود.

به گزارش دفاع پرس - تاریخ انتشار: ۰۱ مهر ۱۳۹۷

برزیل (به پرتغالی: Brasil) با نام رسمی جمهوری فدراتیو برزیل (به پرتغالی: República Federativa do Brasil) یک کشور مستقل در قاره آمریکای جنوبی است. برزیل با مساحت ۸,۵۱۵,۷۶۷ کیلومتر مربع، پنجمین کشور پهناور و با جمعیت ۲۱۲,۷۳۲,۰۰۰ نفر، هفتمین کشور پرجمعیت در جهان است. پایتخت آن برازیلیا و زبان رسمی آن پرتغالی برزیلی است.



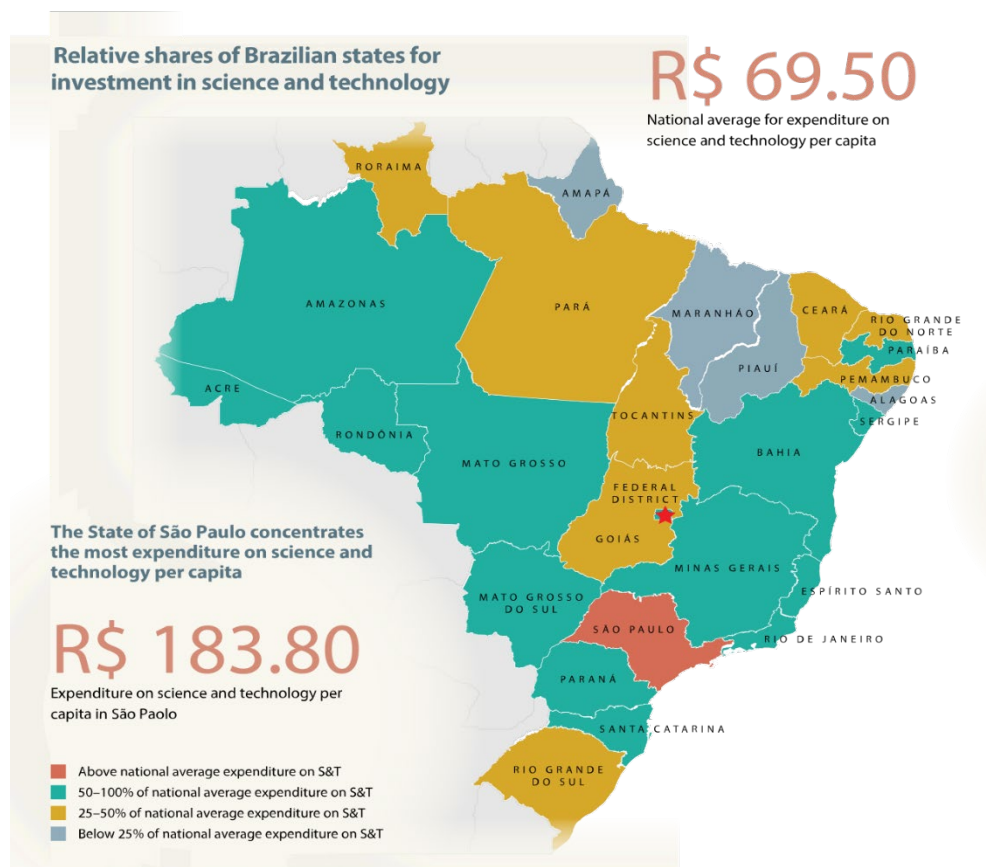
برزیل که منطقه وسیعی را بین مرکز آمریکای جنوبی و اقیانوس اطلس در بر می‌گیرد، شرقی‌ترین کشور قاره آمریکاست و با کشورهای اروگوئه،

آرژانتین، پاراگوئه، بولیوی، پرو، کلمبیا، ونزوئلا، گویان، سورینام و گویان فرانسه هم‌مرز است. در حقیقت، برزیل به جز اکوادور و شیلی با تمامی دیگر کشورهای آمریکای جنوبی مرز مشترک دارد؛ و همچنین بزرگ‌ترین کشور قاره آمریکای جنوبی است.



برزیل دارای زمین‌های کشاورزی وسیع و جنگل‌های استوایی است؛ و با داشتن منابع طبیعی گسترده و نیروی کاری غنی قدرتمندترین اقتصاد آمریکای جنوبی است.

برزیل مستعمره امپراتوری پرتغال بود و این کشور تنها کشور قاره
 آمریکاست که مردم آن به زبان پرتغالی سخن می‌گویند. برزیل کشوری
 چندملیتی است و جمعیت آن متشکل از نژادهای اروپایی،
 سرخ‌پوستان آمریکا، آفریقائی و نیز آسیائی است. مذهب اصلی این
 کشور کاتولیک کلیسای رم است. بخش اعظم جنگل‌های آمازون در
 خاک برزیل واقع شده است (۶۰٪)...



فروشنندگان اسلحه از هر نقطه جهان دلالت خود را به این کشور می‌فرستادند تا نظر صدام را برای خرید سلاح از آن‌ها جلب کنند.

کشور برزیل یکی از کشورهایی است که در تجهیز ارتش بعث عراق نقش داشت؛ جمهوری فدراتیو برزیل بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشور آمریکای جنوبی محسوب می‌شود که پایتخت آن برازیلیا و زبان رسمی آن پرتغالی است.

برزیل که منطقه وسیعی را بین مرکز آمریکای جنوبی و اقیانوس اطلس در برمی‌گیرد، شرقی‌ترین کشور قاره آمریکاست و با کشورهای اروگوئه، آرژانتین، پاراگوئه، بولیوی، پرو، کلمبیا، ونزوئلا، گویان، سورینام و گویان فرانسه هم‌مرز است و از صنایع خودروسازی گرفته تا صنایع فولاد، پتروشیمی، رایانه و هواپیما را تولید می‌کند.

صدام که در آن دوران به دنبال دریافت تجهیزات نظامی به‌روز بود، پی برد که می‌تواند با هزینه‌ای کمتر تسلیحات مورد نظر خود را از کشورهای مانند برزیل دریافت کند.

بَلْبُ بَغْشِي

فرمان لامعی حرفه: توبه که آنان را هدایت کردی،
هرجا که نشانه‌هایی برای آنان آشکار شد.

این خوش آواز مرغ عروسی را
بال بگشای تا کند پرواز

سرچه جز «یا الله یا الله»
همه در قعر بحر «یا» انداز



کتاب هشتم به یک - ناصر کاوه

نقش اسرائیل در جنگ ایران و عراق

بهره‌ی اصلی اسرائیل از جنگ ایران و عراق آن بود که این دو قدرت عمده‌ی منطقه‌ای - که هر دو دشمن اسرائیل محسوب می‌شدند - علیه یک‌دیگر وارد جنگ شدند و فرصت استراحتی برای اسرائیل فراهم شد. مدحت‌الزاهد (Midhat al-Zahid) از روزنامه‌ی الاهرام در این باره توضیح می‌دهد: «شروع جنگ خلیج [فارس] فرصتی طلایی برای اسرائیل بود که پس از انقلاب ایران خود را در وضعیتی ناخوشایند حس می‌کرد و این بدان علت بود که یکی از قدرت‌های منطقه‌ای که می‌توانست به صف دشمنان این رژیم بپیوندد و برای اسرائیل خطرناک باشد درگیر جنگ شده بود. جنگ به اسرائیل نه تنها فرصت خنثی‌سازی این خطر بالقوه را داد، بلکه آن را به جنگ ثانویه‌ای مشغول کرد تا از جنگ بعدی با اسرائیل منحرف شود. جنگ امکان احیای جبهه‌ی شمال شرقی را تضعیف کرد.» اسرائیل خود را حامی اصلی سیاست‌های امریکا می‌دانست، اما ادامه‌ی جنگ ایران و عراق نیز تأثیراتی بر این حکومت داشت. منبع: کریستوفر سی جویئر، درس‌هایی از راهبرد حقوق دیپلماسی

اسرائیل که تا قبل از آن از حضور ارتش مجهز عراق در مرزهای خود بیمناک بود، با صلح با مصر و شعله‌ور شدن دشمنی بین ایران و عراق تا حدودی به اطمینان خاطر رسید که می‌تواند با یک جنگ تمام عیار بین عراق و ایران عملاً تمام نیروها و توجهات دولت‌های منطقه غرب آسیا را از خود دور کند. جنگ بین دو کشور قدرتمند اسلامی و تضعیف آنان یک اتفاق خوب برای رژیم صهیونیستی بود؛ لذا با به قدرت رسیدن صدام و تهاجمی‌تر شدن وی علیه ایران جهت امتیازگیری و تسلط بر این کشور شرایط را برای راه افتادن یک جنگ تمام عیار آماده می‌کرد. و این وضعیت کاملاً به نفع اسرائیل بود.

در این میان منافع ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و رژیم‌های عربی خلیج فارس کاملاً با یکدیگر همسو بود و آمریکا هنموا با اسرائیل در راهبرد کلان خود در جنگ، به دنبال تضعیف دو کشور مسلمان در منطقه بودند. اختلافات بین شیعه و سنی، عرب و فارس، اختلافات ارضی و مرزی، طمع ورزی به استان‌های نفت خیز ایران عواملی بودند که در تسریع شدن جنگ توسط صدام حسین دخالت داشتند. و با آغاز

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، رژیم صهیونیستی به همراه آمریکا به وسیله عربستان و به طور غیر مستقیم، اطلاعات نظامی را به مانند دوره شاه که در اختیار وی جهت کمک به کردها علیه عراق می داد، حال به کمک های اطلاعات نظامی از وضعیت امنیتی و نظامی ایران مناطق مرزی خوزستان و کردستان، به صدام کمک می کرد تا در جبهه های نبرد غافلگیر نشده و دست برتر خود را حفظ کند.

برخی از کارشناسان اسرائیلی در مسائل خاورمیانه بر این اعتقاد بودند که ایران در مقایسه با عراق دشمن خطرناکتری برای اسرائیل است و سازش با عراق عملی تر از سازش با ایران انقلابی و ضد صهیونیستی است؛ لذا در طول دوران جنگ اسرائیل به طور غیر مستقیم و از طریق آمریکا و عربستان سعودی به عراق در جنگ در برابر ایران کمک می کرد. در این مورد مردخای زیپوری معاون وزیر دفاع وقت اسرائیل اظهار داشت که اگر قرار است در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یک طرف برنده شود، چه بهتر که آن کشور عراق باشد. یعنی دشمن سرسخت سوریه که دشمن اسرائیل نیز محسوب می شود.

از طرفی نیز اسرائیل مایل نبود که عراق نیز قدرتمند شود و فقط برای آن شکست نخوردن عراق در برابر ایران ملاک بود واقعه عملیات تموز و موشک زدن اوسیراک که یک زرادخانه اتمی به حساب می‌آمد نشان دهنده این بود که تل‌آویو مایل به قدرتمندتر شدن عراق در منطقه نیست؛ لذا وضعیت ایده‌آل برای اسرائیل در این جنگ، نداشتن برنده واقعی در جنگ یا به عبارتی جنگ بدون برنده است. اسرائیل از حماقت و جاه طلبی صدام جهت حمله به ایران به نفع خود استفاده کرد و امنیت مرزها و ثبات را مجدداً برگرداند؛ البته با تشکیل حزب الله در جنوب لبنان این آرامش خیلی کوتاه مدت بود، اما اگر صدام حسین به‌جای یورش و حمله به کشور همسایه و مسلمان خود با اتحاد با سوریه و ایران به رژیم جعلی اسرائیل حمله می‌برد شاید پیش‌بینی‌ها در مورد نابودی اسرائیل زودتر تحقق پیدا می‌کرد. و می‌توان اذعان کرد که برنده واقعی در جنگ تحمیلی در آن مقطع زمانی، آمریکا و رژیم صهیونیستی بودند که منافع اقتصادی، نظامی و امنیتی خود را کسب کردند. گزارش از رضا مهر عطا - دفاع‌پرس - تاریخ انتشار: ۳۰ مهر ۱۳۹۹

نقش ژاپن در تسلیح صدام و کاهش قدرت دفاعی ایران

شرکت «ام بی بی» یا «مسرشمیت بلوهم» آلمان که هواپیمای جنگی تولید می‌کرد و در سال‌های آخر دهه ۱۹۷۰ در زمینه ساختن بالگردهای جنگی و موشک‌های کم‌برد تاکتیکی، شرکت پیشگامی بود، در راستای سیاست مورد اشاره یعنی عقب نماندن از رقبای اروپایی در فروش انواع تسلیحات نظامی به عراق تعداد ۱۲ فروند بالگرد سبک حمل و نقل ۱۱۷ BK که محصول مشترک این شرکت با کاوازاکی ژاپن بود را به عراق فروخت.

کمک‌های ژاپن به عراق در دوران جنگ تحمیلی محدود به همین مورد نمی‌شود، بلکه ژاپن طی هشت سال جنگ عراق علیه ایران، انواع تجهیزات و ماشین‌آلات مهندسی و راه‌سازی مانند لودر، گریدر، کامیون و بولدوزر نیز به عراق ارسال کرده که تنها در یک فهرست از فروش خودرو طی نخستین روزهای جنگ، تعداد ۵۰ هزار خودروی باری و وانت با موتورهای قوی از شرکت نیسان را به عراق ارسال کرده است.

حتی دولت هلند یکی از اتباع خود را متهم کرد که مواد اولیه سلاح‌های شیمیایی را از کشورهای مثل ژاپن، تایلند، ایتالیا، سنگاپور، سوئیس و آمریکا به عراق صادر کرده است.

موارد فوق که نمونه‌هایی از کمک ژاپن به ارتش بعث عراق است، نشان می‌دهد دولت‌مردان این کشور نیز همچون دولت‌مردان ایالات متحده آمریکا و اروپایی‌ها، همواره به دنبال منافع سیاسی و مادی خود هستند و برای کسب این منافع حاضر هستند که مردم سایر کشورها را در سخت‌ترین شرایط قرار دهند.

پس با توجه به مطالب فوق شاید بتوان گفت که ژاپن نیز در راستای تلاش‌های آمریکا و اروپا بی‌میل نیست که قدرت دفاعی ایران کاهش یابد؛ زیرا ژاپن طی سال‌های اخیر همواره نشان داده پیرو سیاست‌های آمریکاست که نمونه آن را می‌توان در کاهش خرید نفت از ایران توسط شرکت‌های بزرگ ژاپنی و تلاش برای جایگزینی نفت عربستان به جای ایران و نیز قطع ارتباط بانکی بین دو کشور از سوی بانک‌های ژاپنی اشاره کرد. رحیم محمدی، گروه دفاعی امنیتی دفاع پرس، ۲۲ خرداد ۱۳۹۸



کشورهایی که در حمله شیمایی علیه ایران شرکت داشتند



۹۲ شرکت
آلمانی



۲۱ شرکت
فرانسوی



۲۳ شرکت
انگلیسی



۲۲ شرکت
آمریکایی



۱۸ شرکت
اتریشی



۱۳ شرکت
سوئیس



۱۵ شرکت
ایتالیایی



۱۱ شرکت
بلژیکی



۴۰ شرکت
شوروی



۸ شرکت
کره ای و چینی



۷ شرکت
اسپانیایی



۷ شرکت
هندی و ژاپنی

بخشی از حمایت ها و کمک های کشور های جهان به رژیم بعث عراق

پشتیبانی از عراق

کشور

- چند میلیارد دلار کمک های اقتصادی؛ فروش فناوری با

کاربرد دوگانه و جنگ افزارهای غیرآمریکایی، اطلاعات

نظامی، آموزش عملیات ویژه

- فشار بر کشور های جهان به منظور تحریم اقتصادی

جمهوری اسلامی ایران

- حمایت های اطلاعاتی ، برقراری ایستگاه های هوایی

، تهیه عکس های ماهواره های ، استفاده از آواکس برای

جاسوسی و ...

[ایالات](#) 

[متحده](#)

[آمریکا](#)

- حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس و

حفاظت از نفت کش ها ی کویت

- دادن مواد بیولوژیکی و میکروبی به رژیم بعث عراق

و ...

- حمایت همه جانبه نظامی و فروش سلاح های مختلف

از قبیل: برقراری پل هوایی برای حمل اسلحه و مهمات

به کشور عراق ؛ اعزام حدود ۲۰۰ مشاور نظامی به عراق

در اختیار گذاشتن حدود ۴۰۰ دستگاه تانک (تی - ۵۵) ،

۲۵۰ دستگاه تانک (تی - ۱۲) و تانکهای جدید (تی - ۷۲)

؛ در اختیار گذاشتن نفر بر های زرهی پی - ام - بی - ۱۰

در اختیار گذاشتن انواع هواپیما های جنگنده مانند :

میگ ۲۱ ، میگ ۲۳ ، میگ ۲۵ و میگ ۲۷ ؛ در اختیار

گذاشتن ۴ فروند هواپیما ی سوخت رسان از نوع توپولف

۷۲ ؛ در اختیار گذاشتن سیستم پدافند هوایی ارتفاع

متوسط به همراه تکنسین های روسی

در اختیار گذاشتن تعداد زیادی از نوع موشک های زمین

به زمین مانند : موشک های گراد ، فراگ ۷ ، سام ۹ ،

اسکادبی و اس - اس - ۱۲ (جهت حمله به شهرها) ،

تامین بیشترین نیاز های تسلیحاتی رژیم بعث عراق

 اتحاد

جماهير شوروی

مواد مربوط به جنگ‌افزار و تجهیزات شیمیایی
مانند سدیم سیانید، پلوتونیم و گاز طیف سنج، کمک
مالی، فروش ابزار و تجهیزات ماشین؛ فروش سلاح و
مهمات؛ در اختیار گذاشتن مواد شیمیایی و مهمات
هوشمند و...

بریتانیا 

فروش تجهیزات پیشرفته نظامی و اورانیوم، اعطای وام
و اعتبارات؛ انعقاد قرارداد های بازرگانی و غیرنظامی، در
اختیار گذاشتن موشک هواپیمایی میراژ اف ۱- ، سوپر
اتاندارد و میراژ ۲۰۰۰، در اختیار گذاشتن موشک های هوا
به هوای ماژیک و موشک های اگزوست و...

فرانسه 

فروش جنگ‌افزار شیمیایی و تجهیزات نظامی پیشرفته،
سیستم‌های مقابله الکترونیکی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار.
فروش ۱۵۰۰ کامیون و لوازم یدکی، ۳۰۰ خودروی بازیابی
و تعمیرات تانک و...

آلمان شرقی 

فروش و آموزش جنگ افزار شیمیایی، ارسال تجهیزات پیشرفته ارتباطی، رادار و فروش تجهیزات نظامی با فناوری بالا، ساخت سلاح های مورد نیاز رژیم بعث عراق در بعضی از کارخانه های خود ؛ در اختیار گذاشتن فناوری در زمینه تولید سلاح های شیمیایی موشک؛ فروش مواد شیمیایی (عامل خون و خردل) ، کالاهای ساخته شده، ماشین آلات سنگین ، کنترل ابزار دقیق ماشینی و ابزارهای علمی و...

 آلمان غربی

ساخت کارخانه مهمات، فروش توپخانه خود کشی

 اتریش

چندین میلیارد دلار آمریکا کمک مالی و فروش مین های زمینی و در اختیار گذاشتن شناور های تندروی اوزال دریایی و اورانیوم و...

 ایتالیا

ارسال تجهیزات نوری، از جمله دستگاه های دید در شب برای نیروهای زمینی و...

 هنگد

ساخت فرودگاه‌ها و تحویل انواع مهمات ساخت پایگاه
های نظامی در کشور عراق (پایگاه هوایی و مقرهای
نظامی) ؛ راه اندازی کارخانه های آزمایشی و تولید
فسفات جهت کمک به رژیم بعث عراق

 بلژیک

فروش جنگ‌افزار و جنگ‌افزار شیمیایی؛ همچنین تحویل
۳۰ فروند هواپیمای آموزشی براوو و پیلاتوس

 سوئیس

فروش اورانیوم و جنگ‌افزار

 پرتغال

فروش جنگ‌افزارهای متعارف و شیمیایی، به‌ویژه مهمات
و مواد منفجره

 اسپانیا

حمایت‌های مالی و صادرات نظامی گسترده، ساختن پل
۶۶۶ متری بر روی رودخانه دجله، فروش بمب افکن،
هواپیمای جنگنده، توپخانه، نفربر زرهی، تانک، رادار
هوایی

 چین

موشک زمین به هوا قابل حمل، موشک ضد کشتی و...

تجهیزات مهندسی مانند کامیون، بولدوزر و غیره

 ژاپن

فروش مهمات، خودرو، زره‌پوش جنگی، راکت‌اندازهای
چند گانه و...

[برزیل](#) 

فروش ۴۲۵ میلیون دلار مهمات، جیپ، و لوازم نظامی

[کره جنوبی](#) 

فروش تجهیزات توپخانه‌ای، فروش ۲۰۰ عدد هویتزر
جی ۵۱۵۵ میلی‌متری و...

[آفریقای](#) 

[جنوبی](#)

فروش تسلیحات، کمک های تبلیغاتی و حمایت های
سیاسی و منطقه ای و...

[اسرائیل](#) 

فروش جنگ‌افزار و...

[کانادا](#) 

فروش تجهیزات نظامی و...

[دانمارک](#) 

صادرات نظامی و...

[مصر](#) 

فروش جنگ‌افزار و...

[مجارستان](#) 

کمک‌کننده عمده و...

[اردن](#) 

حمایت مالی و مجرای برای فروش جنگ‌افزار

[کویت](#) 

فروش جنگ‌افزار و...

[لهستان](#) 

حمایت اولیه، هر چند مخفیانه

[قطر](#) 

فروش جنگ افزار و...

[رومانی](#) 

۶۰ میلیارد دلار کمک مالی و...

[عربستان](#) 

[سعودی](#)

ارائه پیش سازهای تولید جنگ افزار شیمیایی؛ عمل

به عنوان یک واسطه انتقال جنگ افزار. محل ساخت

جنگ افزارهای خارجی برای عراق و...

[سنگاپور](#) 

فرستادن سرباز در کنار نیروهای عراقی برای جنگ با ایران

[سودان](#) 

فروش جنگ افزار و...

[ترکیه](#) 

کمک مالی و...

[امارات متحده](#) 

[عربی](#)

ساخت پنج پایگاه هوایی بزرگ با پناهگاه های زیرزمینی

و مستحکم شده هواپیما توسط شرکت ساختمانی

یوگسلاویایی انرگوپراجکت، فروش جنگ افزار (به ارزش

بیش از ۲ میلیارد دلار) و...

[جمهوری](#) 

[سوسیالیستی](#)

[یوگسلاوی](#)

دفاع مقدس جنگ تحمیلی عراق

پایان

آگوست ۱۹۸۸

شروع

۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰

مهمترین علل تجاوز صدام به ایران

اشغال بخشی از خاک ایران:

تلاش صدام برای دست اندازی بر بخش هایی
از مناطق مرزی نفت خیز ایران و توسعه طلبی و
دست اندازی بر اروندرود



مقابله با انقلاب اسلامی:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأسیس
حکومت انقلابی مبتنی بر آموزه های شیعی ،
رژیم بعث در عراق احساس خطر کرد



تحریک آمریکا:

آمریکا نقش مهمی در تحریک صدام برای حمله
به ایران برای به دست آوردن اعتبار و شهرت و
قدرت در منطقه داشت



کشورهای اصلی حامی عراق

الف - آمریکا

مهم ترین مشوق صدام برای حمله به ایران ، آمریکا بود. آمریکایی ها با سقوط نظام شاهنشاهی در ایران دستشان از منابع عظیم نفت کشورمان کوتاه شده بود، بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، اقدام به دشمنی و حمله نمودند. حمله نظامی در صحرای طبس که با امدادهای الهی شکست خورد، کودتای نوژه و ده ها توطئه دیگر از جمله اقدامات دولت آمریکا بود. زمانی که آمریکایی ها در تمام این توطئه ها شکست خوردند، صدام را تشویق کردند که به ایران حمله کند در سال دوم جنگ و زمانی که ارتش اسلام ، نیروهای اشغالگر را از خاک خود بیرون کرد، دولت آمریکا هم زمان چهار عملیات را برای حمایت از صدام و بر علیه ایران آغاز کرد :

۱- عملیات استانچ : تلاشهای دیپلماتیک برای شناسایی مبادی ورود سلاح و جلوگیری از ارسال تجهیزات جنگی به ایران

۲- عملیات مالی : تلاش برای تأمین نیازهای مالی عراق از طریق شرکت‌های آمریکایی

۳- عملیات اطلاعاتی: قرار دادن اطلاعات نظامی مورد نیاز عراق از ایران

۴- عملیات ضد ایرانی در سازمان های بین المللی: محکومیت ایران در این سازمانها و جلوگیری از انتقال صحبت‌های به حق مسئولین ایرانی به دیگر کشورها

ب - شوروی سابق یا روسیه فعلی

بخش عمده اسلحه مورد نیاز عراقی ها در طول جنگ توسط شوروی تأمین می‌شد. این کشور با در اختیار گذاشتن تجهیزات و جنگ افزارهای مدرن ، کمک زیادی به صدام کرد. پیشرفته‌ترین هواپیماهای جنگی، هلی‌کوپتر، تانک و سلاح‌های دیگر ، از جمله تسلیحاتی بود که شوروی در طول هشت سال جنگ به عراق داد. فرماندهان ارتش روسیه با حضور در ارتش عراق، ضمن دادن آموزش نظامی به فرماندهان عراقی ، راه‌های مقابله با حملات رزمندگان اسلام و حمله به ایران را به آنها می‌آموختند.

ج - اروپا

دو کشور فرانسه و آلمان بیشتر از سایر کشورهای اروپایی ، عراق را حمایت کردند. هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشکهای لیزری که از آخرین دستاوردهای صنعت نظامی فرانسه بود، در اختیار ارتش عراق قرار گرفت. هواپیماهای سوپراتاندارد به دلیل گران بودن ، به ارتش عراق اجاره داده شد تا خلبانان عراقی با استفاده از آنها به راحتی بتوانند رزمندگان اسلام و شهرهای ایران را بمباران کنند.

زمانی که تمام این کمک ها نتوانست ارتش شکست خورده صدام را نجات دهد، آلمان با ارسال مواد شیمیایی به یاری صدام شتافت و او توانست ۶۰۰۰ تن بمب شیمیایی علیه مردم ایران به کار گیرد. ارتش صدام فقط ۱۱۰۰ نفر را در شهر سردشت و سایر نقاط ایران و ۵۰۰۰ نفر را در شهر حلبچه با استفاده از این سلاحها به شهادت رساند.

کشورهای ایتالیا و بلژیک با ارسال موشکهای پیشرفته ضد زره و کمک به عراق در ساخت توپخانه دوربرد و بخشهای دیگر ارتش این کشور، از جمله حامیان عراق بودند.

د - کشورهای عربی

این کشورها با در اختیار داشتن بیشترین منابع نفت و گاز دنیا، عمده‌ترین پشتیبان عراق از نظر مالی و نیروی انسانی بودند. حضور اسیرانی از سربازان کشورهای اردن، مصر، مراکش، سودان، سومالی و کشورهای عربی خلیج فارس نشان دهنده اعزام نیروی انسانی از سوی کشورهای عربی به عراق است. آسمان این کشورها نیز در طول جنگ در اختیار عراق بود و هواپیماهای عراقی برای حمله به مناطق حساس در خلیج فارس و تنگه هرمز و استان‌های جنوبی کشورمان، از آسمان این کشورها استفاده می‌کردند.

ه - سایر کشورها

کشورهایی مثل برزیل و آرژانتین که در صنعت نظامی در آن زمان تقریباً پیشرفته بودند، تسلیحاتی را در اختیار عراق قرار می‌دادند. بعضی کشورها هم یا توانایی کمک به عراق را نداشتند، مثل کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی یا آنکه بی‌طرف بودند مثل ترکیه و پاکستان.

(نقش کشورهای دنیا در جنگ، حسین اسلافی، ۸۸/۶/۳۱)

عملیات های مهم در دفاع مقدس

عملیات ۱۳۶۱/۰۱/۰۲

فتح المبین

یا زهرا علیها السلام
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۰/۰۹/۰۸

طریق القدس

یا حسین علیه السلام
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۰/۰۷/۰۵

ثامن الأئمة

نصر من الله وفتح قريب
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۱/۱۱/۱۷

والفجر مقدماتی

یا الله، یا الله، یا الله
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۱/۰۴/۲۲

رمضان

یا مهدی (عج)
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۱/۰۲/۱۰

بیت المقدس

یا علی ابن ابیطالب (ع)
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۵/۱۰/۱۹

کربلای پنج

یا زهرا علیها السلام
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۳/۱۲/۲۰

بدر

یا فاطمه زهرا علیها السلام
رمز عملیات

عملیات ۱۳۶۲/۱۲/۰۳

خیبر

یا رسول الله (ص)
رمز عملیات

لبنای حسین

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

سال شمار جنگ

در ۳۱ شهریور ۵۹ عراق فرودگاه‌ها و پایگاه‌های هوایی ایران را بمباران و پس از آن تجاوز به خاک ایران را از مرز زمینی آغاز کرد. نیروی هوایی ایران مناطق حساس عراق را بمباران کرد. ایران عملیاتی تهاجمی در غرب کرخه آغاز کرد اما چند روز بعد خرمشهر سقوط کرد.

آبادان محاصره شد. سوسنگرد تا مرز سقوط رفت اما با رسیدن نیروهای کمکی نجات یافت. نیروی دریایی ایران اسکله‌های البکر و الامیه عراق را در عملیات مروارید به آتش کشید. جنگنده‌های نیروی هوایی، نیروی دریایی ارتش بعث را از کار انداختند. عملیات نصر با ضدحمله ارتش بعث مواجه شد و هویزه نیز به اشغال درآمد. عملیات ضربت ذوالفقار در جبهه غرب و چند عملیات محدود در سرپل ذهاب و قصر شیرین به وقوع پیوست. در این سال بیش از ۱۲ هزار نفر به شهادت رسیدند.

در سال ۶۰ نیروی هوایی ایران، با پرواز در ارتفاعات پایین خاک عراق را دور زد و در عملیاتی سخت و پیچیده بمب افکن‌های عراق را در پایگاه

هوایی الولید در غربی‌ترین نقطه این کشور منهدم کرد. عملیات ایران در جبهه بازی‌دراز کرمانشاه نیروهای عراقی را از آبادان به این منطقه کشاند. ایران در جبهه سوسنگرد، جنوب اهواز و شمال آبادان دست به عملیات زد.

حصر آبادان در عملیات بزرگ ثامن‌الائمه به فرماندهی نیروی زمینی ارتش و مشارکت سپاه شکسته شد. ایران دومین عملیات بزرگ خود، طریق القدس، را هم اجرا کرد. در این عملیات نیروهای ایران با عبور از زمین‌های رملی دشمن را غافلگیر کردند. بستان آزاد شد. ضدحمله عراق در پل سابله ایران را غافلگیر کرد. اما چزابه در نبردی سخت و پرتلفات در مقابل حمله ارتش بعث حفظ شد. ایران در غرب کرخه با حملهٔ پیشدستانه عراق مواجه شد. در این سال تعداد شهدا به بیش از ۱۴ هزار نفر افزایش یافت.

در سال ۶۱ ایران در عملیات چند مرحله‌ای و سخت فتح‌المبین موفق شد ارتش بعث را از دزفول، شوش و اندیمشک دور کند. در عملیات بیت‌المقدس عبور نیروهای ایرانی از کارون دشمن را غافلگیر کرد. نبردی سخت بر سر تسلط بر جاده اهواز-خرمشهر صورت گرفت. هویزه و پادگان حمید آزاد شدند.

در مرحله چهارم عملیات بالاخره ایران به هدف اصلی‌اش رسید. خرمشهر آزاد شد. آزادی خرمشهر بزرگترین جشن ملی ایران پس از انقلاب بود.



پس از آزادسازی خرمشهر ایران تصمیم گرفت جنگ را تا تنبیه متجاوز و رسیدن به اهداف بلندتر ادامه دهد. ارتش بعث از برخی مناطق اشغالی در غرب کشور عقب‌نشینی کرد اما ارتفاعات مسلط را رها نکرد. ایران در عملیات رمضان برای نخستین بار وارد خاک عراق شد و به سمت شهر شیعه‌نشین بصره حرکت کرد. ایران در این عملیات تعداد زیادی از رزمندگان خود را از دست داد و به سختی شکست خورد. عملیات مسلم بن عقیل با فتح ارتفاعات سومار از توابع قصر شیرین پایان یافت. عملیات محرم با بارانی سیل‌آسا همراه شد و تعدادی از نیروهای ایران در رودخانه دوبرج غرق شدند اما نیروهای ایران به تدریج به عملیات مسلط شدند و تاسیسات نفتی حمیرین عراق را در اختیار گرفتند. رهبر ایران فتوا داد تا جایی جبهه‌ها احتیاج دارند حضور در جبهه‌ها واجب است. در جبهه سومار عملیات زین‌العابدین برای فتح مندلی در استان دیاله عراق برای نزدیک شدن به بغداد طراحی و اجرا شد اما به اهدافش نرسید و شکست خورد. در عملیات والفجر (مقدماتی) پیاده‌روی طولانی در رمل و موانع پیچیده ارتش بعث، رزمندگان ایرانی را به شکست کشاند. نیروی هوایی عراق چاه‌های نفت

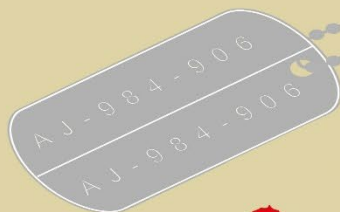
نوروز ایران واقع در شمال غربی جزیره خارک را بمباران کرد و نفت چاه به خلیج فارس ریخت. در این سال تعداد شهدای ایران دو برابر شد و به بیش از ۳۲ هزار نفر افزایش پیدا کرد.



سال ۶۲ را ایران با عملیات والفجرا آغاز کرد. در این عملیات قرار بود نیروهای ایرانی با راهبرد آتش به جای خون، تحت حمایت آتش توپخانه‌های خودی پیشروی کنند اما آتش توپخانه‌های عراق چند برابر بیشتر بود و رزمندگان ایران را زمین‌گیر کرد. ارتش عراق بمباران

شهرهای ایران را بیشتر کرد. مسئولان می‌خواهند مقابله به مثل کنند اما رهبر انقلاب اجازه نمی‌دهد و می‌گوید مردم عراق با ما هستند. ایران در عملیات والفجر ۲ ارتفاعات حاج‌عمران در اربیل عراق را به دست آورد. عملیات والفجر ۳ در ارتفاعات مهران آغاز شد و با موفقیت نسبی ایران به پایان رسید. متخصصین ایرانی آتش‌سوزی چاه‌های نفت نوروز را در یک عملیات پیچیده دریایی مهار کردند. عملیات والفجر ۴ در ارتفاعات دره شیلر بین بانه و مریوان آغاز شد و در کوهستان‌های شمال غرب ادامه یافت و با پیروزی نسبی ایران همراه شد.

عراق حمله به شهرها و کشتی‌های ایران را تشدید کرد. در عملیات خیبر عراقی‌ها در محور هور غافلگیر شدند. نیروهای ایران جزایر مجنون را فتح کردند. این عملیات با تلفات زیادی همراه بود اما در رسیدن به هدف اصلی عملیات یعنی قطع ارتباط بصره با بغداد موفق نبود. رزمندگان ایران جزایر را زیر پاتک شدید ارتش بعث حفظ کردند. بیش از ۲۷ هزار نفر در این سال به شهادت رسیدند.



خاک پرحون

تعداد کل شهدای
هشت سال دفاع مقدس

۲۱۳,۰۰۰

آمار و اطلاعاتی مختصر
از تعداد، فراوانی سنی، نحوه شهادت
و شغل مجموع شهدای
هشت سال دفاع مقدس
منبع آمار: سایت جامع دفاع مقدس

در درگیری
مستقیم با دشمن

۱۵۵,۰۰۰

در شرایطی
ضد انقلاب و تروریستی
منافع فقیهین

۱۶,۰۰۰

در حملات
دشمن به شهرها

۲۲,۰۰۰

۵۶,۰۰۰

شهدای
مجرد

۱۵۵,۰۰۰

شهدای
متاهل

۳۰,۰۰۰

شهدای ۲۰ ساله
(بیشترین فراوانی سنی)

بیشترین تعداد شهدا
در یک سال

۴۱,۰۰۰

سال ۱۳۶۵

فراوانی شهدا
از نظر محدوده سنی

۷,۰۰۰
۱۴ ساله و کمتر

۳۰,۰۰۰
۳۰ ساله و بالاتر

۲۳,۰۰۰
۲۴ تا ۲۹ ساله

۶۵,۰۰۰
۱۵ تا ۱۹ ساله

۸۷,۰۰۰
۲۰ تا ۲۳ ساله

۴۹,۰۰۰

۴۰,۰۰۰

۳۳,۰۰۰

۳۲,۰۰۰

۲۶,۰۰۰

۹,۰۰۰

۴,۵۰۰

۳,۱۰۰

۲,۹۰۰

۲,۷۰۰

۲,۵۰۰

۲,۳۰۰

کتاب هستاد به یاد ناصر کاوه

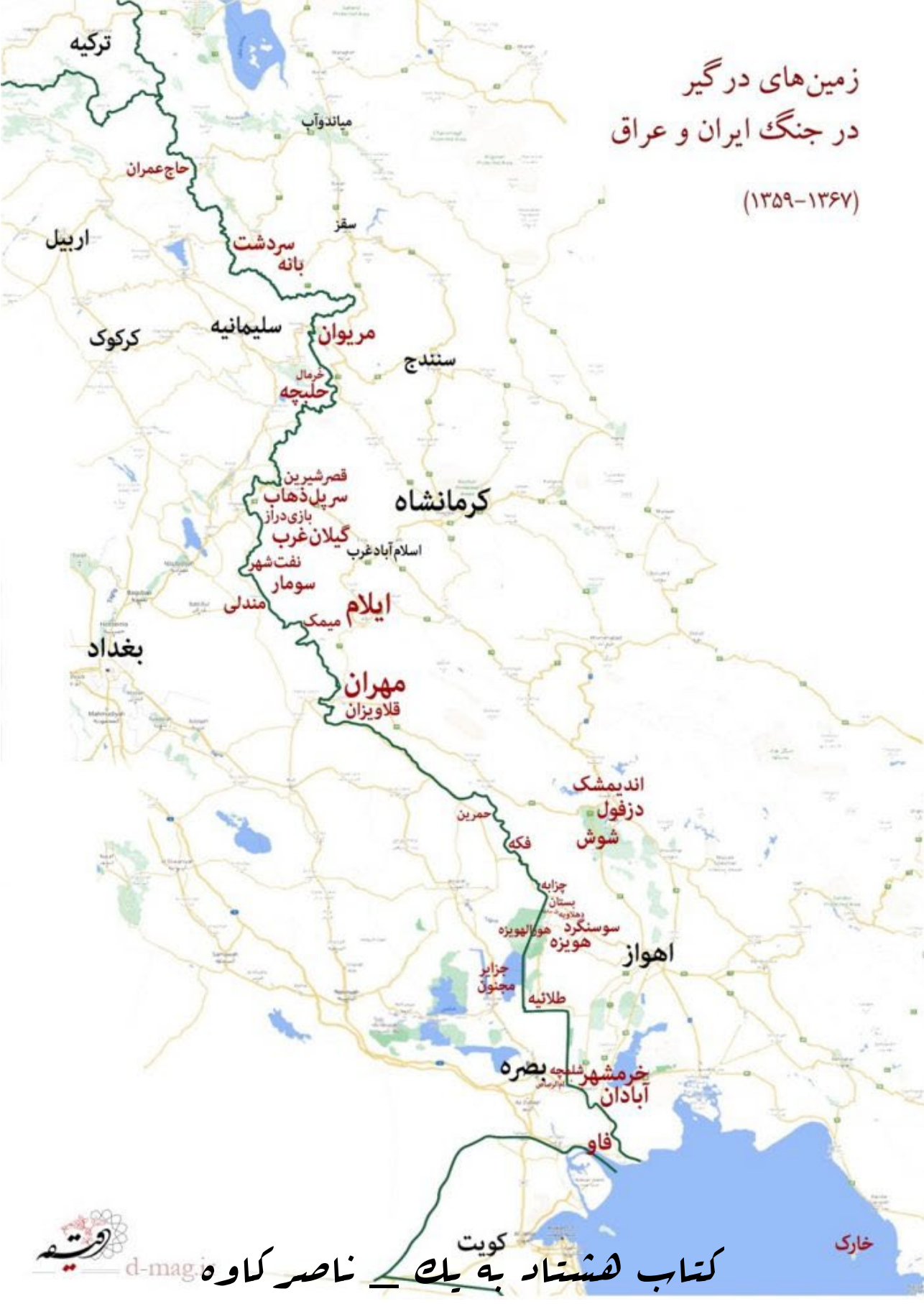
در سال ۶۳ جنگنده‌های عراق نفت‌کش‌های ایران در خارک را بمباران کردند. راه‌های نفوذ ایران در جبهه جنوب بسته بود. ایران عملیات محدودی در منطقه میمک در استان ایلام اجرا می‌کند. در پایان پاییز رهبر انقلاب در پیامی رزمندگان را از اختلاف برحذر داشت.

در انتهای سال در عملیات بدر ایران بخشی از بزرگراه بصره-بغداد را تحت اختیار خود درآورد و تا شرق دجله پیش رفت. اما عراق هزاران رزمنده ایرانی را محاصره کرد و بر منطقه مسلط شد. رزمندگان ایران از شرق دجله عقب‌نشینی کردند. در این سال بیش از ۱۵ هزار رزمنده ایران به شهادت رسیدند.

در سال ۶۴ عملیات قادر در کوهستان‌های شمال غرب به اجرا در آمد. پیش‌روی نیروهای ایران با آتش سنگین عراق متوقف شد. حضور در جبهه غرب در عملیات قادر ۲ ادامه پیدا کرد. شناسایی از اروندرود و فاو آغاز شد. سوابق هواشناسی منطقه مورد مطالعه قرار گرفت. هم‌زمان با آن ایران با عملیات‌های محدودی در هورالهویزه و شلمچه عراقی‌ها را در تشخیص منطقه عملیات اصلی گمراه کرد.

زمین‌های درگیر در جنگ ایران و عراق

(۱۳۵۹-۱۳۶۷)



d-mag

ناصر کاوه

کویت

کتاب هشتاد به یک

خارک

غواصان ایران از اروند گذشتند و به فاو حمله کردند. همزمان با آن، نیروهای ایرانی در شلمچه به شرق بصره و جزیره ام‌الرصاص حمله کردند. پدافند نیروی هوایی ایران جنگنده‌های عراقی در فاو را مهار کرد. ایران موفق به فتح فاو شد و در برابر ضدحمله‌های سنگین ارتش بعث از آن دفاع کرد. در این سال بیش از ۱۶ هزار نفر به شهادت رسیدند.

در سال ۶۵ ارتش بعث مهران را در اختیار گرفت و پیشنهاد معاوضه با فاو را مطرح کرد. مهران در عملیات کربلای ۱ آزاد شد. ایران ارتفاعات قلاویزان در جنوب مهران را فتح کرد و در عملیات کربلای ۳ سکوی اسکله‌الامیه عراق را به تصرف خود درآورد. در عملیات فتح‌المندکان ایران با نفوذ به خاک عراق تاسیسات نفتی کرکوک را به آتش کشید و به خاک ایران بازگشت. عملیات کربلای ۴ با امیدواری زیاد آغاز شد اما آمادگی آشکار ارتش بعث، در صحنه نبرد نشان از اطلاع قبلی عراق از عملیات ایران داشت. عراق منتظر رسیدن نیروهای ایران بود. آتش سنگین عراق، عملیات را در کمتر از ۴۸ ساعت متوقف کرد. عراق این پیروزی را جشن گرفت و اسرای ایرانی در عراق چرخاند.

عملیات کربلای ۵ با غافلگیری عراق آغاز شد. رزمندگان ایران از شلمچه به سمت بصره پیش رفتند. عراق نیروی بسیاری به شلمچه آورد. تمام قدرت نظامی ایران و عراق در جنگی سخت در زمین محدود شلمچه با یکدیگر درگیر شدند.

ایران به اهداف تعیین شده عملیات رسید اما عملیات سرنوشت سازی که ایرانی ها می خواستند نشد. ایران روی دفاع از مناطق فتح شده متمرکز شد. در این سال تعداد شهدا به بیش از ۴۱ هزار نفر افزایش یافت و به بیشترین مقدار خود از آغاز جنگ رسید.





سال ۶۶ با عملیات کربلای ۸ آغاز شد. ایران در این عملیات نتوانست از موقعیت کربلای ۵ جلوتر برود. عملیات کربلای ۱۰ در جبهه غرب با همکاری نیروهای اتحادیه میهنی کردستان، برخلاف عملیات در کرکوک به موفقیتی نرسید. حمله نیروی دریایی سپاه به نفتکش روس در رسانه‌ها بازتاب یافت. سازمان مجاهدین خلق وارد جنگ مستقیم با رزمندگان ایران شد و همراه با عراق به سردشت حمله کرد. جنگنده عراقی ناو آمریکا را به آتش کشید. ۳۷ آمریکایی کشته شدند. عراق عذرخواهی کرد. مجلس آمریکا طرح اسکورت نفتکش‌های کویت را تصویب کرد. قطعنامه ۵۹۸ در سازمان ملل به تصویب رسید. نفتکش

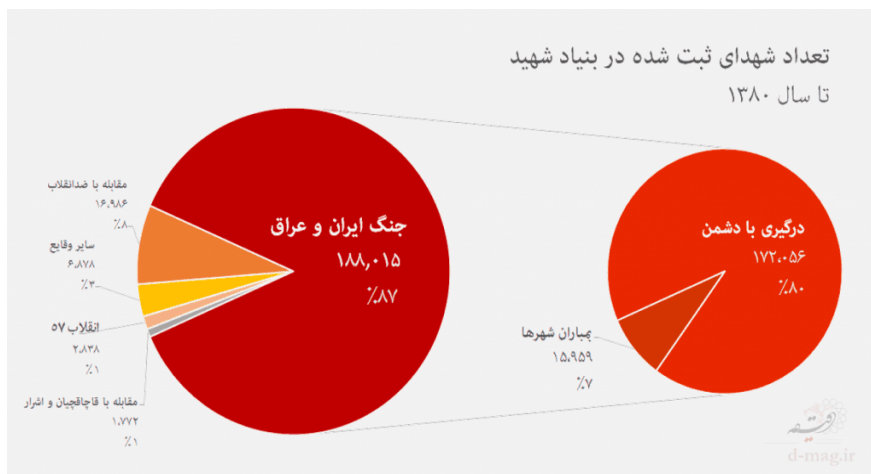
کویت در اولین جابجایی با پرچم آمریکا به مین برخورد کرد. نیروی دریایی آمریکا کشتی تجاری ایران را به اتهام مین‌ریزی در دریا توقیف و سپس در مراسم رسمی غرق کرد. نیروی دریایی ایران می‌خواست با انفجار چاه‌های نفت عربستان در الخفاجی انتقام کشتار حاجیان ایران را بگیرد اما با تهدید آمریکا این عملیات متوقف شد. بالگردهای آمریکا به قایق‌های گشتی ایران حمله کردند. ایران به تلافی یک نفتکش آمریکایی در ساحل کویت را هدف موشک‌های خود قرار داد. آمریکا به تلافی سکوی نفتی رشادت را نابود کرد. ایران نیروهایش را به جبهه شمال غرب فرستاد. پیش‌روی رزمندگان ایران در عملیات بیت‌المقدس ۲ در کوهستان‌های شمال غرب، ایران را به پیروزی‌های بیشتر امیدوار کرد. نیروهای بیشتری به جبهه شمال غرب رفتند. عملیات‌های محدود ظفر ۶، ظفر ۷ و بیت‌المقدس ۳ در جبهه شمال غرب اجرا شد. در عملیات والفجر ۱۰ بزرگترین عملیات جبهه شمال غرب، خرمال و حلبچه عراق تحت کنترل رزمندگان ایران درآمد. برخی عراقی‌ها از آمدن نیروهای ایرانی استقبال کردند. صدام با بمباران شیمیایی و انتشار گاز سارین مردم حلبچه را خفه کرد. موشک‌باران شهرهای ایران به صورتی

بی‌سابقه افزایش یافت و برد موشک‌های عراق به تهران رسید. تصاویر تلویزیونی بمباران شیمیایی حلبچه ساکنان تهران را از اقدام مشابه عراق در پایتخت ایران به وحشت انداخت. در این سال بیش از ۲۱ هزار به شهادت رسیدند.

در سال ۶۷ عراق با جابجایی نمایشی بخشی از لشکر گارد به جبهه شمال غرب فرماندهان ایران را فریب داد. سازمان مجاهدین خلق در منطقه فکه واقع در شمال غرب خوزستان و جنوب شرقی ایلام دست به عملیات زد و پس از تضعیف جدی پدافند ایران به خاک عراق بازگشت. آمریکا به تلافی برخورد ناوش به مین، به سکوی نفتی سلمان حمله کرد. موشک‌باران شهرهای ایران با شدت زیادی ادامه داشت. اطلاعات ضد و نقیضی از آرایش نیروهای عراق در جبهه‌های شمال غرب و جنوب به گوش می‌رسید. فرماندهان جنگ برای برگزاری سمیناری در کرمانشاه جمع شده بودند. ایران در حال و هوای انتخابات مجلس بود که عراق با نیرویی ۱۲ برابر نیروی ایرانی مستقر در فاو به این شبه جزیره حمله کرد. توپخانه عراق فاو را به جهنم بدل کرد و

مناطق پشت جبهه ایران را با بمب شیمیایی کوبید و راه کمک‌رسانی به فاو را از بین برد. عراق رزمندگان زیادی از ایران را به شهادت رساند و به اسارت گرفت و فاو را از کنترل ایران خارج کرد. سپس با حمله‌ای سریع شلمچه عراق را هم پس گرفت. عملیات بیت‌المقدس ۷ آخرین عملیات تهاجمی ایران در گرمای سوزان شلمچه به توفیقی دست نیافت. ناو هواپیمابر آمریکا بر فراز خلیج فارس به هواپیمای مسافربری ایران شلیک کرد و جان نزدیک به ۴۰۰ غیرنظامی را گرفت. عراق تا دهلران در خاک ایران پیش رفت و تعداد زیادی اسیر گرفت. ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ قطعنامه سازمان ملل را پذیرفت. ارتش عراق دوباره به جاده اهواز-خرمشهر و مرزهای ایلام و کرمانشاه حمله کرد. در این میان سازمان مجاهدین خلق با عنوان ارتش آزادی‌بخش از مرز کرمانشاه گذشت تا در پنج مرحله تهران را فتح کند. ارتش آزادی‌بخش در عملیات مرصاد نرسیده به کرمانشاه منهدم شد. عراق در ۱۵ مرداد ۶۷ قطعنامه را پذیرفت و جنگ ایران و عراق پس از ۸ سال آتش و خون تمام شد. در سال پایانی جنگ بیش از ۲۱ هزار نفر به شهادت رسیدند...

مطابق گزیده‌های آماری بنیاد شهید در اسفند ۱۳۸۰ بیش از ۲۱۶ هزار نفر به عنوان شهید به ثبت رسیده است. نزدیک به ۸۷٪ از این شهدا یعنی بیش از ۱۸۸ هزار نفر کسانی بوده‌اند که در جنگ ایران و عراق به شهادت رسیده‌اند. از این تعداد بیش از ۱۷۲ هزار نفر کسانی بوده‌اند که در درگیری با دشمن به شهادت رسیده بودند (۹۲٪) و نزدیک ۱۶ هزار نفر نیز کسانی بودند در بمباران موشکی شهرهای ایران به شهادت رسیده بودند. در طول جنگ، عراق در مجموع ۵۳۲ موشک به ۲۵ شهر ایران پرتاب کرد که از این تعداد ۴۱۰ موشک به مناطق مسکونی اصابت کرد (۷۷٪)



گزیده آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۰



حملات موشکی [رژیم بعث صدام به تهران]



بیش از
۲۵۹۷ نفر

تعداد شهدا و مجروحین



بیش از
۱۰۰ فروند

تعداد موشک های
شلیک شده به تهران



اصابت موشک های زمین به زمین به
۴ نقطه ی شهر تهران در ششمین
مرحله از جنگ شهرها



۱۰ اسفند ۱۳۶۶



۱۰ اسفند ۱۳۶۶

تا
۱۸ اسفند ۱۳۶۶



پرتاب ۳۷ موشک با بیش از ۹۶ شهید
و ۷۶ مجروح تا این مرحله

اعلام رژیم بعث مبنی بر پرتاب
۱۰۶ موشک علیه شهرهای ایران



۲ فروردین ۱۳۶۷



اهداف تهاجم



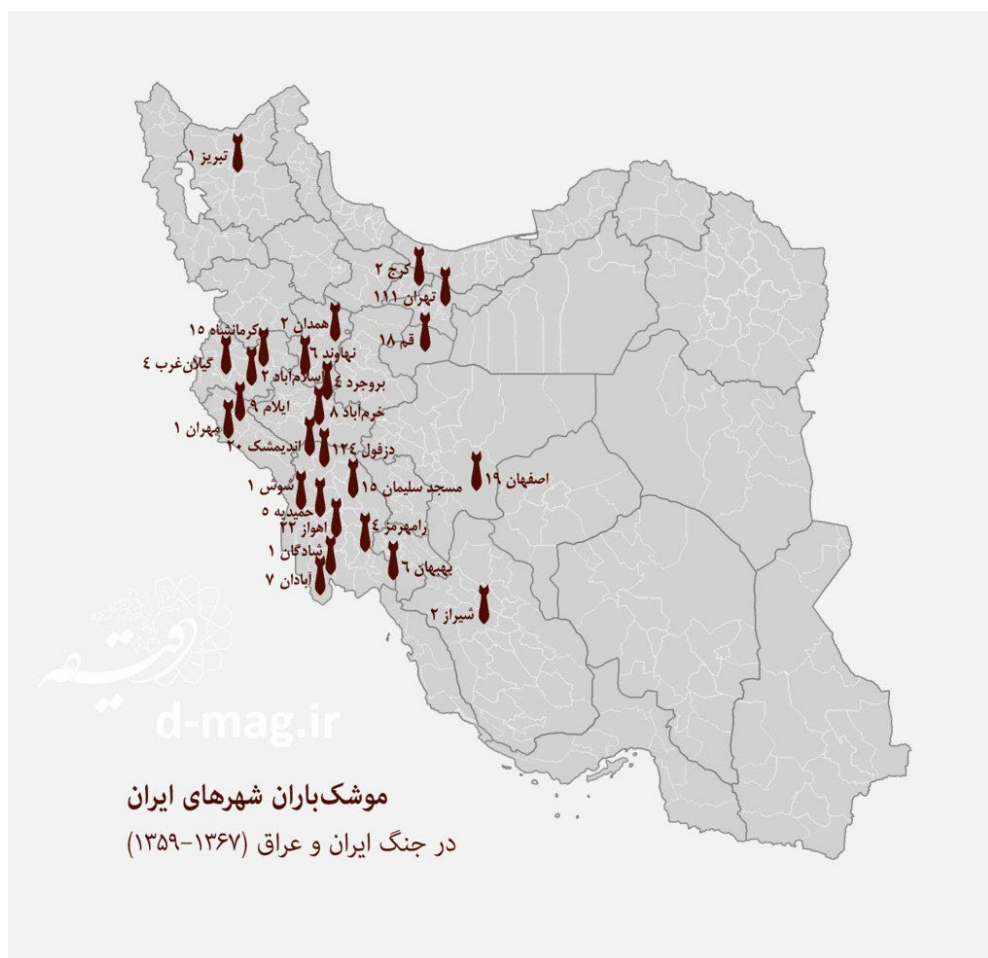
مناطق هدف



- خنثی نمودن عملیاتهای رزمی رزمندگان اسلام و جبران
- شکست نیروهای رژیم بعث
- کاهش توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
- جلوگیری از پیشروی رزمندگان اسلام در جنگ زمینی
- پایان دادن به جنگ در اثر فشار روانی
- کاهش اعزام و حرکت نیروهای مردمی به جبهه های جنگ
- ایجاد جو روانی و فشار آوردن بر جامعه و مردم



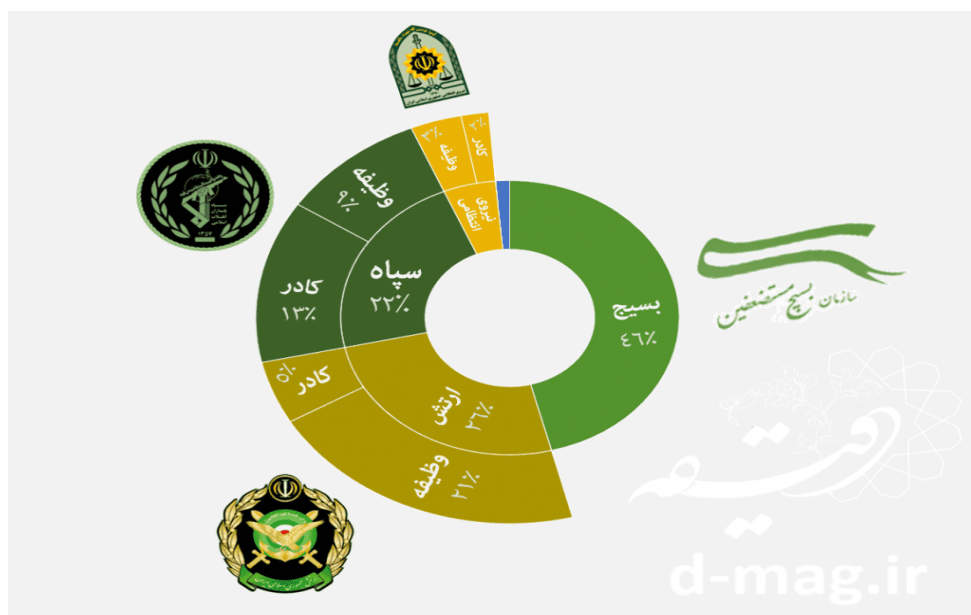
کتاب هشدار به یک ناصری کلاوه



نقشه اصابت موشک‌های عراق به شهرهای ایران در سال‌های جنگ ایران و عراق
یگان‌های رزمی و پشتیبانی

ایران جنگ را با سه نیروی مسلح ارتش، سپاه پاسداران و بسیج اداره می‌کرد. ارتش با چهار نیروی زمینی، دریایی، هوایی و پدافند هوایی در جنگ شرکت داشت، سپاه از سال‌های ابتدایی در جنگ حضور داشت اما با تداوم جنگ با حکم رهبر انقلاب نیروهای سه‌گانه زمینی، دریایی

و هوایی را تشکیل داد و حضورش گسترش بیشتری پیدا کرد. نیروهای داوطلب در قالب بسیج به جبهه‌ها اعزام می‌شدند. در میان شهدای نیروهای مسلح، بیشترین تعداد شهدا متعلق به بسیج (بیش از ۸۵ هزار نفر) و پس از آن ارتش (بیش از ۴۷ هزار نفر) و سپاه (بیش از ۴۱ هزار نفر) بوده است. ۴۶٪ از شهدا عضو بسیج، ۲۶٪ عضو ارتش و ۲۲٪ عضو سپاه و ۵٪ عضو نیروی انتظامی بوده‌اند. در میان شهدای ارتش، سپاه و نیروی انتظامی در مجموع ۳۷٪ اعضای کادر و ۶۳٪ سرابازان وظیفه بوده‌اند.



آمار شهدا در نیروهای مسلح (یگان‌های پشتیبانی و رزم)

نگاهی آماری به شهدای جنگ تحمیلی

اسامی استان‌ها

تعداد شهدا

ISNA



میانگین سنی شهدای جنگ تحمیلی
۲۳ سال

تاریخ تولد: ۱۳۶۶/۱۲/۰۶

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/۱۲/۱۸

تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۰۷/۰۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۱۲/۲۱

آمار شهدای حملات هوایی و موشکی به شهرها
۱۰,۱۹۶ نفر

آمار شهدای دفاع مقدس

۱۸۸ آمار شهدای دفاع مقدس هزار و ۱۵ نفر است که از این تعداد ۱۷۱/۲۳۵ نفر در جبهه‌های جنگ و ۱۶/۷۸۰ نفر بر اثر حملات هوایی و توپ‌خانه‌ای دشمن به شهرها و مناطق مسکونی به شهادت رسیده‌اند. از تعداد کل شهدای ایران در جنگ تحمیلی، تعداد ۱۵۵ هزار و ۲۵۹ نفر مجرد بودند و ۵۵ هزار و ۹۹۶ نفر نیز دارای همسر و فرزند بودند. هفت هزار و ۵۴ نفر از شهدای ما در دوران جنگ تحمیلی، کودکان کمتر از ۱۴ سال بودند و ۶۵ هزار و ۵۷۵ نفر از این شهدا را نیز نوجوانان ۱۵ تا ۱۹ ساله تشکیل دادند. تعداد ۱۳۲/۷۷۰ نفر از شهدا مجرد (۷۱٪) و مابقی متأهل بوده‌اند

– ۴۴٪ شهدا در گروه سنی ۱۶ تا ۲۰ سال و ۳۰٪ در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال

– ۸٪ در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و مابقی در سایر گروه‌های سنی قرار دارند.

میانگین سن شهدا در زمان شهادت در حدود ۲۳ سال بوده است و شهدای ۲۰ ساله نسبت به سایر سنین بیشترین نسبت را داشته‌اند. از شهدای دفاع مقدس ۴۵ درصد بسیجی ۱۹ درصد نیروهای سپاه (وظیفه و کادر) ۲۳ درصد نیروهای کادر و وظیفه ارتش ۲/۸ درصد از نیروهای انتظامی و ۱/۳ درصد از نیروهای جهاد سازندگی بوده‌اند.

وضعیت شغلی شهدا در زمان شهادت به این گونه بوده است:

۴۵/۳ درصد شهدای دارای شغل نظامی و انتظامی

۹/۲ درصد مشاغل کشوری

۱۸/۵ درصد دانش آموز

۱/۳ درصد روحانی

۱۸/۱ درصد مشاغل آزاد

۱/۲ درصد دانشجو

منبع: (پایگاه اطلاع رسانی بسیج , ۸۷/۸/۱۴)

(لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۰۰۱۲۷۸۵۵/۲)

دلیل برتری ارتش بعث عراق در ماه های پایانی جنگ



از جمله پرسش هایی که درباره جنگ ایران و عراق مطرح است این است که چرا رژیم بعث عراق در ماه های پایانی جنگ نسبت به نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران برتری پیدا کرده بود؟

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

مهم‌ترین عوامل این برتری چنین بود:

۱- اتفاق نظر بین‌المللی به ویژه شوروی و امریکا برای پایان دادن به جنگ.

۲- استفاده وسیع عراق از سلاح‌های شیمیایی و سکوت مجامع جهانی در برابر این اقدام عراق.

۳- بسته شدن راه‌کارهای عملیاتی و ضرورت یافتن راه‌کارهای جدید که نیاز به تجهیزات پیشرفته داشت و فنآوری آن در اختیار جمهوری اسلامی نبود.

۴- عدم تمرکز تجهیزات نظامی موجود در کشور در سازمانی که عمل کننده اصلی در جنگ بود (سپاه).

۵ - مهم‌تر از همه، عقب‌ماندگی اساسی ایران از نظر تجهیزات نظامی پیشرفته بود. به ویژه بعد از سال ۱۳۶۳ به دو علت توازن ابزارهای پیشرفته به نفع عراق سنگینی می‌کرد:

۱- تحریم همه‌جانبه کشورهای جهان در واگذاری تجهیزات هر چند عمومی نظامی به ایران. ۲- کاهش توان اقتصادی کشور برای خرید اقلام نظامی.

البته افزایش روزافزون توان نظامی عراق امر مبهمی نبود که ایران در ارزیابی‌های نظامی خود از آن غافل شده باشد، ولی توجه به یک امر مهم ضروری است و آن اینکه هم‌زمان با تحولاتی که با پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ حاصل شد - و بیشتر از خسارتی که ایران به ارتش عراق وارد کرد - نظام جهانی به تجهیز و تقویت عراق پرداخت. به عنوان مثال، پس از آنکه آشکار شد عراق توان پیشروی در خاک ایران را ندارد، فرانسه در بهمن ۱۳۵۹ اقدام به فروش هواپیماهای میراژ به عراق کرد. همچنین پس از آنکه توان نظامی ایران در طرح‌ریزی عملیات خیبر مشخص شد، سلاح‌های شیمیایی به طور گسترده به عراق فروخته شد و برای فشار بیشتر به ایران و تهدید جریان فروش نفت و محدود ساختن منابع ارزی ایران، فرانسه هواپیماهای سوپر اتاندارد و موشک‌های اگزوسه را به عراق فروخت.

دوم اسلحه

هفته



دفاع مقدس مظهر حماسه، معنویت و دینداری،
آرمان خواهی، ایثار و از خودگذشتگی، ایستادگی و پایداری
و مقاومت، و مظهر تدبیر و حکمت است.

۱۳۸۸/۰۶/۲۴

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

این روند پس از عملیات بدر با فروش میگ ۲۵ روسی ادامه یافت و پس از عملیات کربلای ۵ سلاح‌های شیمیایی موثرتر و کشنده‌تر همچون سیانور، به عراق داده شد.

در سال ۱۳۶۶ نیز با تغییراتی در بُرد موشک‌های اسکاد - بی، عراق توانست تهران و شهرهای دورتر را هدف قرار دهد. در حقیقت تحولات نظامی عراق از توان داخلی آن کشور ناشی نمی‌شد بلکه قدرت‌های بزرگ اصلی‌ترین عامل در تجهیز و تقویت عراق بودند.

عراق، کشور توسعه نیافته‌ای که در آغاز جنگ فاقد فذآوری پیشرفته نظامی بود، در طول جنگ از انواع سلاح‌ها و ادوات نظامی پیشرفته که دارای جدیدترین فذآوری‌ها بودند، بهره‌مند شد.

این سلاح‌ها در پی هر پیروزی نیروهای ایران در اختیار عراق قرار می‌گرفت. همچنین، امریکا همزمان با تحریم اقتصادی ایران در ۳ آبان ۱۳۶۶، قطعات رایانه‌ای پیشرفته که عراق را قادر می‌کرد بُرد موشک‌های اسکاد - بی را به ۱۲۰۰ کیلومتر برساند، در اختیار این کشور قرار داد.

علاوه بر آن، سایر کشورها نیز در مقاطع مختلف انواع مهمات، خودرو، تجهیزات مخابراتی و ... را در اختیار عراق قرار دادند.

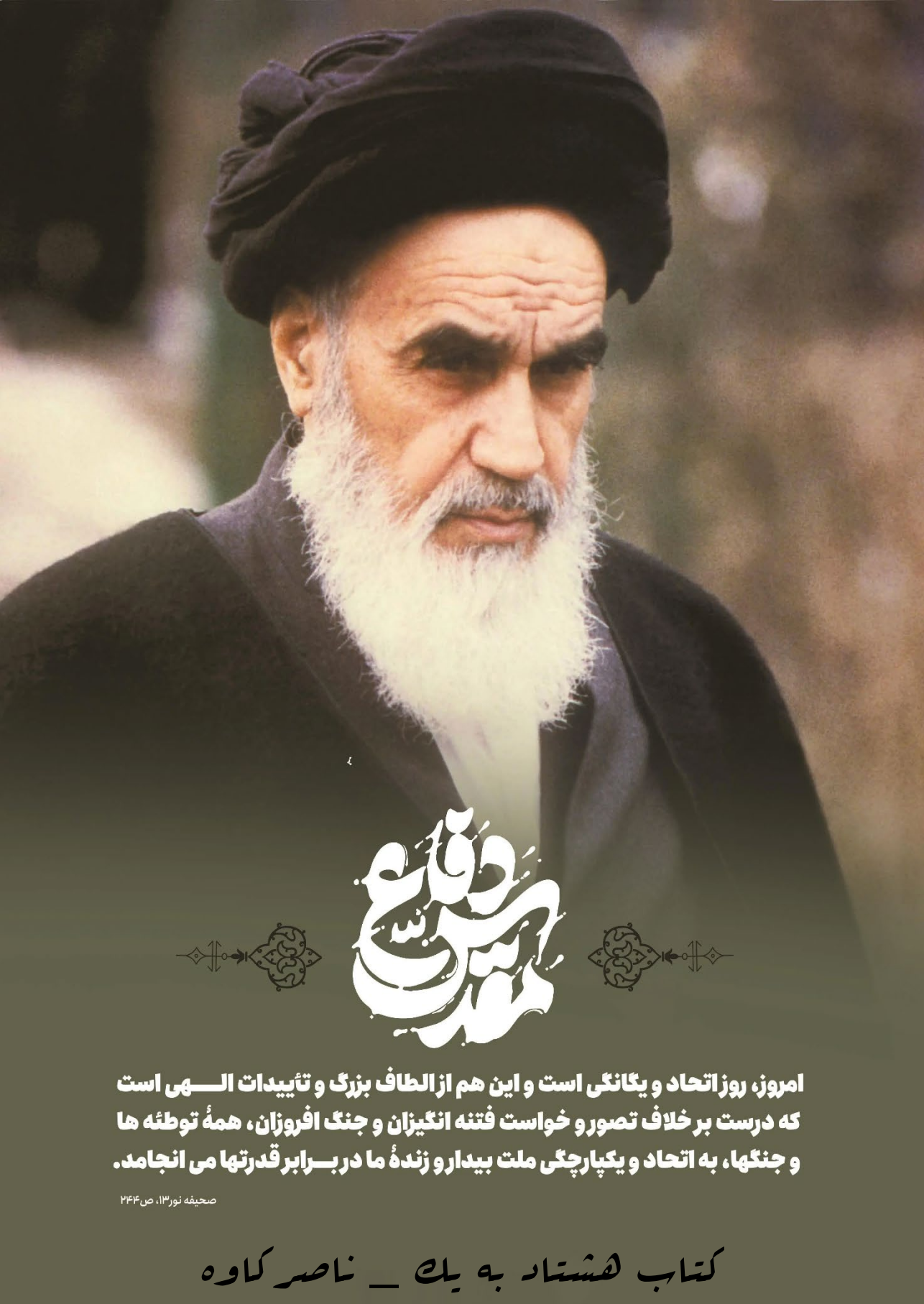
این در حالی بود که چند دفتر وزارتی و شرکت‌های دولتی ایران در کشورهای غربی به ویژه انگلستان به بهانه خرید سلاح برای ایران بسته شد. از سوی دیگر، ایران به طور کامل در تحریم تسلیحاتی، تجهیزاتی و اقتصادی غرب و امریکا بود.

حتی دولت سوئد برای جلوگیری از فروش قایق موتوری با ظرفیت پایین به جمهوری اسلامی، فشار زیادی به شرکت‌های سوئدی و مراکز ایرانی در سوئد وارد آورد. همچنین هر بازرگان غربی که احتمال داده می‌شد واسطه خرید برای ایران است، دستگیر می‌شد و تحت فشار قرار می‌گرفت.

منبع: بررسی از کتاب پرسشها و پاسخها (جنگ ایران و عراق)؛

ص ۷۹-۸۱؛ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ فرهاد درویشی

کتاب هشتم به یک _ ناصر کاوه



ایمان

امروز، روز اتحاد و یگانگی است و این هم از الطاف بزرگ و تأییدات الهی است که درست بر خلاف تصور و خواست فتنه انگیزان و جنگ افروزان، همه توطئه ها و جنگها، به اتحاد و یکپارچگی ملت بیدار و زنده ما در برابر قدرتها می انجامد.

صحیفه نور ۱۳، ص ۲۴۴

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

من امروز بر این عقیده‌ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آن‌همه توطئه‌ها و خصومت‌ها و جنگ‌افروزی‌هایی که در جهان علیه انقلاب اسلامی است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می‌آوردند.

در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب، خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی، باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها مؤفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم؛ حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن‌همه خسارات چیزی به دست نیاوردند.

البته اگر همه‌ی علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم، ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود، مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه‌ی صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم؛ ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت

نموده‌ایم؛ ما در جنگ پرده از چهره‌ی تزویر جهان‌خواران کنار زدیم؛ ما در جنگ دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم؛ ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم؛ ما در جنگ ابهت و ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم؛ ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم؛ ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم؛ ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد؛ جنگ ما کمک به فتح افغانستان را به دنبال داشت؛ جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت؛ جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند؛ جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت؛ تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن‌چنانی برخوردار شد و از همه‌ی این‌ها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه‌ی این‌ها از برکت خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود؛ همه‌ی این‌ها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده‌سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست؛ جنگ ما جنگ فقر و غنا بود؛ جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوتاه‌نظرند آن‌هایی که خیال می‌کنند، چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است! در حالی که صدای اسلام‌خواهی آفریقا از جنگ هشت‌ساله‌ی ماست؛ علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت‌ساله‌ی ماست. من در این جا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به‌خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم.

راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه‌ی خود عمل نمود؛ و خوشا به حال آنان که تا لحظه‌ی آخر هم تردید ننمودند؛ آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه‌ی خود عمل کرده است! آیا از این که به وظیفه‌ی خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خودفروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود! تأخیر در رسیدن به همه‌ی اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه‌ی ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه. اگر همه‌ی انبیا و معصومین علیهم‌السلام در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلندمدتی که هرگز

در حیات ظاهری آنان جامه‌ی عمل نیوشیده است، ذکری به میان آورند. در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود.

ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم؛ ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم؛ ما شعار مرگ بر آمریکا را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمانان در تسخیر لانه‌ی فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم؛ ما همه‌ی شعارهای مان را با عمل محک زده‌ایم. البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روش‌ها و تاکتیک‌ها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست‌کم بگیریم و همه‌ی عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟

پیام امام خمینی(ره) به روحانیون سراسر کشور

منشور روحانیت

امام خامنه ای : به ما سیم‌خاردار هم نمی‌فروختند!

روزی بر ما گذشت که به ما سیم‌خاردار هم نمی‌فروختند! خیلی ها خبر ندارند که ما چه دوران هایی را گذرانیدیم. روزی بر ما گذشت که سبک ترین و کم‌ارزش ترین سلاحها و مهمات شان را به ما نمی‌فروختند و ما هم نداشتیم. دولت شوروی سابق، نه تنها به ما سلاح نمی‌فروخت، بلکه آنچه را هم که از جای دیگر خریده بودیم و می‌خواستیم از خاک شوروی عبور دهیم و به داخل کشورمان بیاوریم، اجازه نمی‌داد! چه چیز؟ سلاح اتمی را؟ سلاحهای پیچیده را؟ خیر! چیزی در حد سیم خاردار را! یک روز چنین بود. یک روز دیگر هم دولت هایی پشت‌گردن هم صف کشیدند که ما به شما فلان سلاح و فلان سلاح و فلان سلاح پیچیده را می‌فروشیم. آن وقت ما گفتیم:

«باید انتخاب کنیم. ما از همه نمی‌خریم!»

این روز را هم گذرانیدیم.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران ۰۶/۱۱/۱۳۷۱

اگر پیام شهدا را درست بشنویم
گرایش به شرق و غرب از بین ما می رود...



ما گوشمان سنگین است، این پیامها را درست نمی شنویم؛
اگر به ما بشنوانند این پیامها را، دیگر این گرایش به شرق و
به غرب و به دشمن و به کفر و الحاد و مانند اینها، از بین ما
رخت بر خواهد بست. این ضعفهایی که شما مشاهده
میکنید در ما، به خاطر این است که این پیام را نمی شنویم. ۱۳۹۷/۰۸/۱۴

کتاب هشتاد به یک _ ناصر کاوه

مَلَّتِيْ كِه بَا تَوَكَّلْ بِه خُدا آوَا زِهِي عَزَّتْ خُوِيْش رَا بِه فَلَکْ رَسَانْدِه، تَنْ بِه خَفَّتْ وَ خَوَارِيْ نَمِيْدِهْد. اَلَا وَ اِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حِزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ لِيَعُوْدَ الْجَوْرُ اِلَى اَوْطَانِهِ وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ اِلَى نِصَابِهِ (خطبه ۲۲ نهج البلاغه)

چنان‌که میدانید دشمن متجاوز پس از رانده شدن از میهن عزیز اسلامی‌مان، بار دیگر با تکیه به کمک دشمنان جهانی اسلام، تجاوز خود را از سر گرفته و از چند نقطه به درون مرزها رخنه کرده است.

نیت پلید او آن است که پیش از اجرای قطعنامه‌ی ۵۹۸ و استقرار آتش‌بس، موضع برتر را از لحاظ جغرافیایی به دست آورد و در مذاکرات پیرامون مواد قطعنامه، به اتکاء همین موضع برتر، با زورگویی و قلدری، شرایطی را مطرح و ناروایی را بر ملت شجاع و انقلابی ما تحمیل کند. او که بارها در میدان نبرد، برق صلابت و قدرت الهی رزمندگان ما را دیده و بارها با عجز و ذلت، آتش‌بس را از ملت ایران التماس کرده، اکنون مغرور از قدرتی موقت و زودگذر، طبیعت جنگ‌طلب خود را آشکار میکند و بی‌آنکه از تجربه‌ی تلخ آتش‌افروزی‌اش درسی گرفته

باشد یک بار دیگر ابلهانه قدم به بیشه‌ی شیران خدا نهاده و با پای خویش به سمت پرتگاه به پیش می رود. حامیان صدام که با اسلام و ملت انقلابی ایران کینه‌ای آشتی‌ناپذیر دارند، همانها که تا دیروز ریاکارانه از صلح دم میزدند و ما را بر نپذیرفتن قطعنامه‌ی ۵۹۸ شماتت میکردند، امروز به طمع افتاده‌اند که ایران اسلامی را به امضای قراردادی خفت‌بار مجبور کنند، و لذا برخلاف ادعاهای قبلی و ظاهری خود، حاکم سُبک‌سر و مغرور و نابخرد بغداد را در خفا به ادامه‌ی تجاوز و تأخیر در اجرای قطعنامه‌ی ۵۹۸ تشویق میکنند.

اینان همانهایی هستند که در طول هشت سال جنگ، همواره او را با پول و سلاح و تبلیغات کمک کرده‌اند و اکنون میکوشند که نتیجه‌ی آن همکاری‌های جنایت‌آلود خود را در ضعف و شکست اسلام و ایران به دست آورند. ابرقدرت‌های شرق و غرب امید بسته‌اند که ملت انقلابی ما را شکست‌خورده معرفی کنند؛ جهان‌خواران امید بسته‌اند که پرچم آزادی مسلمین را که به دست توانای ملت ما برافراشته شده است، سرنگون کنند؛ دیوان آدمی‌خوار امید بسته‌اند که نور خدا را در میهن ما

و برق امید را در دل ملت‌های مستضعف خاموش کنند. آنها نیروهای خود را بر روی هم گذاشته‌اند و به هر شیوه‌ی جنایت‌آمیز متوسل میشوند تا جمهوری اسلامی را دچار شکست نظامی و سپس شکست سیاسی کنند و از ملت مبارز و انقلابی ما انتقام بگیرند. آنها به این گمان باطل که ملت ایران از جنگ خسته شده است، نقشه کشیده‌اند که این ملت سرافراز و سربلند را به ذلت بکشانند و آتش کینه‌ی ده ساله‌ی خود را فرو نشانند.

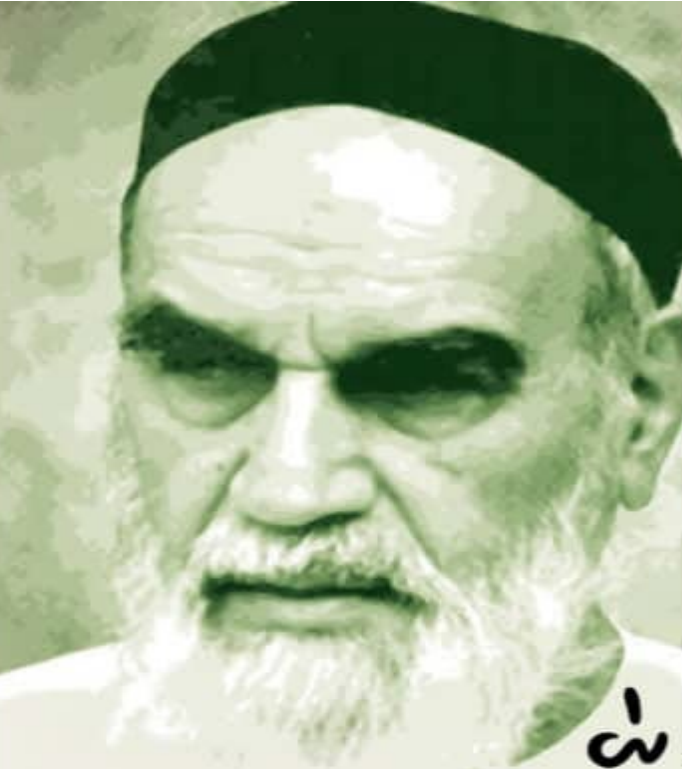
آنان نمیدانند که ملتی خداجوی و فداکار که زنجیر بندگی ابرقدرت‌ها را پاره کرده و بر اوج قلّه‌ی عبودیت خدا برآمده، هرگز تن به ذلت نخواهد داد. آن کوردلان ندانسته‌اند که «لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»، (سوره مبارکه المنافقون آیه ۸) ملتی که با توکل به خدا و اعتماد به نفس، آوازه‌ی عزّت خویش را به فلک رسانده، هرگز تن به خفت و خواری نخواهد داد.

آری «هیئات ممّا الذّله ابی الله ذلک و رسوله طابت و طهرت» (اللهوف
على قتلى الطفوف، ص: ۹۷؛ اثبات الوصیة، ص: ۱۶۶)؛ آنان فراموش
کرده‌اند که در هشت سال قبل که این توطئه‌ی خباثت‌آمیز عیناً به
دست حزب بعث عفرلی آغاز شده بود، چگونه با قدرت انقلابی و ایمان
اسلامی مردم نقش‌برآب گشت؛ آنان فداکاری ملّت ما را که در
سخت‌ترین اوضاع به یاری نیروهای مسلّح خود شتافت و صحنه‌ی
نبرد را به مزبله‌ی اجساد متجاوزان عراقی مبدّل ساخت، از یاد برده‌اند؛
آنان ندانسته‌اند که در هنگامه‌ی جهاد فی‌سبیل‌الله، مردم از هر قشر و
گروه سر از پا نشناخته و بی‌قرار، به مقابله با دشمن می‌شتابند و جان
خود را سپر بلای اسلام و انقلاب و میهن عزیز میکنند؛ آری آنان امام ما
و ملّت ما را نشناخته‌اند.

امام خامنه ای

پیام به ائمه جمعه سراسر کشور

۰۲/۰۵/۱۳۶۷



تدبیر امام روح‌الله...

از جمله تدبیرهای امام خمینی رحمه الله در دوران جنگ تحمیلی، بسیج همگانی و سازمان‌دهی مردم و نیروهای مسلح، گسترش تشکیلات نظامی، ایجاد هماهنگی و انسجام در نیروهای مسلح، هماهنگی و بکارگیری امکانات پشت جبهه، مقابله با عوامل بازدارنده داخلی و تبلیغات دشمن، تفویض برخی اختیارات و تشویق به نبرد بود.



کتاب هشتاد به یک - ناصر کاوه

مروری بر تعداد قطعنامه‌های صادر شده توسط

شورای امنیت سازمان ملل

الف) قطعنامه ۴۷۹ در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰م مطابق با ۶ مهر ۱۳۵۹ ه. ش

این قطعنامه از ایران و عراق می‌خواهد از هرگونه کاربرد بیشتر زور به فوریت خودداری کنند و مناقشه خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل حل نمایند و از آن‌ها مصرانه می‌خواهد هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجی‌گری، سازش یا توسل به نهادهای منطقه‌ای یا دیگر راه‌های مسالمت‌آمیز بنا به انتخاب خود را که اجرای تعهداتشان براساس منشور ملل متحد تسهیل کند، بپذیرند و از کلیه کشورهای دیگر می‌خواهد حداکثر خویشتن‌داری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند.

شورای امنیت در ششمین روز آغاز جنگ و حمله عراق به ایران، این قطعنامه را صادر می‌کند و در آن از لفظ «وضعیت» استفاده می‌کند. در قطعنامه ۴۷۹ سخنی از نقض تمامیت ارضی ایران نشده و پیشنهاد

آتش بس هم نداده و از نیروهای اشغالگر هم نخواستہ خاک طرف دیگر را ترک کنند. عراق این قطعنامه را بلافاصله پذیرفت ولی ایران اعلام کرد تا زمانی که نیروهای ارتش بعثی عراق در داخل خاک ایران هستند، قطعنامه فوق قابل قبول نیست. (سید داود سید آقائی، بررسی ابعاد حقوقی جنگ ایران و عراق، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸)

ب) قطعنامه ۵۱۴ در ۱۲ جولای ۱۹۸۲م مطابق با ۲۳ تیرماه ۱۳۶۱ ه.ش

این قطعنامه زمانی تصویب می شود که آزادسازی بسیاری از مناطق تحت اشغال در عملیات ثامن الائمه و بویژه در عملیات های فتح المبین و بیت المقدس شرایط سیاسی- نظامی را تحت الشعاع قرار داده است. این قطعنامه خواستار آتش بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی و عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی است و صرفاً یک «توصیه» است. این قطعنامه مربوط به زمانی است که نیروهای عراق مشغول استحکام مواضع خود در داخل ایران بودند و سخنی در مورد معرفی متجاوز و آغازگر جنگ و تنبیه او به میان نیاورده است و برای نخستین بار از برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروها و تشکیل

نیروی پاسدار صلح و استقرار آن‌ها سخن به میان آمده است.

(نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق، ص ۴۸۱)

ج) قطعنامه ۵۲۲ در اول اکتبر ۱۹۸۲م مطابق با ۱۲ مهرماه ۱۳۶۱ ه.ش

این قطعنامه خواستار آتش‌بس فوری و پایان دادن به کلیه عملیات نظامی است و بر عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی مجددا تاکید می‌کند. در فاصله قطعنامه قبلی تا این قطعنامه دو عملیات عمده رمضان و مسلم بن عقیل انجام شد. تصویب این قطعنامه به دلیل فشار عملیاتی ایران به عراق و فشار سیاسی عراق به شورای امنیت برای جلوگیری از پیشرفت‌های ایران است. به دنبال این قطعنامه، ارتش عراق بر حملات هوایی خود علیه مناطق مسکونی، کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌ها افزود.

د) قطعنامه ۵۴۰ در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳م مطابق با ۹ آبان ماه ۱۳۶۲ ه.ش

در این قطعنامه از دبیر کل خواسته شده است تا به کوشش‌های میانجی‌گرانه خود میان طرفین به منظور نیل به حل اختلاف به نحو کامل و عادلانه و شرافتمندانه که مورد قبول هر دو طرف باشد، ادامه

دهد. همچنین خواسته است فوری کلیه عملیات نظامی علیه هدف‌های غیر نظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی متوقف شود و طرفین متخاصم بلافاصله به خصومت در منطقه خلیج [فارس] من جمله خطوط دریایی و آبراه‌های قابل کشتیرانی، بنادر، پایانه‌ها، تأسیسات دور از ساحل و همه بنادری که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دریا راه دارند، پایان دهند و به تمامیت ارضی دیگر کشورهای ساحلی احترام بگذارند.

(عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴، ص ۹۷-۱۰۱)

در فاصله قطعنامه ۵۲۲ تا ۵۴۰ چند عملیات بزرگ از جمله محرم و والفجرهای ۱ تا ۴ انجام می‌شود و باز هم شورا با هدف جلوگیری از پیروزی‌های ایران، این قطعنامه را صادر می‌کند.

(آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس، ص ۱۵۸)

دفاع مقدس



جنگ برپا شده بود تا از این خاک دروازه ای به کربلا باز شود و
مرد ترین مردان در حسرت آن قافله عشق ماندند و چنین شد...



ه) قطعنامه ۵۵۲ در اول ژوئن ۱۹۸۴م مطابق با ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ ه.ش

این قطعنامه از کلیه دولت‌ها می‌خواهد تا براساس حقوق بین‌المللی حق کشتیرانی آزاد احترام بگذارند و حملات اخیر به کشتی‌های بازرگانی را در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی محکوم می‌کند.

شورای امنیت برای اولین بار از لفظ خلیج استفاده و عمداً کلمه فارس را حذف می‌کند. این قطعنامه پس از حملات عراق و ناامن کردن تردد کشتی‌های تجاری در خلیج فارس و با شکایت کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کویت، عربستان، قطر، بحرین و امارات از ایران صادر می‌شود در حالی که عراق به ۷۱ کشتی تجاری حمله کرده بود.

عملیات بزرگ خیبر در اسفندماه ۱۳۶۲ و تصرف جزایر مجنون عراق توسط رزمندگان اسلام از دلایل دیگر صدور این قطعنامه بود. (بررسی ابعاد حقوقی جنگ ایران و عراق، ص ۱۳۸)

و) قطعنامه ۵۸۲ در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶م مطابق با ۵ اسفند ۱۳۶۴ ه.ش

این قطعنامه نسبت به اعمال نخستینی که باعث شروع نزاع بین ایران و عراق شد و نسبت به تداوم آن، به خصوص حمله به اراضی و بمباران

مراکز صرفاً غیر نظامی و حمله به کشتی‌های بی‌طرف یا هواپیماهای غیر نظامی و نقض حقوق بشر به خصوص استفاده از سلاح‌های شیمیایی، ابراز تأسف می‌کند.

این قطعنامه از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهد که فوراً آتش‌بس را برقرار و تمام عملیات جنگی خود را در زمین، دریا و هوا متوقف کنند و تمام نیروهای خود را بی‌درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند و بر مبادله همه اسرای جنگی تأکید می‌شود.

(حمد عبدالعزيز کواری، عملکرد شورای امنیت در جنگ عراق و ایران، ترجمه محمد علی عسگری، ۱۳۸۷، ص ۴۹۵)

در فاصله این قطعنامه تا قبلی (۵۵۲) عملیات‌های مختلفی در منطقه عمومی آبادان و فاو عراق (والفجر ۸) انجام می‌شود که تعادل امنیتی، نظامی و سیاسی دنیا و شورای امنیت را مختل می‌کند. رزمندگان اسلام تا این قطعنامه ۳ مورد از خواسته‌های به حق خود را از شورای امنیت گرفتند.

ز) قطعنامه ۵۸۸ در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۶م مطابق با ۱۹ مهرماه ۱۳۶۵ ش.ه

این قطعنامه به خاطر طولانی شدن و تشدید منازعه از جمهوری اسلامی ایران و عراق می‌خواهد که به طور کامل و بدون درنگ قطعنامه ۵۸۲ را که در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ تصویب شد، اجرا کنند. (آشنایی با معارف جنگ، ص ۱۵۹)

اعلام آتش‌بس توسط شورای امنیت سازمان ملل

به دنبال موافقت عراق با تعیین زمان آتش‌بس، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در جلسه نهم ملاقات با دبیر کل سازمان ملل در روز ۱۶/۵/۱۳۶۷، پاسخ مثبت ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش‌بس اعلام کرد. با تصمیم مقامات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث عراق نسبت به تاریخ اجرای آتش‌بس، سرانجام در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش‌بس تا اجرای آن، کلیه تلاش‌های دبیر کل سازمان ملل برای استقرار نیروهای ناظر بر آتش‌بس (یونیماک) در جبهه‌های جنگ و در پایتخت دو کشور انجام گرفت و

[illegible]

امام خمینی علیه السلام:

ما در جنگ برای
یک لحظه هم نادم و
پشیمان از عملکرد
خود نیستیم. ما در جنگ
ابتهت ابر قدرت‌ها را
شکستیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳ و ۲۸۴

کتاب هشتم به یک — ناصر کاوه